روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی
یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۴
۲۵ رمضان ۱۴۴۷ | ۱۵ مارچ ۲۰۲۶
شماره ۸۸۱
۸۰۰۰ تومان

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir

سیکل معیوب تزریق نقدینگی

صفحه ۰۸

ایمنی شهروندان با سه‌بعدی‌سازی

۳

سقف تاریخی در تیررس بورس

۵

چالش اقتصادی فراوانی نفت

۷

شروع حدادی با فرار از مدیریت درویشی

تبخیر یارانه‌های ارزی

به‌طوری که شاخص قیمت گوشت قرمز و گوشت ماکیان، که نهاده‌های دامی آنها از تخصیص ارز با نرخ....

صفحه ۲

هر منطقه آزاد، یک قطب اقتصادی

دکتر سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی در این نشست گفت: مناطق آزاد ایران آزاد نیست...

صفحه ۴

ابزار ناکارآمد ارزان‌سازی

سیاستی که طی سال‌های گذشته در قالب طرح‌های متعدد تعزیراتی اجرا شده، اما نه تنها....

صفحه ۶

ایران در گفت‌وگوی منطقه‌ای

دکتر کامران کرمی
پژوهشگر مسائل خلیج فارس

وزیر خارجه عمان در این نشست منطقه‌ای با ابعاد بین‌المللی، با تاکید بر یک مولفه کلیدی یعنی تعامل با جمهوری اسلامی ایران، از بازیگران مجموعه GCC خواست تا سیاست گفت‌وگو با تهران و سایر کشورهایی را که مدت‌ها به عنوان دشمن یا رقیب منطقه‌ای شناخته شده‌اند، در پیش بگیرند. به موازات آن وزیر خارجه بحرین هم به‌عنوان میزبان این رویداد مهم سالانه که بیست و یکمین دور آن در شهر منامه برگزار شد، با تصریح این مولفه که امنیت واقعی چندبعدی نیازمند همکاری صادقانه و مستمر کشورهاست، تاکید کرد امنیت منطقه با حل دیپلماتیک پرونده هسته‌ای ایران ممکن است.

طنین این اظهارات را باید بخشی از چارچوب احیای روابط دیپلماتیک ایران با دولت‌های عربی خلیج فارس در طول سه سال گذشته ارزیابی کرد. همچنین ضرباهنگ این نگاه در فضای عدم قطعیت‌ها پس از جنگ ۱۲روزه در منطقه هم قابل‌توجه است. اما بخش بنیادی‌تر و شاید مغفول‌تر این تغییر رویکرد را که محور این نوشتار است، باید در سند چشم‌انداز امنیت منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس منتشره در مارس ۲۰۲۴ پیگیری کرد. سندی که حکم نقشه راه بازیگران شورای همکاری در یک جهان متنوع و متکثر با عدم قطعیت‌های راهبردی را دارد. بر اساس این سند «چشم‌انداز شورا برای امنیت منطقه‌ای» چارچوب‌بندی شده است. این سند ۱۵صفحه‌ای برای نخستین بار تلاش می‌کند دیدگاه و رویکرد جمعی شش عضو را درباره تهدیدها، فرصت‌ها و مسیر عمل مشترک اعضا بازتعریف کند.

محورهای کلیدی سند

در این سند چهار محور کلیدی مورد نظر قرار دارد. امنیت یکپارچه و غیرقابل‌تقسیم که بر پایه‌گذاری امنیت جمعی تاکید می‌کند، یعنی تهدید علیه یکی از اعضا تهدیدی برای همه به شمار می‌رود و باید با رویکرد هماهنگ پاسخ داده شود. دومین محور ترکیب تهدیدهای سنتی و نوین است، یعنی علاوه بر تهدیدهای سنتی (قائم به ایران، گروه‌های تروریستی و رقابت‌های منطقه‌ای)، مسائل مهم و نوظهوری چون امنیت انرژی، امنیت دریایی، سایبری و تغییر اقلیم را به‌عنوان تهدیدهای راهبردی پذیرفته است. محور سوم دیپلماسی توأمان با بازدارندگی است که از تقویت ظرفیت‌های دفاعی و بازدارندگی همراه با گسترش دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی(ابزارهای سیاسی و اقتصادی) سخن به میان می‌آورد. محور چهارم تاکید بر تجارت جهانی با محوریت انرژی و امنیت است، یعنی تضمین ثبات مسیرهای دریایی و بازارهای انرژی به‌عنوان اولویتی هم‌زمان با حفظ همکاری‌های بین‌المللی مورد تاکید قرار دارد.

نحوه مواجهه با محیط بیرونی

شورای همکاری خلیج فارس در سند منتشره خود، نحوه مواجهه با تحولات بیرونی در سه سطح پیرامونی، منطقه‌ای و بین‌المللی را مشخص کرده که تفسیر بندهای آن، چهار مولفه را برجسته می‌کند.

الف) اتحاد نمادین اما عملگرایانه: اگرچه در این سند به اتحاد بین مجموعه شورای همکاری رنگ و شکل رسمی‌تری بخشیده شده، اما در خروجی هر کشور مسیرهای ملی خود را هم دنبال می‌کند. عربستان سعودی و دولت امارات اصلاحات اقتصادی و تقویت توان نظامی را شتاب داده‌اند، قطر و عمان بر میانجی‌گری و دیپلماسی نرم تاکید دارند و کویت و بحرین بین این دو طیف قرار می‌گیرند. بنابراین مواجهه با بیرون ضمن اینکه نسبت به قبل تکمیلی به نظر می‌رسد، اما درعین‌حال متفرق است و این ناشی از اجرای سیاست خارجی در سطح واحدهای ملی، آن هم در مواقع حساس و ضروری است. شاهد عینی این موضوع، بیانیه‌های منتشره از سوی شورای همکاری است که اتحاد رسمی را بازتاب می‌دهد، اما روی زمین اختلاف رویکرد همچنان برجسته است.

ب) موازنه‌سازی فعال: مولفه دوم تلاش برای موازنه‌سازی فعال است. دولت‌های شورای همکاری تلاش می‌کنند بین آمریکا به‌عنوان شریک امنیتی سنتی، چین و روسیه به‌عنوان بازیگران اقتصادی-نظامی رو به رشد و اروپا تعادل سیاسی و امنیتی برقرار کنند. به این معنی که از گسترش شتابان روابط اقتصادی با چین بهره‌برداری حداکثری را به عمل می‌آورند؛ درعین‌حال تعهدات امنیتی با واشنگتن را حفظ می‌کنند. در واقع سند شورا این ضرورت را به‌صورت رسمی وارد گزاره‌های خود کرده و اجلاس‌های اخیر از جمله نشست با آسیای مرکزی، اتحادیه اروپا، آ.سه.آن، کارائیب و... این جهت‌گیری را تایید می‌کنند.

ج) تمرکز بر تاب‌آوری داخلی: تصمیم‌گیرندگان شورای همکاری خلیج فارس دو رویکرد را در قبال فشارهای محیطی و بین‌المللی اتخاذ کرده‌اند. رویکرد اول؛ سرمایه‌گذاری سنگین در «تنوع‌بخشی اقتصادی» و «نوسازی زیرساخت‌ها» (دیجیتال، گردشگری، خدمات مالی) و دوم تضمین امنیت عرضه انرژی و مسیرهای تجاری. به عبارت دیگر سند بر امنیت بازارهای انرژی و مسیرهای دریایی به‌عنوان یک اولویت اساسی تاکید می‌کند.

د) گسترش شراکت‌های منطقه‌ای: اما شاید نقطه تحول این سند به‌ویژه در ارتباط با ایران را بتوان گسترش شراکت‌های منطقه‌ای با همسایگان و سازمان‌های منطقه‌ای و همکاری با بازیگران فرامنطقه‌ای دانست. این بخشی از تلاش شورا برای تغییر از «انفعال دفاعی» به «بازیگری فعال در سیاستگذاری منطقه‌ای» است. البته این مولفه بیشتر یک هدف راهبردی است و تحقق آن نیاز به اعتمادسازی و حل اختلافات داخلی منطقه‌ای دارد.

ایمنی شهروندان با سه‌بعدی‌سازی

کریم حسن پور – تجربه مواجهه شهر تهران با جنگ تحمیلی خرداد، از نگاه یک تیم مطالعات شهرسازی و زیرساختی، بیانگر «آسیب‌پذیری غیرقابل انکار برابر تهدیدهای نوین» است.

تجربه جنگ ۱۲روزه و جنگ فعلی نشان‌داد که تهران شهری تاب‌آور در مقابل بحران‌های طبیعی و غیرطبیعی و به‌خصوص تهدیدهای نظامی و جنگ‌افزارهای نوین نیست. در این شرایط هر برنامه‌ای برای توسعه پایتخت باید مبتنی بر تاب‌آورکردن این شهر در مقابل بحران و ضرورت شناسایی، آماده‌سازی و ساخت پناهگاه‌ها باشد. در این وضعیت استفاده از فضاهای زیرزمینی شهر به شکل دو منظوره و با قابلیت تبدیل به پناهگاه ضروری است. در عین‌حال بازنگری در طرح‌های جامع و تفصیلی ضرورتی غیرقابل‌انکار شمرده می‌شود. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در گزارشی کارشناسی مختصات پناهگاه‌ها را مطرح کرده‌است. در عین‌حال ضروری است که توسعه آتی پایتخت مبتنی بر سناریوی «وقوع شرایط جنگی» و ارتقای آمادگی شهر و شهروندان نه فقط برای جنگ که طیف گسترده‌ای از بحران‌های طبیعی و انسان‌ساخت باشد. این توسعه باید به‌نحوی باشد که شهروندان بتوانند در «سریع‌ترین» زمان به شبکه‌ای بهینه و پاسخگو از پناهگاه‌ها دسترسی داشته‌باشند.

مختصات پناهگاه‌های امن از دیگر موضوعات مهم مطرح‌شده در این گزارش است که در آن تاکید شده؛ شمال و مرکز تهران پتانسیل بیشتری برای ساخت پناهگاه‌های زیرسطحی دارند. البته اولویت ساخت پناهگاه با مناطق با تراکم‌جمعیتی بالاتر است. پناهگاه‌های زیرزمینی باید در عمق حداقل ۱۰متری و حداکثر ۱۰۰متری از سطح زمین احداث شوند. پناهگاه‌ها باید مجهز به‌فروشگاه زیرزمینی باشند و اتصال پناهگاه‌های اختصاصی در ساختمان‌های مسکونی به شبکه مترو ضروری است. سرانه فضای پناهگاه برای هر نفر ۲.۵مترمربع است، پناهگاه باید حداقل فاصله ۵۰۰متری با گسل و حداکثر فاصله ۱۰۰۰متری با پهنه مسکونی داشته‌باشد. حداقل فاصله ۱۰۰۰متری با مراکز مستعد هدف دشمن مثل نظامی، صنعتی و اداری از دیگر ضروریات مختصات پناهگاه‌ها است.

تهران آسیب‌پذیر در مقابل جنگ

تجربه جنگ ۱۲روزه در تهران نشان‌دهنده آسیب‌پذیری این شهر در مقابل تهدیدهای نظامی و جنگ‌افزارهای نوین بود. این موضوع ضرورت توجه ویژه به سناریوهای وقوع شرایط جنگی و ارتقای آمادگی شهر و شهروندان در زمان جنگ در ترسیم چشم‌انداز و برنامه‌ریزی توسعه تهران را برجسته کرد، درحالی‌که جنگ نشان‌داد پایتخت در مقابل بحران چندان تاب‌آور نیست و نبود مکان‌های امن برای پناه‌گیری در این شهر حفظ سلامت و ایمنی شهروندان را به‌خطر می‌اندازد، شناسایی و آماده‌سازی مکان‌هایی امن و همچنین ساخت پناهگاه‌های جدید در اولویت شهر قرارگرفت، با این‌وجود آماده‌سازی و ساخت پناهگاه‌های جدید نیاز به ضروریاتی دارد.

درواقع نمی‌توان در هر فضایی نسبت به احداث پناهگاه امن اقدام کرد. در چنین شرایطی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در گزارشی به ملاحظات شناسایی شاخص‌های مناسب مکان‌یابی پناهگاه در مناطق شهری تهران با تاکید بر بهره‌برداری بهینه از زیرساخت‌های شهری موجود پرداخته است. در این گزارش اصلی‌ترین معیارها برای انتخاب مکان‌های مناسب به‌عنوان پناهگاه استخراج و معرفی شده‌است. در چنین شرایطی ضروری است که سیاستگذاران حوزه شهری در تمامی برنامه‌های توسعه شهر از جمله طرح‌های جامع و تفصیلی بازنگری فاکتورهای پدافند غیرعامل، تامین و ساخت مکان‌های امن در شهرها را در نظر بگیرند. این گزارش موقعیت‌یابی بهینه برای پناهگاه را بر مبنای محدودیت زمان و منابع مالی و با درنظرگرفتن مسائلی از جمله کانون‌های جمعیتی، ضرورت اضافه‌شدن رویکرد سه‌بعدی ناظر بر عمق زیرسطحی شهر انجام داده و ضرورت دارد تا نتایج چنین تحقیق‌هایی در تدوین و بازنگری طرح‌های توسعه شهری مورداستفاده قرار گیرد.

توجه به پناهگاه‌های زیرزمینی در اسناد بالادستی

در بند۶ سیاست‌های کلی نظام در امور پدافند غیرعامل صراحتا بر اهمیت دو یا چند منظوره‌کردن مستحدثات، تاسیسات و شبکه‌های ارتباطی و مواصلاتی در جهت بهره‌گیری پدافندی در نقاط حساس کشور تاکید شده‌است. این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که ضرورت برنامه‌ریزی برای احداث پناهگاه‌های جدید یا آماده‌سازی فضاهای شهری موجود جهت استفاده به‌عنوان پناهگاه موضوعی وابسته به شرایط جنگ و مواضع دفاعی نیست و پاسخی مناسب برای طیف گسترده‌تری از وضعیت‌های بحرانی طبیعی و انسان‌ساخت به‌شمار می‌رود، از این‌رو شهر تهران باید این امکان را داشته‌باشد تا در سریع‌ترین زمان ممکن به شبکه‌ای بهینه و پاسخگو از پناهگاه‌ها مجهز شود.

مطالعات نشان از آن دارد که فضاهای پناهگاهی شامل پناهگاه‌های همگانی و اختصاصی، زیرسطحی، نیمه مدفون و روسطحی، تک منظوره و چند منظوره می‌شود. در این پژوهش معیارهایی برای تعیین موقعیت مکانی پناهگاه‌های شهری تعریف شد و اولین معیار عبارت است از درنظر گرفتن شاخص‌های مکانی توسعه و احداث پناهگاه‌های عمومی به‌عنوان گونه‌ای از فضاهای شهری زیرسطحی چند منظوره. معیار دوم عبارت است از الزامات آماده‌سازی تجهیزات شهری به‌ویژه پارکینگ‌های طبقاتی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل شهری به‌ویژه مترو، تونل‌های سواره و تقاطع‌های غیرهمسطح، تاسیسات خدمات شهری و انتقال انرژی موجود جهت استفاده به‌عنوان پناهگاه.

مختصات اصلی پناهگاه

مبتنی بر مطالعات و تجارب جهانی اصلی‌ترین ملاحظات درخصوص تعیین مکان فضاهای چندمنظوره پناهگاهی شامل ضرورت جمع‌آوری و به‌روزرسانی اطلاعات دقیق و یکپارچه از مکان تاسیسات شهری و لایه‌های زیرساخت جهت پیشگیری از عدم‌تداخل و تعارض با فضای زیرسطحی می‌شود. همچنین شناخت کامل عوامل طبیعی از جمله جنس زمین و مقاومت خاک، سطح آب زیرزمینی، وجود گسل‌ها، پتانسیل فرونشست، پتانسیل روان‌گرایی خاک، وضعیت قنات‌ها و حفره‌های زیرسطحی و همچنین شناخت کامل عوامل کالبدی شکل نظام پهنه‌بندی عملکردی و کاربری؛ تراکم کاربری‌ها، تراکم ساختمانی، وضعیت حمل‌ونقل و ترافیک و... در تعیین موقعیت ضروری است.

تعبیه پناهگاه اختصاصی در تراز زیرزمینی

در همه ساختمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی بزرگ‌مقیاس (به‌عنوان نمونه در تجربه سوئیس) این پناهگاه‌ها در مجتمع‌هایی با بیش از ۱۰هزار نفر جمعیت تعبیه‌شده و در عین‌حال تامین سرانه مناسب تخت بیمارستان زیرزمینی در محدوده تحت‌پوشش هر بیمارستان مورد توجه قرار گرفته است. توسعه فروشگاه‌های زیرزمینی که امکان استفاده به‌عنوان پناهگاه عمومی را نیز دارند و همچنین تعبیه پناهگاه‌های اختصاصی در پارکینگ‌های زیرسطحی مجتمع‌های مسکونی که در مواقع لزوم به شبکه مترو متصل می‌شود نیز ضروری است. از دیگر نکات ضروری برای پناهگاه‌ها ترجیح به قرارگیری در عمق حداقل ۱۰متر و حداکثر ۱۰۰متر براساس وضعیت لایه‌های آب زیرزمینی است. همچنین نزدیکی به مراکز پرتراکم‌جمعیتی برای ارتقای سرانه‌های شهری و خدماتی موردنیاز جمعیت در زمان صلح و پاسخ‌دهی به نیاز پناه‌گیری و اسکان موقت جمعیت در شرایط دفاعی دارای اهمیت است.

از دیگر ویژگی‌های پناهگاه‌ها تامین فضاهای چند منظوره با قابلیت و صرفه اقتصادی بالا و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب در شرایط صلح برای بهره‌گیری از عواید آن در شرایط دفاع به‌ویژه در مناطقی است که قیمت اراضی روسطحی برای اختصاص به فعالیت‌های اقتصادی-تجاری بسیار بالا است. امکانات موردنیاز برای پناهگاه شامل تامین امکانات و خدمات کافی برای تجمع از طریق تامین امکان ذخیره‌سازی غذا و تجهیزات پزشکی و منابع پایدار آب آشامیدنی می‌شود. فضای اختصاص داده‌شده به هر نفر در پناهگاه ۲.۵مترمربع است. مکان قرارگیری پناهگاه باید ۲۰۰متر از فضای سبز و باز فاصله داشته‌باشد و بیش از ۵۰۰متر از فضاهای تاریخی دور باشد. فاصله ۵۰۰متری از گسل‌ها و رودخانه‌ها و دامنه‌های پرشیب در مکان‌یابی پناهگاه‌ها ضروری شمرده می‌شود. حداقل فاصله از زیرساخت و تاسیسات برق، آب و گاز و همچنین مراکز آموزشی ۵۰۰متر و حداقل فاصله از واحدهای با کاربری مسکونی هزار متر است. حداقل فاصله از مراکز نظامی، صنعتی و مراکز مستعد هدف‌گیری دشمن نیز هزار متر است.

مختصات پناهگاه‌های امن از دیگر موضوعات مهم مطرح‌شده در این گزارش است که در آن تاکید شده؛ شمال و مرکز تهران پتانسیل بیشتری برای ساخت پناهگاه‌های زیرسطحی دارند.

مزایا و معایب تبدیل مترو به پناهگاه

درخصوص بهره‌برداری از تجهیزات شهری موجود و به‌طور ویژه ایستگاه‌های مترو و آماده‌سازی آنها به‌عنوان پناهگاه، توجه به این نکته ضروری است که به‌رغم بهینگی، توزیع مناسب و مطالعه شده در سطح شهر به تناسب جمعیت بهره‌بردار و سرعت بالای این روش از تامین فضای امن، ملاحظات و چالش‌های راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی سخت‌گیرانه‌ای برای آماده‌سازی این فضاها برای اسکان موقت جمعیت و ارائه خدمات اولیه به شکل خودکفا وجود دارد. درحالی متروها به‌عنوان گزینه مناسب پناه‌گیری معرفی می‌شوند که ضروری است ظرفیت‌پذیری جمعیتی تمامی ایستگاه‌های مترو مورد مطالعه قرارگرفته و سناریوهای ورود و تخلیه جمعیت در این‌خصوص ارائه شود که شامل مناسب‌سازی شرایط محیطی ایستگاه‌های دارای ظرفیت استفاده به‌عنوان پناهگاه از منظر نور، تهویه، خدمات بهداشتی و امکانات نظارتی است. در عین‌حال استفاده از ایستگاه‌های مترو به‌عنوان پناهگاه باید به‌نحوی باشد که امکان ادامه فعالیت شبکه مترو به‌عنوان زیرساخت ایمن و حیاتی حمل‌ونقل شهری برای جابه‌جایی نفرات و کالا وجود داشته‌باشد؛ در غیراین‌صورت توقف یا آسیب به این زیرساخت حمل‌ونقل درون‌شهری غیرقابل‌جبران خواهد بود.

پیشنهادات کوتاه، میان و بلندمدت

در این گزارش ملاحظات و پیشنهادات کوتاه، میان و بلندمدتی ارائه شده‌است. در پیشنهاد کوتاه‌مدت که به‌سرعت قابل‌اجرا است، تاکید شده؛ آماده‌سازی سریع فضاهایی با بیشترین پتانسیل بهره‌برداری به‌عنوان پناهگاه از منظر عمق، استحکام، دسترسی به مراکز مسکونی و جمعیتی، خدمات شهری و شبکه حمل‌ونقل و ذخیره‌سازی ملزومات اولیه جهت اسکان موقت و باکیفیت جمعیت در آنها مدنظر قرار گیرد.

در بخش ملاحظات میان‌مدت تاکتیکی ارائه مدل بهینه و محله‌محور مکان‌یابی پیشنهادی براساس حداکثر بهره‌برداری و چند منظوره‌سازی فضاهای زیرسطحی و روسطحی موجود مستعد جهت استفاده به‌عنوان فضای امن و پیشنهاد مناسب‌ترین موقعیت‌های مکانی برای احداث پناهگاه‌های جدید با ملاحظه شعاع‌های آسیب‌پذیری به‌خصوص حریم مراکز نظامی، گسل‌ها، رودره‌ها و پهنه‌های فرونشست، جمعیت بهره‌بردار و سایر عوامل کالبدی و طبیعی تاثیرگذار است. در بخش پیشنهاد بلندمدت نیز یکپارچه‌سازی توسعه فضاهای زیرسطحی به‌ویژه پناهگاه با سازمان فضایی و نظام پهنه‌بندی پیشنهادی در قالب بازنگری طرح‌های جامع و تفصیلی مبتنی بر توزیع متوازن مراکز جمعیتی و فعالیتی است.

روزنامه مرز اقتصاد
اقتصادی، اجتماعی
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۱
www.marzeghtesad.ir

تبخیر یارانه‌های ارزی

مریم لطفی –بررسی‌ها نشان می‌دهد کالاهای اساسی که طی سال‌های اخیر ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی دریافت کرده‌اند، تورمی بیش از سطح عمومی کالاها را تجربه کرده‌اند.

به‌طوری‌که شاخص قیمت گوشت قرمز و گوشت ماکیان، که نهاده‌های دامی آنها از تخصیص ارز با نرخ ۲۸۵۰۰تومانی بهرمند هستند، در مهرماه سال جاری نسبت به سال پایه (۱۴۰۰)، ۵۶ برابر شده است. درحالی‌که شاخص کل طی همین مدت ۴ برابر افزایش یافته است. نکته مهم آن است که حتی گروه‌های کالایی که ارز ترجیحی برای آنها تعریف نشده است، مانند پوشاک و کفش، طی سه سال و نیم منتهی به مهر سال جاری رشد ۴برابری شاخص قیمت را ثبت کرده‌اند.

در کنار آمارهای تورمی، مطالعات پژوهشی نهادهای مختلف نشان می‌دهد سیاست تخصیص ارز ۲۸۵۰۰ تومانی نمی‌تواند به هدف خود، یعنی بهبود معیشت مصرف‌کننده نهایی در شرایط تورمی، منجر شود. طبق مطالعات سازمان برنامه و بودجه کشور، تنها ۳۰درصد اثر یارانه ارزی به مصرف‌کننده نهایی می‌رسد و ۷۰درصد آن عملا اثری ضدتورمی ندارد. این در حالی است که «اثر بر وضعیت مصرف‌کننده» تنها استدلال مخالفان حذف ارز ۲۸۵۰۰تومانی است.

بر این اساس، به نظر می‌رسد همان‌گونه که مطالعات پژوهشی نیز تایید می‌کنند، بهبود وضعیت معیشت خانوار به تخصیص یارانه ارزی وابسته نیست. در این میان، خانوار به‌عنوان مصرف‌کننده نهایی همواره با آثار زیان‌بار رانت حاصل از تخصیص ارز با نرخ غیرواقعی مواجه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد سیاست ارز ترجیحی بیشتر به انتفاع حلقه‌های نخست تامین و تولید کالا منجر می‌شود؛ به‌طوری‌که بارها گزارش‌هایی از حاشیه سود بالای دریافت‌کنندگان ارز با نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی منتشر شده است.

تامین ارز کالاهای اساسی و دارو به ۹میلیارد دلار رسید

در هفته‌های اخیر، بار دیگر موضوع حذف یا عدم حذف تخصیص ارز با نرخ ۲۸۵۰۰ تومان مطرح شده است. طبق اعلام بانک مرکزی، تا دهم آبان ماه سال جاری، ۹میلیارد دلار (۸میلیارد و ۹۷۱میلیون دلار) برای واردات کالاهای اساسی و دارو تخصیص داده شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اگر روند تخصیص ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، در ماه‌های باقی‌مانده از سال جاری نیز ادامه داشته باشد، میزان ارز تخصیص داده شده با نرخ ۲۸۵۰۰ تومان به ۱۴ میلیارد دلار خواهد رسید.

طبق اعلام بانک مرکزی در شش‌ماه نخست سال جاری حدود ۶میلیارد دلار ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی و دارو پرداخت شده‌است. بانک مرکزی لیستی از شرکت‌هایی که در این مدت ارز ترجیحی یا همان ارز با نرخ ۲۸۵۰۰ تومان دریافت کرده‌اند را منتشر کرد. در لیست منتشر شده مشاهده میشود که ارز تخصیص داده شده به شرکت‌ها از مبالغ پایین تا بیش از یک‌میلیارد دلار بوده است. به عبارتی هر شرکتی در حد توان خود از صف دریافت ارز ترجیحی بهره‌مند شده است.

طبق اعلام بانک مرکزی در شش‌ماه نخست سال جاری حدود ۶میلیارد دلار ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی و دارو پرداخت شده‌است.

در میان این شرکت‌ها، یک شرکت در مجموع (با همه برندهای خود) بیش از یک‌میلیارد دلار ارز با نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی دریافت کرده است. به عبارت دیگر ۲۰درصد از کل ارز ترجیحی تخصیص داده شده برای این شرکت بوده است. از سوی دیگر یک شرکت تنها هزار و ۴۰۰ دلار ارز دریافت کرده است.

حوزه فعالیت این شرکت‌ها واردات کالاهای اساسی مانند نهاده‌های دامی و طیور و مواد غذایی و دارو و تجهیزات پزشکی است. برخی معتقدند حذف نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی برای ارزهای تخصیصی، تبعات اقتصادی به‌خصوص برای مصرف کننده نهایی دارد. در نتیجه این گروه از افراد معتقدند که ادامه یافتن سیاست تخصیص ارز ترجیحی الزامی است. از سوی دیگر بسیاری از اقتصاددانان و کارشناسان، بارها اعلام کرده‌اند که سیاست تخصیص ارز با نرخ بسیار پایین تر از بازار آزاد، نه تنها راهکار مناسبی برای بهبود شرایط معیشت افراد نیست بلکه موجب فساد و رانت در اقتصاد نیز هست. طی چهار سال اخیر، پرداخت ارز ترجیحی برای تهیه اقلام ضروری خانوار مانند گوشت قرمز و گوشت سفید، همواره انجام شده است.

با این حال بررسی روند تورم نشان می‌دهد تخصیص ارز برای تولید این اقلام نتوانسته از رشد قیمت این اقلام بکاهد. به طوری که شاخص قیمت گروه کالایی گوشت قرمز و گوشت ماکیان در مهر ماه سال جاری نسبت به سال پایه(۱۴۰۰) ۵۶ برابر شده است. طی همین مدت گروه‌های کالایی پوشاک و کفش ۴ برابر، خرید وسایل نقلیه ۳.۲ برابر و آموزش ۳.۹ برابر رشد شاخص قیمت را ثبت کرده‌اند. به طور کلی در سه سال و نیمه مورد بررسی، شاخص کل قیمت‌ها ۴ برابر شده است. این ارقام نشان می‌دهد گروه کالایی که در مراحل تولید از ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومان بهره برده، رشد قیمتی بیشتری از سایر کالاهایی که یارانه ارزی دریافت نکرده‌اند، ثبت کرده است.

کاهش تدریجی میزان تخصیص ارز ترجیحی

مرکز پژوهش‌های مجلس به عنوان بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی، در گزارشی که سال ۱۳۹۹ منتشر کرد از کاهش تدریجی فهرست اقلام دریافت کننده ارز ترجیحی نوشت. این مرکز در پژوهش خود اعلام کرد« از ابتدای اجرای این سیاست، پیامدهای اقتصادی آن مانند افزایش رانت جویی، هدررفت منابع دولت، افزایش تقاضا، تضعیف تولید داخلی، قاچاق صادراتی و کاهش توان دولت در کنترل نرخ ارز، توسط کارشناسان گوشزد شد. با این حال متاسفانه حذف ارز ترجیحی و اجرای سیاست حمایتی به شیوه‌ای بهینه تر هیچ گاه در دستور کار سیاستگذار قرار نگرفت و کاهش اقلام مشمول دریافت ارز ترجیحی نیز تنها یک اجبار تحمیل شده به دولت به واسطه کاهش درآمدهای ارزی بوده است».

بررسی روند تخصیص ارز ترجیحی طی سال‌های اخیر نیز نشان از کاهش تدریجی میزان تخصیص این ارز دارد. به طوری که میزان ارز تخصیص داده شده با نرخ ۲۸۵۰۰ تومان در سال ۱۴۰۲، ۱۶میلیارد دلار بود، در سال ۱۴۰۳ به ۱۴میلیارد دلار کاهش یافته است. این مرکز در بخش دیگری از گزارش خود نوشت« در کنار حذف ارز ترجیحی لازم است تا از خانوارها جهت تهیه کالاهای اساسی حمایت به عمل آید. نتایج بررسی‌های مطالعات نشان می‌دهد که هم مصرف متوسط کشوری و هم مصرف دهک سوم (به عنوان دهک مرز خط فقر) از سال ۱۳۹۵ به بعد، از کالاهای اساسی کاهش یافته است. بنابراین لازم است برنامه حمایتی برای تامین حداقل کالری در نظر گرفته شود. البته باید توجه داشت در صورتی که سیاست حمایتی منجر به استفاده از پایه پولی شود، تورم‌های فزاینده در پی داشته و عملا آثار سیاست حمایتی را خنثی خواهد کرد.»

سیاست ارز ترجیحی به هدف خود نرسید و نمی‌رسد

با وجود این که هدف سیاست تخصیص ارز با نرخ ترجیحی به واردکنندگان اقلام اساسی این بود که کالایی که به دست مصرف کننده نهایی می‌رسد با افزایش قیمت‌های زیادی مواجه نشود، اما واقعیت‌های ثبت شده با این هدف همخوانی ندارد. طبق گفته مقامات اقتصادی، مطالعات سازمان برنامه و بودجه نشان می‌دهد تنها ۳۰درصد اثر یارانه ارزی به مصرف‌کننده می‌رسد و ۷۰درصد آن ضدتورمی عمل نمی‌کند. این واقعیت به معنای آن است که سیاستگذار با روش تامین ارز ترجیحی، به هدف خود نمی‌رسد.

موج تازه تعدیل نیرو در شرکت‌های بزرگ جهانی

همزمان با کاهش تقاضای مصرف‌کنندگان و آغاز جایگزینی مشاغل با اتوماسیون درشرکت‌های فناوری متمرکز بر هوش مصنوعی، شرکت‌های بزرگ در سراسر جهان از جمله آمازون، نستله و یوپی‌اس، برای مهار هزینه‌ها تعدیل نیرو را تشدید کرده‌اند. شرکت‌های آمریکایی در ماه جاری، بیش از ۲۵ هزار شغل را حذف کرده‌اند.

با توجه به اینکه دولت آمریکا در میانه دومین تعطیلی طولانی تاریخی خود قرار دارد، آمار کلی تعدیل نیرو در سطح اقتصاد این کشور در دسترس نیست. این در حالی است که تعدیل نیرو در پایان سال امری عادی است و بسیاری از تعدیل‌های چشم‌گیر در یک دوره طولانی ادامه خواهند داشت. دلایل این تعدیل نیروها متفاوت است. برخی از این شرکت‌ها، مدیران عامل جدیدی دارند که مشتاق بازسازی و تحول در فرآیند کار خود هستند.

آخرین نظرسنجی منتشر شده شرکت کی‌پی‌ام‌جی از مدیران مستقر در آمریکا در سپتامبر، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده در هوش مصنوعی، در سه‌ماه اول سال جاری افزایش یافته است. اقتصاددانان آمریکا در ۲۲ اکتبر اعلام کردندَ که مشاغلی که بیشترین احتمال حذف را خواهند داشت، مشاغلی رده پایینی هستند که با اتوماسیون جایگزین می‌شود.

ضربه جنگ به رتبه اعتباری

درست درحالی‌که شیخ محمد بن زاید، رئیس امارات متحده عربی، در حال قدم زدن در مرکز خرید دبی‌مال و تعامل با مردم بود، موشک‌ها و پهپادهای ایرانی پایگاه های آمریکا در امارات را هدف قرار دادند. علاوه بر امارات متحده، پایگاه‌های آمریکا در کشورهای عربستان، قطر و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز با حملات موشکی و پهپادی روبه‌رو شدند. به گزارش وال‌استریت ژورنال، این رویدادها تصویری را که از منطقه خلیج فارس به عنوان پناهگاه لوکس و امن سرمایه‌گذاری و گردشگری ایجاد شده بود، به چالش کشیدند.

دبی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز مالی و تجاری جهان، بر پایه ایده‌ای رشد کرده بود که به‌رغم موقعیت جغرافیایی حساس، از درگیری‌های منطقه‌ای مصون است. موفقیت آن الهام‌بخش کشورهای همسایه مانند عربستان سعودی و قطر بود که در تلاش برای تنوع‌بخشی به اقتصاد خود و دوری از وابستگی به سوخت‌های فسیلی، مسیر مشابهی را دنبال کردند.

با آغاز جنگ ایران، این تصور که آسمان‌خراش‌های بلند، قدرت مالی و ایجاد بستری برای زندگی‌های لوکس، می‌تواند به عنوان سپری در برابر آشفتگی‌های منطقه عمل کند، از بین رفت. در این راستا، مدیران دارایی و وکلا، شاهد تماس‌هایی از افرادی هستند که می‌خواهند سرمایه خود را به مناطقی امن‌تر منتقل کنند. معاملات املاک متوقف شده و اتباع خارجی در مورد ماندن در این منطقه تردید دارند.

آندریاس کریگ، استاد دانشگاه لندن، گفته است: «یک پهپاد در روز، ثبات خلیج فارس را به خطر می‌اندازد». کوئنتین فرانسوا، تحلیلگر رمزارز، پس از تجربه صدای مداوم جنگ‌افزارها و انفجارها، از دبی به بانکوک فرار کرد و گفت: «این حوادث در ذهن کسانی که در پنج سال آینده به فکر مهاجرت به دوبی هستند، باقی خواهد ماند.» عربستان سعودی نیز به‌طور خاص در معرض خطر است، چرا که طرح چند میلیارد دلاری آن برای تنوع‌بخشی اقتصادی، موسوم به «سند چشم‌انداز ۲۰۳۰»، هدفی مشابه دوبی داشت؛ ساخت هتل‌های لوکس ساحلی در دریای سرخ، جذب بازیکنان فوتبال مشهور مانند کریستیانو رونالدو، برگزاری جشنواره‌های بزرگ و کاهش محدودیت‌های مصرف الکل، از جمله اقدامات نمادین در راستای این سند بودند.

با این حال، حتی قبل از جنگ، این طرح با چالش‌های بودجه‌ای مواجه بود و اکنون با محدودیت‌های حریم هوایی و توقف صادرات گاز طبیعی مایع، کشورهای حاشیه خلیج فارس در جذب سرمایه‌گذاری با مشکل مواجه شده‌اند. در میان ثروتمندان امارات، نگرانی و خشم نسبت به آمریکا به دلیل آغاز جنگی که امارات را در معرض خطر قرار داده، وجود دارد. با وجود این، امارات با مزایایی مانند مالیات پایین و تجربه قبلی از بحران‌ها، احتمالا قوی‌تر از قبل از این درگیری‌ها گذر خواهد کرد.

درحالی‌که ایران، تنها ۸۰ مایل از امارات متحده عربی فاصله دارد، همچنان توانایی حمله به پایگاه‌های آمریکا در این کشور و اختلال در تردد نفت‌کش‌ها از تنگه هرمز را دارد. این موضوع جذب سرمایه را دشوارتر می‌کند. تنش‌های ناشی از جنگ ممکن است ایران را در دور زدن تحریم‌ها از طریق شرکت‌های صوری در مناطق آزاد دبی که جریان قابل‌توجهی از دلار را به نفع هر دو طرف به همراه داشت، محدود کند. مقامات اماراتی معتقدند این جنگ نشان خواهد داد که دبی همچنان از نظر اقتصادی امن است. عمر سلطان آل اولما، وزیر دولت در زمینه هوش مصنوعی، ۱۰ روز پس از آغاز جنگ، اعلام کرد که سیستم‌ها به خوبی کار می‌کند و مردم می‌توانند به طور ایمن در شهر زندگی کنند.

دبی چگونه محبوب شد؟

دبی، با وجود شرایط آب و هوایی سخت و ناآرامی‌های منطقه‌ای، با هدف تبدیل شدن به یک شهر و مرکز مالی جهانی با رقابت با سنگاپور یا لندن، تلاش‌های زیادی انجام داده است. رهبران

اماراتی با ایجاد جامعه‌ای چندزبانه که تعادل ظریفی بین حساسیت‌های غربی و اسلامی برقرار می‌کند و وعده ثروت، کارآیی و ثبات می‌دهند، اقدام به این کار کرده‌اند. دبی با جذب مهاجران و سرمایه‌گذاران از طریق مقررات دوستانه تجاری، کمترین بوروکراسی و تعهد به عدم تحت تاثیر قرار گرفتن از مشکلات همسایگان، خود را توسعه داده است.

شهر دبی، با وجود حفظ نسخه‌ای تعدیل‌شده از اسلام، تلاش‌های زیادی برای جذب گردشگران غربی انجام داده است. این شهر با داشتن بلندترین ساختمان جهان، عمیق‌ترین استخر غواصی، طولانی‌ترین خطوط لوله‌کشی شهری و حتی تجربه تغذیه پنگوئن‌ها در گرمای ۱۱۵ درجه فارنهایت را در دبی ارائه می‌دهد. دبی با ۱۹ رستوران ستاره‌دار میشلین و بیش از ۱۷۰ هتل پنج ستاره، به یک مرکز گردشگری و املاک تبدیل شده است. ریشه‌های مدرن آن به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد، زمانی که ساخت بندر دریایی عمیق جبل‌علی و مناطق آزاد تجاری، اولین موج مهاجران و اکسپاتها را جذب کرد.

خط هوایی امارات که در سال ۱۹۸۵ تاسیس شد، به یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های هواپیمایی مسافربری تبدیل شد و ساخت‌وساز هتل‌ها و آپارتمان‌ها را به اوج رساند. با این حال، پس از بحران مالی ۲۰۰۸، دبی با کمک درآمدهای نفتی، از بحران خارج شد. در پی اتفاقات مشهور به «بهار عربی»، دبی به عنوان یک پناهگاه امن برای سرمایه‌گذاران عرب، از جمله افراد ثروتمند از لبنان و سوریه شناخته شد و پس از جنگ روسیه و اوکراین، سرمایه‌گذاران روس و اوکراینی نیز این کشور را برای فعالیت انتخاب کردند. با این حال، دولت امارات قوانین مربوط به آزادی‌بیان را سخت‌گیرانه‌تر کرده و گروه‌های مذهبی مانند اخوان‌المسلمین را تحت فشار قرار داده است. سازمان عفو بین‌الملل از نظارت گسترده دولت بر پیام‌ها، ایمیل‌ها و دستگاه‌های موبایل در داخل و خارج از امارات انتقاد کرده است. پس از توقف موقت به دلیل کووید، دبی با اصلاحات بیشتر، از جمله تغییر روز آخر هفته به شنبه تا یکشنبه، به جذب گردشگران ادامه می‌دهد. در سال ۲۰۲۴، جمعیت دبی به حدود ۴میلیون نفر رسید که تقریبا ۹۰ درصد آنها مهاجر هستند. امارات متحده عربی در سال گذشته میزبان ۹۸۰۰میلیونر بود که ۶۰میلیارد دلار سرمایه به همراه آوردند.

آثار انفجار در دبی

با وجود استقبال خوب سرمایه‌گذاران از امارات متحده، با آغاز حملات ایران با پهپادها و موشک‌ها به این کشور و مناطق دیگر خلیج فارس، تصویر ایده‌آل از بین رفت. شرکت‌های بین‌المللی مانند KPMG، گوگل و آمازون اقدام به تخلیه کارکنان خود از دبی کردند. بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌محور محل اقامت اضطراری در مناطق دورافتاده صحرا را رزرو کردند. سیتی‌بانک ساختمان‌های متعددی را تخلیه کرده و کارکنانش به دورکاری روی آورده‌اند. مسابقات تنیس در دبی لغو شد و بازیکنان پس از حمله پهپادهای ایرانی از این کشور خارج شدند. گردشگری، موتور محرک اقتصاد نیز آسیب دیده و ده‌ها هزار رزرو اقامتی لغو شده است. تحلیلگران از کاهش ۲۷ درصدی بازدیدکنندگان بین‌المللی و زیان ۵۶میلیارد دلاری در هزینه‌های گردشگران سخن می‌گویند. همچنین بر اساس داده‌های شرکت‌های رصد هوانوردی، از زمان آغاز درگیری‌ها تاکنون بیش از ۵۲ هزار پرواز از میان حدود ۹۸ هزار پرواز برنامه‌ریزی شده مرتبط با خاورمیانه لغو شده و این وضعیت حدود ۶میلیون مسافر را تحت‌تاثیر قرار داده است. با این حال، برخی ساکنان، درگیری‌های اخیر را موقتی تلقی می‌کنند و معتقدند دبی محیطی متنوع و مناسب برای کارآفرینی فراهم کرده است. فدریکو فرارو، بنیان‌گذار شرکت Quiqup، اعلام کرد که قصد ندارد دبی را ترک کند و هنوز امیدوار است ویزای بلندمدت بگیرد و خانه‌ای در این شهر بخرد. دبی میزبان تعداد زیادی بانک و صندوق سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر است و بانک‌های بین‌المللی مانند جی‌پی مورگان حضور خود را در آنجا گسترش داده‌اند. با این حال، با افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک، سرمایه‌گذاران و ثروتمندان در حال ارزیابی مجدد گزینه‌های خود هستند. ریان لین، وکیل سنگاپوری، از افزایش تعداد تماس‌ها از سوی مشتریان فوق‌العاده ثروتمند خود خبر می‌دهد که در مورد انتقال دارایی‌ها از دبی سوال می‌کنند. برخی از آنها به دنبال راه‌های فوری برای جابه‌جایی پول و به دنبال جایگزین‌هایی مانند سنگاپور هستند.

رتبه اعتباری در معرض خطر

براساس آخرین به‌روزرسانی رتبه اعتباری امارات متحده عربی مربوط به ۶ مارس ۲۰۲۶ (۱۵ اسفند ۱۴۰۴)، آژانس رتبه‌بندی S&P Global رتبه اعتباری امارات را در سطح AA (برای بلندمدت) و A-۱+ (برای کوتاه‌مدت) با چشم‌انداز «پایدار» ارزیابی کرد. این به‌روزرسانی جدیدترین اقدام رسمی در میان سه آژانس بزرگ (S&P، Moody's و Fitch) است و هیچ تغییری در رتبه یا چشم‌انداز رخ نداده است. S&P با اشاره به ذخایر مالی قوی، بدهی پایین دولت، تنوع اقتصادی و انعطاف‌پذیری سیاست‌ها، این اقدام را در شرایط تنش‌های منطقه‌ای انجام داد. همچنین رتبه امارات بر اساس رتبه‌بندی موسسه فیچ، AA است.

با این حال، جنگ معمولا تاثیر منفی شدید و مستقیم بر رتبه اعتباری کشورها دارد. آژانس‌های رتبه‌بندی اعتباری در متدولوژی خود، ریسک‌های ژئوپلیتیک، سیاسی و شوک‌های خارجی، از جمله جنگ را به عنوان عوامل کلیدی ارزیابی می‌کنند. جنگ باعث افزایش هزینه‌های نظامی، بازسازی، بدهی عمومی، کسری بودجه، تورم و اختلال در رشد اقتصادی می‌شود. این عوامل منجر به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران، افزایش هزینه تامین مالی و اغلب کاهش رتبه یا تغییر چشم‌انداز به منفی می‌شود. در این میان، حتی سایر کشورها نیز ممکن است به طور غیرمستقیم تحت‌تاثیر قرار گیرند. برای مثال در پی تنش‌های نظامی سال‌های اخیر، رتبه‌بندی اعتباری کشورهایی مانند اوکراین، روسیه، اسرائیل و بلاروس کاهش چشم‌گیری را تجربه کرده است. با این حال، کشورهای با ذخایر مالی قوی، تنوع اقتصادی یا حمایت بین‌المللی، معمولا در برابر جنگ‌ها مقاومت بیشتری نشان می‌دهند. رتبه اعتباری کشورها، از بعد اقتصادی، بر اساس رشد GDP، درآمد سرانه، تنوع اقتصادی، استقلال بانک مرکزی، کنترل تورم و رژیم ارزی برآورد می‌شود. از منظر عوامل مالی و مالیه عمومی، سطح بدهی، کسری بودجه، انعطاف‌پذیری مالی و پایداری بدهی‌ها اهمیت دارد. همچنین عوامل خارجی نیز مانند ذخایر ارزی، تراز حساب جاری، بدهی خارجی، وابستگی به کالاها و آسیب‌پذیری به شوک‌ها در این رتبه‌بندی‌ها لحاظ می‌شود. عوامل نهادی و سیاسی نیز مانند کیفیت حاکمیت، ثبات سیاسی و شفافیت، در این رتبه‌بندی نقش دارند.

نگاهی به میراث پرفراز و نشیب منحنی فیلیپس

منحنی فیلیپس، آن‌گونه که در سال ۱۹۵۸ میلادی برای اولین بار مطرح شد، رابطه‌ای معکوس و به ظاهر باثبات میان نرخ تورم و نرخ بیکاری را به تصویر می‌کشید. ایده‌ای که به سیاستگذاران نوید می‌داد کاهش بیکاری از طریق پذیرش افزایش اندکی در سطح قیمت‌ها امکان‌پذیر است. این رابطه، چشم‌انداز اقتصاد کلان را برای دهه‌ها تحت‌تاثیر قرار داد و مبنای بسیاری از سیاست‌های اقتصادی قرار گرفت.

اما گذر زمان و تحولات اقتصادی، به‌ویژه پدیدار شدن تورم‌های افسارگسیخته در دهه ۱۹۷۰ میلادی و نقدهای جسورانه اقتصاددانانی چون میلتون فریدمن، این رابطه ساده‌انگارانه را به چالش کشید و ضرورت بازنگری در درک ما از تعامل میان تورم و بیکاری را آشکار ساخت. یادداشت حاضر به دنبال آن است که ضمن مرور تحول منحنی فیلیپس از خوانش اولیه تا بازنگری‌های مدرن، واکاوی دلایل فرو ریختن فرضیه کلاسیک آن را بررسی کند.

گام شبکه بانکی برای تدوین شیوه‌نامه تسهیلات

بانک مرکزی با صدور بخشنامه‌ای شبکه بانکی را مکلف کرد تا حداکثر طی مدت یک‌ماه شیوه‌نامه نظارتی نحوه مصرف و بازگشت تسهیلات بانکی را تدوین و اجرایی کنند.

بر اساس این شیوه‌نامه به‌کارگیری سیاست‌ها و روش‌های کارآمد، تمهیدات، کنترل‌ها و بررسی‌های مستقیم و یا غیرمستقیم در ارتباط با مصرف تسهیلات متناسب با ماهیت هر یک از عقود تسهیلاتی، به‌منظور حصول اطمینان از انطباق نحوه مصرف با موضوع قرارداد، برگشت منابع و کاهش ریسک‌های مربوط و خطرات ناشی از مواردی نظیر تقلب، تبانی و اشتباه یا قصور از مرحله پرداخت تا مرحله تسویه تسهیلات، تدوین و پس از تصویب در هیات‌مدیره بانک، اجرایی می‌شود. از نظر این بانک، اتخاذ حداقل اقداماتی به شرح زیر باید در تدوین شیوه‌نامه مزبور، پیش‌بینی شود:

۱. مشخص کردن واحد سازمانی مسوول در موسسه اعتباری که مسوول نظارت بر مصرف تسهیلات است.

۲. پرداخت مستقیم تمام یا بخشی از تسهیلات در وجه سایر اشخاص نظیر تامین‌کنندگان کالا یا خدمات و پیمانکاران در چارچوب ضوابط ناظر بر عقود تسهیلاتی مرتبط.

۳. در تسهیلات اعطایی که پرداخت آن به صورت مرحله‌ای است، پرداخت هر مرحله به تایید واحد سازمانی مسوول، مبنی بر مصرف تسهیلات در موضوع قرارداد، مشروط شود.

۴.کسب اطمینان از استفاده شخص متقاضی از کالا و خدمات موضوع قرارداد تسهیلاتی.

۵. استعلام از سامانه مؤدیان مالیاتی، بررسی دفاتر و سیستم‌های حسابداری.

۶. انطباق طرح توجیه فنی، مالی و اقتصادی ارائه شده در زمان اعطای تسهیلات با موضوع قرارداد تسهیلاتی در عقود مشارکتی.

۷. بررسی مجوزهای لازم، احراز مالکیت، موافقت اصولی، برنامه زمان‌بندی طرح، کنترل وضعیت ساختمان‌ها نظیر انبار مواد اولیه، سالن تولید، انبار محصول و... در عقود مشارکتی.

۸. بررسی مستندات حواله، اسناد حمل کالاهای وارداتی، مشخصات کامل و دقیق تاسیسات، ماشین‌آلات و تجهیزات مربوط به طرح، اصالت پیش‌فاکتور و فاکتور ماشین آلات، تجهیزات و تاسیسات و... در عقود مشارکتی.

۹. استفاده از گزارشات ارائه شده از سوی کارشناس رسمی یا مشاور ناظر طرح نظیر گزارش پیشرفت فیزیکی طرح و سایر گزارش‌های مرتبط در عقود مشارکتی.

۱۰. بررسی صورت‌حساب‌ها، پیش فاکتور و فاکتور رسمی خرید و فروش انطباق صورتحساب‌ها با هزینه‌های قابل قبول موضوع عقود مشارکتی شامل قیمت خرید کالا، بیمه و حق سفارش، حمل‌ونقل، انبارداری، حقوق گمرکی و سود بازرگانی، خالص مالیات بر ارزش افزوده، هزینه بانکی، هزینه‌های بسته‌بندی و حق حمایت از صنایع داخلی مجوزهای قانونی صادره از سوی سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط.

۱۱. صحت‌سنجی محاسبات وجوه دریافتی حاصل از فروش کل کالا، سرمایه مصرف شده و سود موسسه اعتباری، قیمت فروش واقعی کالا وفق قرارداد تسهیلاتی در عقود مشارکتی حسب مورد.

۱۲. کسب اطمینان از صوری نبودن معامله و موجود بودن کالای خریداری شده پیش از اعطای تسهیلات، انطباق اسناد و مدارک مثبته با اموال یا خدمات مذکور و استفاده مستقیم اموال و خدمات یادشده توسط شخص تسهیلات گیرنده در عقود غیرمشارکتی.

۱۳. گردش واحدهای تولیدی نظیر مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار به تسهیلات گیرنده در عقود غیر مشارکتی حسب مورد.

۱۴. اطمینان از بیمه بودن اموال موضوع عملیات ناشی از قرارداد و وثایق مرتبط با آن در فرآیند نظارت بر مصرف هر یک از عقود تسهیلاتی اعم از مشارکتی و غیرمشارکتی.

تنهایی پر هیاهوی گوگل

عصر هوش مصنوعی با پیشتازی غیرمنتظره‌ای آغاز شد. تا پیش از ظهور چت‌جی‌پی‌تی در نوامبر ۲۰۲۲، مایکروسافت بیشتر به‌خاطر نرم‌افزارهای اداری فراگیر، کاربردی و نه‌چندان هیجان‌انگیزش شناخته می‌شد.

اما ناگهان به‌دلیل همکاری انحصاری ابری با خالق این چت‌بات یعنی شرکت اوپن‌ای‌آی، این غول ۴۷ ساله فناوری به داغ‌ترین نام در دنیای تکنولوژی بدل شد. از آن زمان مایکروسافت بیش از ۲ تریلیون دلار به ارزش سهامداران خود افزوده است؛ رقمی که در مقایسه با استانداردهای انویدیا ـ شرکتی که با تامین تراشه‌های انقلاب هوش مصنوعی، ارزش بازاری معادل ۵ تریلیون دلار به دست آورده است ـ شاید معمولی به‌نظر برسد، اما در هر مقیاس دیگری شگفت‌انگیز است.

بر اساس آنچه مجله اکونومیست نوشته است، مایکروسافت در حالی توانسته این موفقیت را رقم بزند که به تدریج از کنترل سخت‌گیرانه خود بر اوپن‌ای‌آی کاسته است. برای مثال، این شرکت به اوپن‌ای‌آی اجازه داده است تا از منابع محاسباتی دیگری نیز استفاده کند، البته به شرط آنکه پیشاپیش هماهنگی کند. با این حال در ۲۸ اکتبر مایکروسافت یک گام دیگر پیش رفت و ساختار همکاری را بازتر کرد؛ به‌طوری‌که اوپن‌ای‌آی اکنون می‌تواند بدون نیاز به کسب مجوز با هر شریک ابری دیگری همکاری کند.

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۱
www.marzeghtesad.ir

سقف تاریخی در تیررس بورس

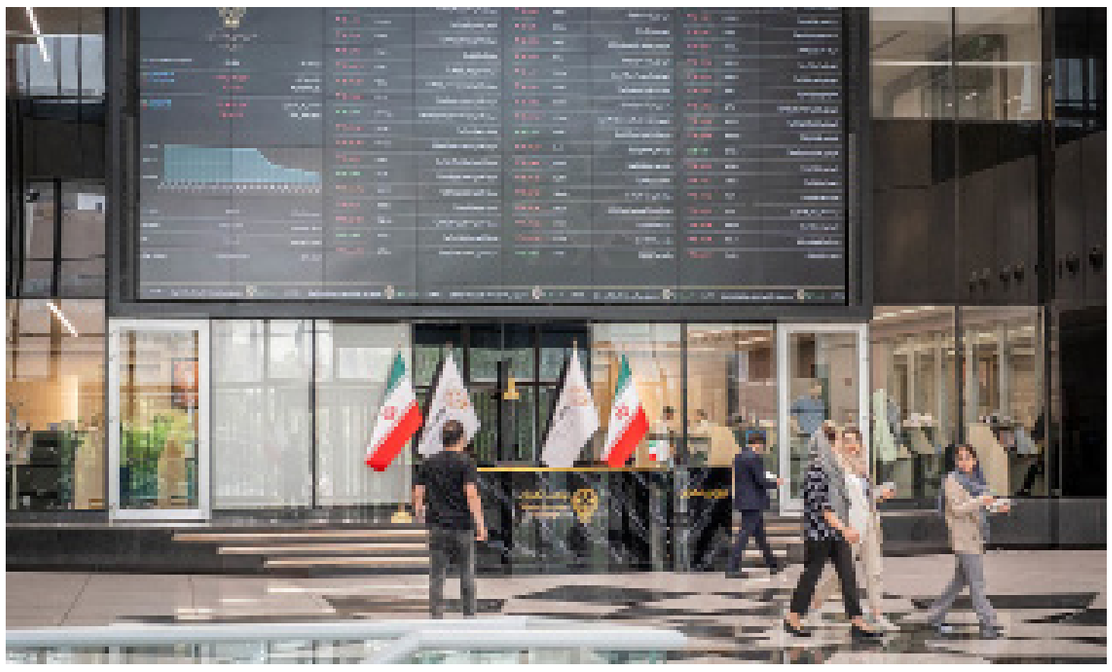

فرحناز نعمتی – معاملات روز یکشنبه بورس تهران با نوسان و تغییر مسیر شاخص‌ها در نیمه دوم معاملات همراه بود. شاخص کل که در دقایق ابتدایی معاملات دیروز تا محدوده ۳میلیون و ۱۹۰هزار واحد عقب‌نشینی کرده بود.

شاخص کل بازار اکنون بار دیگر به سمت سقف تاریخی خود حرکت کرده است. شاخص کل در ۲۸ اردیبهشت ماه امسال تا محدوده ۳میلیون و ۲۵۲ هزار واحد پیش رفت، اما پس از آن به دلیل ریسک‌های سیاسی، کانال‌های متعددی را از دست داد و تا سطح دو میلیون و ۳۹۵ هزار واحد عقب‌نشینی کرد.

از اواسط مهرماه ماه نیز بورس علاوه بر جبران ریزش‌های خود با ورود پول نیز همراه بوده است. در جریان معاملات دیروز تقاضای قوی در سمت خرید ادامه داشت، به‌گونه‌ای که بیش از هزار و ۳۰۰میلیارد تومان پول حقیقی در صف‌های خرید نمادهای مختلف باقی ماند. کارشناسان معتقدند این نقدینگی بالقوه، می‌تواند در پیش‌گشایش معاملات روز گذشته به یکی از موتورهای محرک بازار تبدیل شود. در روزهای آینده شاخص کل بورس بار دیگر در آستانه سقف تاریخی خود قرار می‌گیرد. در صورتی که این شاخص بتواند از سطح ۳میلیون و ۲۵۲ هزار واحد عبور کند و بالای این سطح تثبیت شود، می‌توان انتظار داشت موج تازه‌ای از خریداران وارد بازار شوند و معاملات در سطوح جدید قیمتی شکل بگیرد.

نکته قابل‌توجه در معاملات دیروز، چرخش مثبت و ناگهانی شاخص‌ها در نیمه دوم دادوستدها بود؛ به‌طوری‌که شاخص کل پس از جبران ریزش ابتدای روز، با رشد ۰.۳۲درصدی کار خود را تمام کرد. بر اساس اظهارات کارشناسی، این اتفاق، سیگنالی امیدبخش برای ادامه روند صعودی در معاملات محسوب می‌شود.با نزدیک شدن شاخص به سقف تاریخی، بازار سهام انتظار آن را داشت تا وارد فاز اصلاح شود. با این حال، بازگشت حقیقی‌ها به بازار و جریان معکوس نقدینگی سبب شد تا امیدواری‌ها به بورس تهران بازگردد. در همین حال نشانه‌هایی هم از افزایش شانس نماگر اصلی برای عبور از سقف، دیده می‌شود.

ارزش معاملات در محدوده ۱۴همت همچنان ارقام بالایی را نشان می‌دهد. علاوه بر آن، نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز بورسی از محدوده منفی به صف خرید نشستند. همچنین سرانه خرید حقیقی‌ها که در نیمه اول دادوستدهای روز گذشته، مغلوب قدرت فروشندگان بود، اکنون وضعیت متفاوتی دارد. به نظر می‌رسد قدرت تقاضاکنندگان افزایش یافته است. به این ترتیب بازار سهام می‌تواند به کمک متغیرهای بنیادی به سمت سقف تاریخی حمله‌ور شود. P/E بورس هنوز پایین‌تر از ۶.۵ واحد است و گزارش‌های ماهانه نیز همچنان محرکی قوی به شمار می‌روند.

در معاملات یکشنبه چه گذشت؟

بورس تهران در روز یکشنبه بسیار پرنوسان ظاهر شد و شاخص کل فراز و فرود چشم‌گیری را پشت سر گذاشت، اما همه شاخص‌های سهامی در نهایت در محدوده سبز به کار خود پایان دادند. دماسنج اصلی بورس در روز یکشنبه با رشد ۰.۳۲ درصدی به سطح ۳میلیون و ۲۱۷ هزار واحد رسید. شاخص هموزن نیز با رشد ۰.۱۱ درصد به پیشروی خود در کانال ۹۰۰ هزار واحد ادامه داد و وارد کانال ۹۲۸ هزار واحد شد. در فرابورس نیز شاخص کل این بازار، ۰.۳۶ درصد بر ارتفاع خود افزود. ارزش معاملات خرد بازار سهام در معاملات یکشنبه رقم ۱۳ هزار و ۹۶۵میلیارد تومان را ثبت کرد. دیروز تالار شیشه‌ای سهام نیز نظاره‌گر ورود پول حقیقی‌ها بود و ۶۶میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار سهام شد.

بورس در نقطه تعادل

پس از رشد بیش از ۳۰ درصدی شاخص کل بورس در دو ماه اخیر، نشانه‌هایی از بازسازی بازار سهام را می‌توان به روشنی دید. امری که می‌تواند نویددهنده تداوم روند متعادل و تحلیل‌محور در روزهای آینده باشد.

شاخص کل بورس تهران از هشتم شهریور ماه تاکنون رشدی بیش از ۳۴ درصدی را تجربه کرده است. شاخص هموزن نیز در همین بازه زمانی حدود ۲۳درصد افزایش یافته است. کارشناسان معتقدند بازار پس از این رشد قابل‌توجه، در نقطه‌ای قرار گرفته که نیاز به استراحت و تجدید قوا دارد؛ چراکه شاخص کل در آستانه سقف تاریخی خود حرکت می‌کند و عبور از این سطح مقاومتی نیازمند ورود پول تازه و انتشار گزارش‌های مالی قوی از سوی شرکت‌هاست. به گفته تحلیلگران، بخش عمده رشد اخیر بازار تحت‌تاثیر ورود پول حقیقی، حمایت نهادهای مالی و انتشار اخبار مثبت در خصوص صنایع بزرگ از جمله پتروشیمی و بانکی بوده است. تزریق پول از سوی بازیگران حقوقی نیز به حفظ وضعیت مثبت بازار در هفته‌های گذشته کمک کرده است. با این حال، ادامه مسیر صعودی نیازمند آن است که اثر متغیرهایی چون افزایش نرخ ارز، بهبود سودآوری شرکت‌ها و انتشار گزارش‌های فصلی مطلوب در صورت‌های مالی نمایان شود تا اطمینان سرمایه‌گذاران تقویت شود.

از منظر تحلیلی، کارشناسان تاکید می‌کنند که بازار در مرحله‌ای قرار گرفته که انتخاب دقیق کلاس دارایی و سهام اهمیتی مضاعف یافته است. بازدهی اخیر موجب شده بخشی از سرمایه‌گذاران به سمت شناسایی سود حرکت کنند، اما همزمان بسیاری از نمادها که از منظر بنیادی در موقعیت جذابی قرار دارند، می‌توانند با اتکا به گزارش‌های مثبت خود مورد توجه قرار گیرند.

در شرایط کنونی، نرخ بازده بدون ریسک در بازار اوراق حدود ۳۳ تا ۳۵درصد و بازده انتظاری طلا بین ۱۵ تا ۲۰ درصد برآورد می‌شود. در مقابل، بازار سهام با وجود ریسک بالاتر، همچنان پتانسیل رشد بیش از ۲۰ درصدی را تا پایان سال دارد. بر این اساس، توصیه تحلیلگران به سرمایه‌گذاران، تنوع‌بخشی به پرتفو و توزیع سرمایه میان سهام، طلا و اوراق با درآمد ثابت است تا ضمن دستیابی به بازده مطلوب، کنترل ریسک نیز حفظ شود. به‌طور کلی، بورس تهران پس از یک دوره رشد پرشتاب، اکنون در مرحله بازآرایی و استراحت منطقی قرار دارد. تداوم این تعادل و حرکت پایدار شاخص‌ها در گرو ورود پول تازه، انتشار گزارش‌های قوی و شکل‌گیری اعتماد مجدد سرمایه‌گذاران به چشم‌انداز سودآوری شرکت‌هاست.

در همین رابطه امیرحسین جنانی، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» به وضعیت این روزهای بورس تهران پرداخت و گفت: درحالی‌که بازار سهام دو ماه صعودی پرشتاب را پشت سر گذاشته، آغاز آبان‌ماه با نوساناتی همراه شده که از تغییر انتظارات و تحولات سیاستی در صنایع بزرگ حکایت دارد. در مهر و شهریور، شاخص کل بورس رشد قابل‌توجهی را تجربه کرد و زودتر از پیش‌بینی‌ها مسیر صعودی خود را طی کرد. کاهش ریسک‌های غیرسیستماتیک، تعدیل انتظارات ارزی و ثبات نسبی متغیرهای کلان از جمله عواملی بودند که فضای بازار را به نفع خریداران تغییر دادند.

او افزود: در ابتدای معاملات دیروز نیز بازار با تقاضای قوی روبه‌رو شد و تمرکز بر صنایع کامودیتی‌محور سبب شد شاخص تا محدوده سه میلیون و ۲۳۰هزار واحد پیش برود، اما در ادامه افزایش عرضه‌ها موجی از نوسان منفی را رقم زد. اکنون فعالان بازار در انتظارند ببینند آیا شاخص توان عبور از قله اردیبهشت‌ماه را دارد یا وارد فاز استراحت می‌شود؟

به گفته این کارشناس، کاهش نرخ بهره، یکی از اهداف مهم سیاستگذاری اقتصادی است، اما تحقق آن بدون مهار کسری بودجه و اصلاح ساختار مالی دولت ممکن نخواهد بود. در حال حاضر، دولت برای تامین منابع مالی خود به انتشار گسترده اوراق بدهی روی آورده است؛ اقدامی که به‌صورت مستقیم باعث افزایش نرخ‌های سود در بازار پول شده است. نرخ‌هایی که از حدود ۳۰ درصد آغاز شده و اکنون به نزدیکی ۴۵ درصد رسیده است.

امیرحسین جنانی گفت: در سناریویی که نرخ بهره به حدود ۲۰ درصد کاهش یابد، نسبت قیمت به درآمد(P/E) در سطح ۸ می‌تواند برای بسیاری از شرکت‌ها جذاب و زمینه‌ساز تحرک تازه‌ای در بازار سرمایه شود. در این صورت، قیمت‌های فعلی سهام به محدوده کف تاریخی بازار نزدیک خواهند شد و انتظار بازدهی‌های بالاتر تقویت می‌شود. در این میان، دو تحول مهم در سیاستگذاری صنعتی و ارزی کشور می‌تواند بر مسیر آتی بورس اثرگذار باشد. نخست، اصلاح ساختار تعرفه گاز صنایع است که از ابتدای مهر اجرایی شده است. هرچند دولت هدف آن را بازطراحی مدل تعرفه و نه افزایش نرخ اعلام کرده، اما برآوردها نشان می‌دهد صنایع پرمصرف مانند فولاد و پتروشیمی‌های گازی احتمالا با رشد هزینه سوخت روبه‌رو می‌شوند.

همزمان، بازنگری در فرمول نرخ خوراک پتروشیمی‌ها و احتمال حذف سهم هاب‌های اروپایی می‌تواند به کاهش نرخ خوراک و بهبود حاشیه سود برخی شرکت‌ها منجر شود.

این کارشناس بیان کرد: تحول دوم، انتقال معاملات ارزی زنجیره فولاد به بازار توافقی(تالار دوم) است. بر اساس این تصمیم، تمامی حلقه‌های زنجیره از مواد اولیه تا محصولات نهایی باید ارز صادراتی خود را در این بازار عرضه کنند. این اقدام می‌تواند شفافیت ارزی را افزایش داده و به واقع‌گرایی در درآمد شرکت‌ها کمک کند، اما در صورت اجرای ناگهانی، احتمال فشار هزینه‌ای بر صنایع پایین‌دستی و رشد قیمت محصولات فولادی وجود دارد.

او در پایان اظهار کرد: در مجموع، سیاستگذار در حال حرکت به سمت واقعی‌تر شدن قیمت حامل‌های انرژی و نرخ ارز است؛ مسیری که ممکن است در کوتاه‌مدت با افزایش نوسان و هزینه برای برخی صنایع همراه باشد، اما در میان‌مدت می‌تواند زمینه‌ساز شفافیت مالی، کاهش رانت و بهبود تراز ارزی شرکت‌های صادرات‌محور شود؛ عاملی که در نهایت می‌تواند مسیر بلندمدت بورس را تقویت کند.

شاخص دلار در اوج دوماهه

دلار آمریکا در ماه اکتبر ۱.۶ درصد رشد کرد و دومین ماه موفق سال ۲۰۲۵ را ثبت کرد. این صعود به دلیل نبود داده‌های رسمی اقتصادی آمریکا ناشی از تعطیلی ۳۱ روزه دولت فدرال رخ داد که چشم‌انداز اقتصاد و مسیر نرخ بهره فدرال رزرو را مبهم کرد. جروم پاول، رئیس فدرال رزرو، احتمال کاهش دوباره نرخ بهره در سال جاری را کمرنگ دانست و دلار را تقویت کرد.در مقابل، یورو، پوند انگلیس و ین ژاپن تحت فشار مشکلات داخلی قرار گرفتند؛ کسری بودجه فرانسه و انگلیس، کاهش رتبه اعتباری فرانسه، و بسته اقتصادی جدید ژاپن برای مقابله با تورم زندگی. در این میان، بانک مرکزی اروپا و ژاپن نرخ بهره را ثابت نگه داشتند،

در حالی که فدرال‌رزرو ۰.۲۵ درصد کاهش داد.ین با افت ۴ درصدی بدترین عملکرد را داشت. وون کره جنوبی نیز بیش از ۱.۷ درصد ضعیف شد. استراتژیست‌های مورگان استنلی موضع نزولی خود نسبت به دلار را تغییر جهت دادند و رشد مقاوم آمریکا را عامل خنثی بودن ارزش دلار دانستند. معامله‌گران انتظار تداوم صعود دلار تا پایان سال و اوایل ۲۰۲۶ را دارند.

بازارها در مسیر متفاوت

بررسی بازدهی بازارهای دارایی از ابتدای سال تا یازدهم آبان نشان می‌دهد که روند حرکت قیمت‌ها در میان بازارهای مختلف، چهره‌ای ناهمگون به خود گرفته است. بر اساس داده‌های موجود، طلای ۱۸عیار با رشد ۲۹.۸درصدی و سکه بورسی با افزایش ۲۴.۷درصدی در صدر دارایی‌های پربازده قرار گرفته‌اند؛ در مقابل، ربع سکه و نیم سکه به ترتیب با افت ۳ و ۲.۶درصدی، در انتهای جدول بازدهی‌ها ایستاده‌اند. از سوی دیگر، سه شاخص اصلی بازار سرمایه یعنی شاخص کل بورس، شاخص هم‌وزن و شاخص کل فرابورس نیز در محدوده بازدهی ۱۵ تا ۱۹درصدی نوسان دارند و توانسته‌اند بازدهی مثبتی را به ثبت برسانند، هرچند فاصله قابل‌توجهی با بازار طلا دارند. در همین حال، بازار ارز نیز با رشد حدود ۱۰درصدی دلار آزاد همراه بوده که نقش مهمی در تحریک سایر بازارهای دارایی، به‌ویژه بازار طلا، ایفا کرده است.

واکنش به رشد دلار و انتظارات تورمی

طلا و سکه از ابتدای سال تاکنون بار دیگر جایگاه خود را به عنوان پناهگاه امن سرمایه‌ها تثبیت کرده‌اند. رشد ۲۹.۸درصدی قیمت طلای ۱۸عیار و ۲۴.۷درصدی سکه بورسی تا ۱۱ آبان، بازتابی از دو عامل کلیدی افزایش نرخ دلار در بازار آزاد و افزایش بهای جهانی طلا در ماه‌های اخیر است. درحالی‌که بازار جهانی طلا در پی تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه و انتظارات کاهش نرخ بهره فدرال‌رزرو، روندی صعودی را تجربه کرده؛ در داخل نیز رشد تدریجی دلار بازار آزاد از محدوده ۹۷هزار به نزدیکی ۱۰۸هزار تومان، زمینه‌ساز افزایش تقاضا برای طلا شده است. در نتیجه، سرمایه‌گذارانی که در ماه‌های ابتدایی سال با احتیاط در بازار طلا حضور داشتند، در نیمه دوم سال با اطمینان بیشتری به این بازار بازگشته‌اند. از سوی دیگر، رکود نسبی معاملات مسکن و خودرو باعث شد بخش قابل‌توجهی از نقدینگی سرگردان به بازار طلا منتقل شود. همین تغییر مسیر نقدینگی، اختلاف بازدهی طلا با سایر بازارها را افزایش داده است.

واگرایی میان انواع سکه

در بخش بازار سکه نیز رفتار متفاوتی میان انواع سکه مشاهده می‌شود. درحالی‌که سکه بورسی و سکه امامی به‌ترتیب بازدهی ۲۴.۷ و ۱۵.۳درصدی را ثبت کرده‌اند، ربع سکه و نیم سکه در محدوده منفی قرار دارند. علت اصلی این واگرایی را باید در تفاوت میزان تقاضای سفته‌بازانه و نقدشوندگی این دو گروه جست‌وجو کرد. در شرایطی که سکه‌های با وزن بالاتر (به ویژه سکه امامی) از سوی معامله‌گران عمده به عنوان ابزار پوشش ریسک تورم و نوسان ارزی استفاده می‌شوند، ربع سکه و نیم سکه بیشتر در اختیار خریداران خرد قرار دارند. کاهش قدرت خرید خانوارها در ماه‌های اخیر و افت نسبی تقاضای مصرفی، باعث شده این دو نوع سکه در محدوده‌های قیمتی پایین‌تر حتی با کاهش ارزش روبه‌رو شوند. موضوع دیگر حباب موجود در قیمت این قطعات سکه است که منجر به کاهش تقاضا برای این دارایی‌ها شده است.

بورس از خوش‌بینی تا احتیاط

بازار سرمایه در سال ۱۴۰۴ مسیری پرنوسان را پشت سر گذاشته است. شاخص کل بورس که در ابتدای سال در محدوده ۲میلیون و ۷۱۰هزار واحدی قرار داشت، تا اواخر اردیبهشت با رشد ۲۰درصدی به ۳میلیون و ۲۵۲هزار واحد رسید. این صعود پرقدرت عمدتا حاصل خوش‌بینی سرمایه‌گذاران به روند مذاکرات سیاسی و امید به بهبود روابط خارجی بود. اما در ادامه، با آغاز جنگ تحمیلی ۱۲روزه و افزایش سطح ریسک‌های ژئوپلیتیک، روند بازار تغییر کرد و شاخص کل وارد مسیر اصلاحی شد. خروج بخشی از نقدینگی، افزایش نااطمینانی و رشد انتظارات تورمی باعث شد شاخص تا محدوده ۲میلیون و ۳۹۵ هزار واحد عقب‌نشینی کند.

با این حال، در هفته‌های اخیر و با کاهش سطح تنش‌ها و بازگشت آرامش نسبی به فضای سیاسی کشور، بازار سهام مجددا جان گرفته و شاخص بار دیگر به بالای سطح ۳میلیون واحد بازگشته است. در مجموع، تا یازدهم آبان شاخص کل بازدهی ۱۸.۷درصدی، شاخص هم‌وزن ۱۶.۸درصدی و شاخص فرابورس ۱۵.۲درصدی را به ثبت رسانده‌اند. این ارقام نشان می‌دهد بازار سهام اگرچه از رقبای طلایی خود عقب مانده، اما توانسته در فضای بی‌ثبات اقتصادی، عملکردی بهتر از بازار ارز و بسیاری از ابزارهای با درآمد ثابت ارائه دهد.

رشد ملایم اما اثرگذار

با وجود پیشروی دلار به محدوده ۱۱۷هزار تومان در اوایل مهر امسال، اکنون که دلار در کانال ۱۰۸هزار تومان قرار دارد؛ بازدهی دلار از ابتدای سال حدود ۱۰درصد است. با وجود این، همین افزایش ملایم دلار، به ویژه در ماه‌های اخیر، به طور غیرمستقیم بر سایر بازارها تاثیرگذار بوده است. افزایش نرخ ارز معمولا به عنوان محرک روانی برای رشد قیمت دارایی‌هایی مانند طلا و سهام عمل می‌کند. از سوی دیگر، تثبیت نسبی دلار در محدوده فعلی باعث شده ریسک ارزی برای فعالان اقتصادی کاهش یابد و بخشی از نقدینگی از بازار ارز به سمت بازار سرمایه حرکت کند.

تفاوت رفتار و منطق سرمایه‌گذاران

نمودار بازدهی دارایی‌ها تا ۱۱ آبان نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران در سال جاری با سه گروه اصلی بازار روبه‌رو بوده‌اند: اول بازار طلا که در صدر قرار دارد و از ترکیب رشد دلار و بهای اونس طلا تغذیه می‌شود. دوم بازار سرمایه که از نوسانات سیاسی و اقتصادی تاثیر می‌گیرد و هرچند پرریسک‌تر است، اما همچنان جذابیت خود را حفظ کرده است و نهایتا بازار ارز که رشد ملایمی داشته و نقش پایه‌ای در هدایت سایر بازارها ایفا می‌کند. این تفکیک رفتاری نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران ایرانی در سال جاری به دنبال ترکیبی از حفظ ارزش دارایی و کسب بازدهی متناسب با ریسک بوده‌اند.

توازن شکننده در میان بازارها

مرور عملکرد بازارها تا یازدهم آبان ۱۴۰۴ حاکی از آن است که اقتصاد ایران همچنان در مرحله‌ای از توازن شکننده میان ریسک و بازده قرار دارد. رشد قابل‌توجه طلا و سکه نشان می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاران هنوز نسبت به ثبات اقتصادی و ارزی اطمینان کامل ندارند. در مقابل، بازگشت تدریجی شاخص‌های بورس در هفته‌های اخیر حاکی از افزایش اعتماد و کاهش هیجان‌های سیاسی است.

اگر فضای سیاسی و اقتصادی کشور در ماه‌های آینده آرام باقی بماند، بازار سهام می‌تواند بخشی از جاماندگی خود نسبت به طلا را جبران کند. در غیر این صورت، تداوم رشد دلار یا افزایش نااطمینانی‌ها ممکن است بار دیگر بازارهای کالایی را در موقعیت برتر قرار دهد. در مجموع، داده‌های بازدهی تا ۱۱ آبان نشان می‌دهد که مسیر سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۴ مسیری چندوجهی و مبتنی بر تحلیل دقیق ریسک‌ها است؛ مسیری که در آن، طلا هنوز از نگاه سرمایه‌گذاران پناهگاه امن تلقی می‌شود، اما بورس نیز با کاهش سطح تنش‌ها در حال بازیابی تدریجی اعتماد ازدست‌رفته خویش است.

رشد پایدار آفریقا از مسیر معدن

قاره آفریقا، یکی از غنی‌ترین مناطق معدنی جهان، همچنان جایگاه خود را به‌عنوان مرکز جهانی تولید مواد معدنی تقویت می‌کند. بر اساس گزارش سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده (USGS)، آفریقا در سال ۲۰۲۵ حدود ۷۹.۳درصد از ذخایر جهانی فلزات گروه پلاتین (PGM)، ۶۱.۷درصد از ذخایر کروم و بخش‌های قابل‌توجهی از ذخایر کبالت (۵۴.۵درصد)، منگنز (۳۶.۵درصد)، الماس (۳۲.۴درصد)، بوکسیت (۲۵.۵درصد)، مس (۸.۲درصد)، طلا (۷.۸درصد) و لیتیوم (۱.۶درصد) را در اختیار داشته است.

با وجود ثروت عظیم این قاره در منابع طبیعی، صنعت معدن با چالش‌های مداومی از جمله کمبود زیرساخت، عدم قطعیت سیاست‌ها و افزایش هزینه‌های عملیاتی مواجه است. تحولات ژئوپلیتیک نیز فشارهایی را ایجاد کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۲۵، ایالات متحده تعرفه‌ای ۵۰درصدی بر واردات مس اعمال کرد که از اول اوت اجرایی شد و مستقیما بر صادرکنندگان آفریقایی مانند جمهوری دموکراتیک کنگو (DRC) تاثیر گذاشته است.

ستون صنایع معدنی آفریقا

پلاتین همچنان سنگ بنای چشم‌انداز معدنی آفریقا است و این قاره در سال ۲۰۲۴ تقریبا ۸۰.۳درصد از تولید جهانی را تامین کرده است. انتظار می‌رود تولید پلاتین در آفریقا در سال ۲۰۲۵ به‌دلیل بارندگی‌های شدید در اوایل سال و چالش‌های عملیاتی ناشی از بازسازی معادن، ۶.۴درصد کاهش پیدا کند. پیش‌بینی می‌شود این منطقه در سال ۲۰۲۵ همچنان ۷۹.۵درصد از تولید جهانی پلاتین را به خود اختصاص دهد. آفریقای جنوبی به‌عنوان تولیدکننده غالب، ۸۹درصد از کل تولید منطقه را در سال ۲۰۲۴ به خود اختصاص داده است؛ درحالی‌که زیمبابوه ۱۱درصد دیگر را تامین می‌کند. تولید پلاتین زیمبابوه در سال ۲۰۲۵ ثابت خواهد ماند و سپس در سال ۲۰۲۶ با راه‌اندازی پروژه‌های موپان و کارو پلاتین بهبود خواهد یافت. در دوره پیش‌بینی (۲۰۳۰-۲۰۲۵)، صنعت پلاتین با نرخ رشد مرکب سالانه ۱.۴درصد رشد خواهد کرد و تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۵.۱۲میلیون اونس (moz) خواهد رسید. بازیگران کلیدی در بخش پلاتین آفریقا شامل آنگلو امریکن، ایمپالا پلاتین هلدینگز، سیبانی استیل‌واتر و نورثام پلاتین هستند.

قلب معدنی آفریقا

آفریقای جنوبی همچنان محور اصلی معدنی قاره است و در سال ۲۰۲۴، حدود ۷۱.۵درصد از پلاتین جهانی و ۴۲.۷درصد از کروم جهانی را تولید کرده است. با این حال، مسائل ساختاری مداوم، از جمله هزینه‌های بالای برق، ناکارآمدی نیروی کار و محدودیت‌های لجستیکی، همچنان عملیات را به چالش می‌کشند. برای مقابله با این نگرانی‌ها، دولت آفریقای جنوبی اقداماتی را برای ترویج فرآوری داخلی و احیای ذوب فروکروم معرفی کرده است. انتظار می‌رود این تلاش‌ها منجر به افزایش ۳.۹درصدی تولید کروم در سال ۲۰۲۵ شود و کل تولید به ۲۰.۵میلیون تن (mt) برسد.

پیشرو در مواد معدنی حیاتی

جمهوری دموکراتیک کنگو همچنان نقش پیشرو در تولید مواد معدنی حیاتی آفریقا، به‌ویژه کبالت و مس، ایفا می‌کند. این کشور در سال ۲۰۲۴، حدود ۹۷درصد از تولید کبالت منطقه را تامین کرد که توسط اپراتورهای بزرگی مانند گروه CMOC، گلنکور و گروه جین‌چوان پشتیبانی شد. تولید کبالت در آفریقا پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ با ۲.۵درصد رشد به ۲۱۹ کیلوتن برسد، با افزایش‌های بیشتر از پروژه‌هایی مانند معادن کینسانوره، موتاندا، کیسانفو و تنکه فونگورومه. در همین حال، تولید مس کنگو با نرخ رشد مرکب سالانه ۳.۳درصد تا سال ۲۰۳۰ رشد خواهد کرد که توسط گسترش‌های مداوم در پروژه‌های موسونوی، موتوشی و کومید ری‌استارت پشتیبانی می‌شود. همچنین دومین تولیدکننده بزرگ مس آفریقا و هفتمین در سطح جهانی، برای رشد قوی آماده است.

نوسان محدود بازارها

بازار ارز و طلا در روز گذشته با نوساناتی محدود اما معنادار همراه شد؛ دلار و سکه افزایش یافتند، اما طلای ۱۸ عیار اندکی کاهش قیمت را تجربه کرد. همزمان، ابلاغ دستورالعمل جدید ارزی بانک مرکزی، خبرهای سیاسی درباره ازسرگیری مذاکرات و اصلاح قانون بانک مرکزی بر فضای بازار تاثیرگذار بودند.

در معاملات روز گذشته، بازار ارز و طلا با نوساناتی محدود اما معنادار همراه شد. دلار آزاد با رشد ۴۰۰ تومانی از ۱۰۸ هزار و ۱۴۰ تومان به ۱۰۸ هزار و ۵۴۰ تومان رسید. سکه امامی نیز با افزایش ۱۲۰ هزار تومانی از ۱۱۱میلیون و ۶۸۵ هزار تومان به ۱۱۱میلیون و ۸۰۵ هزار تومان صعود کرد. در مقابل، طلای ۱۸ عیار برخلاف دو بازار دیگر، با کاهش ۴۰ هزار تومانی در سطح ۱۰میلیون و ۵۵۲ هزار تومان ایستاد. به گفته فعالان بازار، این واگرایی قیمتی ناشی از مجموعه‌ای از تحولات اقتصادی و سیاسی اخیر بوده که بر انتظارات کوتاه‌مدت معامله‌گران اثر گذاشته است.

یکی از مهم‌ترین خبرهای روز، ابلاغ ترتیبات جدید تامین ارز برای بازپرداخت تسهیلات صندوق توسعه ملی بود. بر اساس دستورالعمل تازه بانک مرکزی، تسهیلات‌گیرندگانی که فاقد درآمد ارزی از محل صادرات هستند، می‌توانند اقساط خود را با ارزی که از طریق «تالار اول مرکز مبادله ارز و طلا» و با نرخ رسمی حواله تامین می‌شود، پرداخت کنند. این تصمیم با هدف جلوگیری از زیان ناشی از نوسانات نرخ ارز برای بنگاه‌های تولیدی و کاهش فشار تقاضا در بازار آزاد اتخاذ شده است. تحلیلگران معتقدند که اجرای این سیاست می‌تواند در میان‌مدت به کاهش نوسان نرخ ارز تجاری و بهبود شفافیت در نحوه بازپرداخت تسهیلات ارزی کمک کند. در کنار این تحولات اقتصادی، اخبار سیاسی نیز بر فضای بازار اثرگذار بود. سخنگوی دولت در نشست خبری خود اعلام کرد که وزارت امور خارجه «پیام‌هایی برای از سرگیری مذاکرات» دریافت کرده است. هرچند جزئیات این پیام‌ها منتشر نشده، اما همین خبر، امیدواری‌هایی را نسبت به احتمال کاهش تنش‌های دیپلماتیک و رفع بخشی از محدودیت‌های ارزی در میان فعالان بازار ایجاد کرد.

با این حال، فعالان معتقدند تا زمانی که این پیام‌ها به گفت‌وگوهای عملی منجر نشود، تاثیر آن بر بازار ارز موقتی خواهد بود. از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی نیز اصلاحیه شورای نگهبان بر قانون بانک مرکزی را تایید کرد. بر اساس این اصلاح، بانک مرکزی موظف است نرخ‌های خرید و فروش ارز را به‌صورت شفاف و منظم اعلام کند. این تصمیم در راستای تقویت پاسخگویی و انضباط ارزی ارزیابی می‌شود و می‌تواند در صورت اجرا، بخشی از فضای غیررسمی بازار را محدود کند.

در حوزه تجارت خارجی نیز، آمار جدید بانک مرکزی نشان داد که از ابتدای سال تا دهم آبان‌ماه، مجموع ارز تخصیص‌یافته برای واردات کالا و خدمات به بیش از ۳۴میلیارد و ۵۴۷میلیون دلار رسیده است. از این میزان، حدود ۹میلیارد دلار به واردات کالاهای اساسی و دارو، و بیش از ۲۴میلیارد دلار به بخش تجارت و بازرگانی اختصاص یافته است. این ارقام بیانگر تداوم حمایت ارزی از بخش‌های حیاتی اقتصاد در شرایط محدودیت منابع ارزی است.

در مجموع، بازار ارز و طلا در حالی هفته را با نوسان محدود آغاز کرده که مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و سیاسی در حال بازتعریف انتظارات فعالان است. کارشناسان معتقدند تداوم ثبات در بازار ارز منوط به هماهنگی سیاست‌های پولی، ارزی و دیپلماتیک خواهد بود؛ در غیر این صورت، هرگونه سیگنال منفی از مذاکرات یا تضعیف سیاست‌های کنترلی می‌تواند بار دیگر محرک رشد نرخ‌ها شود.

چهار درس تاریخی به سرمایه‌گذاران

تحلیلگران بلومبرگ، اخیرا در گزارشی تحلیلی، به بررسی چهار درس تاریخی مهم برای سرمایه‌گذاران بلندمدت پرداختند که بر اساس گزارش سالانه «بازده دارایی‌های بلندمدت» پژوهشکده دویچه‌بانک استخراج شده است. این گزارش داده‌های مربوط به بازده حقیقی(پس از تورم) انواع دارایی‌ها را در بازه ۲۰۰ ساله و در ۵۶ بازار جهانی بررسی می‌کند و نتیجه‌گیری‌های آن برای استراتژی‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری بسیار راهگشاست.

درس اول این است که نگهداری نقدینگی فقط برای مواقع اضطراری مناسب است و نه برای ساختن ثروت بلندمدت. داشتن پول نقد اهمیت دارد؛ چون نقش صندوق اضطراری را ایفا می‌کند و همچنین به سرمایه‌گذار امکان می‌دهد در فرصت‌های مناسب وارد بازار شود. با این حال، بر اساس داده‌های تاریخی، نگهداری نقدینگی برای دوران بازنشستگی یا اهداف بلندمدت کارآیی ندارد. طی ۲۰۰ سال گذشته، پول نقد در معنای واقعی سالانه حدود دو درصد از ارزش خود را از دست داده است. حتی «اسناد خزانه‌داری کوتاه‌مدت» که نقدترین ابزار مالی با بهره هستند، طی دو قرن اخیر، تنها سالانه ۱.۹ درصد سود حقیقی(تعدیل شده با تورم) داده‌اند. این در حالی است که بازار سهام به طور میانگین ۴.۹ درصد و اوراق قرضه دولتی ۲.۶ درصد بازدهی حقیقی سالانه داشته‌اند. البته در بازه‌های کوتاه‌تر، مثلا پنج‌ساله، احتمال دارد سهام از نقدینگی عقب بماند، اما در افق ۲۵ ساله، به جز دوره‌های خاص تاریخی اروپا و ژاپن حول جنگ‌های جهانی، تقریبا همیشه سهام بهتر عمل کرده است. در آمریکا حتی یک دوره ۲۵ ساله از ۱۵۰ سال گذشته وجود ندارد که نگه‌داری سهام از «کنز پول» عملکرد ضعیف‌تری داشته باشد. درنتیجه، پول نقد فقط برای اضطرار نیاز می‌شود و نه برای رشد سرمایه.

روزنامه مرز اقتصاد ۴
یکشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۱
www.marzeghtesad.ir

نگاه فولاد هرمزگان به آینده صنعت فولاد

صنعت فولاد جهان به سرعت در حال گذار به سمت تولید محصولات پیشرفته و باارزش افزوده بالا است و در این مسیر، شرکت‌های پیشرو با انعقاد تفاهم‌نامه‌های راهبردی، زمینه تحول و نوآوری را در خود تقویت می‌کنند.

در همین راستا، شرکت فولاد هرمزگان با امضای تفاهم‌نامه همکاری با صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر مبارکه، گام بلندی به منظور تولید محصولات فولادی خاص و پیشرفته برداشت. این توافق در بیست و هفتمین سمپوزیوم فولاد کشور با محوریت پایداری، اقتصاد چرخشی، تحول دیجیتال و توسعه مواد پیشرفته به امضای مدیرعاملان دو طرف رسید.

علیرضا رحیم، مدیرعامل فولاد هرمزگان، با اشاره به ضرورت تحول در نگاه سنتی به صنعت فولاد، تاکید کرد: در شرایط کنونی، افزایش ظرفیت و تولید به تنهایی پاسخگوی نیازهای بازار جهانی نیست و عقب‌ماندن از حرکت به سمت فولادهای ارزش افزوده بالا، به معنای از دست دادن سهم بزرگی از بازار جهانی است.

وی این تفاهم‌نامه را نگاهی آینده‌نگرانه و گامی رو به جلو برای صنعت فولاد کشور دانست و افزود: با بهره‌گیری از دانش و اکوسیستم فناوری استان و استفاده از ظرفیت‌های ملی، تولید آلیاژهای خاص و فولادهای پیشرفته را در دستور کار قرار خواهیم داد.

رحیم در پایان با اشاره به موقعیت استراتژیک فولاد هرمزگان در کنار دریا، خاطرنشان کرد: این موقعیت بی‌نظیر، فرصت مناسبی برای صادرات و عرضه محصولات خاص به بازارهای جهانی در اختیار ما قرار داده است.

این حرکت فولاد هرمزگان را می‌توان نمادی از گذار صنعت فولاد ایران از تولید انبوه به سمت خلق ارزش و نوآوری در زنجیره تولید دانست.

رکورد شکنی تولید و فروش در پتروشیمی نوری

شرکت پتروشیمی نوری در گزارش ماهانه خود در سامانه کدال از تولید ۴۰۱۹۶۰ تن محصول در مهرماه ۱۴۰۴ خبر داد. مبلغ فروش داخلی شرکت در این ماه ۷۷۸۶۹میلیارد ریال و فروش صادراتی آن ۱۷۰۳میلیارد ریال بوده است؛ به این ترتیب جمع کل درآمد نوری در مهرماه به حدود ۱۲۹۵۷۳میلیارد ریال (معادل ۱۲۹.۶ همت) رسیده است.

براساس این گزارش، میزان تولید تجمیعی شرکت تا پایان مهرماه ۱۴۰۴ به ۳۰۰۴۰۰۶ تن رسیده که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۲۴۸۹۱ تن افزایش نشان می‌دهد. این در حالی است که افزایش تولید در نیمه نخست سال ۱۴۰۴ نسبت به سال قبل ۱۱۲۵۷۲ تن بوده و نشان می‌دهد فاصله تولیدی شرکت ماه‌به‌ماه در حال افزایش است. در بخش مالی، درآمد تجمیعی شرکت طی ۷ماه نخست سال ۱۴۰۴ از محل فروش ۲۸۷۱۰۳۰ تن محصول به ۱۲۵۳۴۹۳میلیارد ریال (معادل ۱۲۵.۳۵ همت) رسیده که رشد ۳۹ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل را نشان می‌دهد. از این مبلغ، حدود ۹۷۸۳۹۷میلیارد ریال (۹۷.۸۳ همت) مربوط به فروش داخلی و ۲۷۵۰۹۶میلیارد ریال (۲۷.۵۱ همت) از محل صادرات حاصل شده است.

به این ترتیب، سهم صادرات از کل فروش نوری در پایان مهرماه حدود ۲۲درصد و میانگین درآمد حاصل از هر تن فروش حدود ۴۳.۶میلیون ریال برآورد می‌شود. رشد پیوسته تولید و فروش این شرکت، تداوم روند صعودی عملکرد پتروشیمی نوری در سال ۱۴۰۴ را تایید می‌کند.

امضای تفاهم‌نامه همکاری بانک رفاه کارگران و شهرداری تهران

به گزارش روابط‌عمومی بانک رفاه کارگران، این تفاهم‌نامه طی مراسمی که به همین منظور در محل این بانک برگزار شد، به امضای اسماعیل للـه‌گانی مدیرعامل بانک رفاه کارگران و محمدعلی‌نژاد معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران رسید.

للـه‌گانی طی سخنانی در این مراسم هدف از امضای این تفاهم‌نامه را حمایت از شهرداری تهران به‌منظور توسعه اقدامات در حوزه زیرساخت‌های شهری برشمرد و گفت: بانک رفاه کارگران آمادگی دارد از طریق محصولات و ابزارهای نوین بانکی، منابع موردنیاز طرح‌های توسعه‌ای و پروژه‌های اجرایی شهرداری را تامین کند.

وی افزود: حوزه فعالیت‌های شهرداری تهران بسیار گسترده است و آمادگی داریم در حوزه‌های مختلف ازجمله حمل‌ونقل و ترافیک، ساماندهی صنایع و مشاغل، فنی و عمرانی، معماری و شهرسازی و... همکاری‌های متقابل با شهرداری را گسترش دهیم.مدیرعامل بانک رفاه کارگران به سامانه SCF این بانک اشاره کرد و گفت: این سامانه در راستای توسعه روش‌های تامین مالی زنجیره‌ای راه‌اندازی شده است و می‌توانیم در این قالب نسبت به ثبت درخواست صدور اوراق گام و پیگیری تمامی فرآیندهای مرتبط با انتشار این اوراق از جمله صدور، انتقال و... برای شهرداری تهران اقدام کرده و از این طریق پروژه‌های شهرداری را تامین مالی کنیم.وی به کارت رفاهی بانک رفاه کارگران اشاره کرد و گفت: این کارت با ویژگی اعتبار تا سقف ۵۰۰میلیون تومان، بازپرداخت دوساله و نرخ کارمزد ۵.۲۵درصد صادر می‌شود. صدور این کارت برای متقاضیان مرتبط با زیرساخت‌های شهری امکان‌پذیر است. می‌توانیم این کارت را برای خریداران موتورسیکلت‌های برقی نیز صادر کنیم.

هر منطقه آزاد، یک قطب اقتصادی

بیتا حسن پور – در نشست هم‌اندیشی وزیر امور اقتصادی و دارایی با فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران منطقه آزاد کیش، دستاوردهای چشم‌گیر این منطقه در حوزه‌های گردشگری، سرمایه‌گذاری و بهبود زیرساخت‌ها مورد تاکید قرار گرفت.

دکتر سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی در این نشست گفت: مناطق آزاد ایران آزاد نیست، بلکه اسیر و گرفتار است. وی هدف اصلی وزارت اقتصاد را «آزادسازی واقعی این مناطق» با حذف موانع قانونی، آیین‌نامه‌ای و مدیریتی تا افق ۱۴۱۰ اعلام کرد.

وی راهکار اولیه آزادسازی مناطق آزاد را حذف موانع قانونی دانست و گفت: در نخستین جلسه با دبیر شورای عالی مناطق آزاد، دو درخواست مطرح کردم؛ که اولین آن اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و احصای تمام مواد قانونی «مانع» در سایر قوانین برای گنجاندن در این اصلاحیه بود.

وی اعلام کرد: این متن در کمیته تخصصی شورای عالی مناطق آزاد تصویب و تحویل شده است که پس از مرور نهایی در وزارت اقتصاد در هفته آتی، به شورای عالی ارسال و پس از تصویب دولت، به مجلس تقدیم خواهد شد.

مدنی‌زاده از نمایندگان مجلس خواست «نهایت تلاش را برای تصویب این لایحه به عمل آورند» تا موانعی که سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد را از سرزمین اصلی سخت‌تر کرده، حذف شود و این مناطق به روال اولیه و طبیعی خود بازگردند.

وی بخش دوم اقدامات را «مدیریتی و اجرایی» دانست و افزود: حتی با اصلاح قانون، مسائل عملیاتی باقی می‌ماند.

مدنی‌زاده با بیان اینکه در تعاملات مستمر سه‌چهار ماهه اخیر، تمام موانع احصا شده است، گفت: از مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش خواستم تمام موارد قابل اصلاح در قالب قانون، آیین‌نامه، شیوه‌نامه یا تصمیمات مدیریتی را شناسایی کنند تا در این سفر به تصویب برسانیم.

وزیر اقتصاد در ادامه دستور داد، با محوریت دبیر شورای عالی مناطق آزاد و مدیرعامل سازمان مناطق آزاد جزیره کیش، در یک ماه با حضور رئیس کل گمرک، رئیس سازمان امور مالیاتی، معاون بانک، بیمه و شرکت‌های دولتی وزارت متبوع و سایر معاونان مرتبط، موانع خاص مناطق آزاد به‌ویژه جزیره کیش به‌طور کامل احصا شود.

وی همچنین از معاون حقوقی وزارت اقتصاد خواست تمام راهکارهای حقوقی موجود برای حل مساله را احصا و راه‌حل‌های مدیریتی را با همکاری معاونان و مشاوران تدوین کنند.

وزیر اقتصاد از «طرح تحول مناطق آزاد» به‌عنوان برنامه عملیاتی یاد کرد که توسط دبیر شورای عالی مناطق آزاد، تجاری و صنعتی کشور به تیم مشاوره‌ای قوی سپرده شده و خروجی آن در جلسه مدیران مناطق آزاد ارائه شد.

وی تصریح کرد: قرار است برای هر منطقه آزاد، طرح توسعه مبتنی بر راهبردهای این طرح با کمک مشاوران داخلی و خارجی تدوین و به‌عنوان راهنمای برنامه ۵ساله عمل کند.

مدنی‌زاده تصریح کرد: اگر بخواهیم ۱۰ سال آینده ایران را روشن ببینیم، باید پنج سال آینده مناطق آزاد روشن باشد. وی گفت: طرح تحول، برای ایجاد مناطق آزادِ کاملا متفاوت، تا سال ۱۴۱۰ است. وی با بیان اینکه «کسانی که نمی‌دانند می‌خواهند چه کنند، می‌گویند نمی‌شود» گفت: ما بَاید نقشه ۱۴۱۰ را جلوی چشم داشته باشیم و بدانیم هر تکه جزیره چه خواهد شد.

مدنی‌زاده ادامه داد: هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نیست برای ساخت هتل در بیابان، هزینه کند اما اگر شما، نقشه جامع موقعیت، شامل دانشگاه، بیمارستان، هتل و سینما را به وی نشان دهید با فراغ خاطر، سرمایه اش را می‌آورد.

وی تاکید کرد: ما باید نقشه کامل ارائه کنیم تا مردم به‌جای خرید طلا، در پروژه‌های سودآور آینده سرمایه‌گذاری کنند.

وزیر اقتصاد بر «تمرکز» تاکید کرد و گفت: هر منطقه آزاد باید در ۲ تا ۳ حوزه مشخص «قطب» باشد، مانند چین که در ابتدای کار، ابتدا فقط یک منطقه را به‌عنوان منطقه آزاد معرفی و روی آن سرمایه‌گذاری کرد و سپس به نقاط دیگر، توسعه داد و امروز، مناطق مختلف چین، هر کدام، «قطب» یک فعالیت محسوب می‌شوند. وی افزود: جزیره کیش از ابتدای پایه‌گذاری، الگو بوده و باید پیشانی و الگوی سایر مناطق باقی بماند.

مدنی‌زاده یادآور شد: البته این کار فقط از مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش برنمی‌آید؛ بلکه همه ما مسوول هستیم. من به‌عنوان وزیر، این را مسوولیت اجتماعی شما می‌دانم. زیرا اگر کیش ۱۴۱۰ متفاوتی را برای خود بسازد، سایر مناطق الگو می‌گیرند و در ادامه، «ایران» ۱۴۱۵ از مناطق آزاد الگو خواهد گرفت.

دستاورد همکاری دولت و بخش خصوصی کیش

محمد کبیری، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش نیز در این نشست با ارائه گزارشی جامع، رشد بی‌سابقه فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی را نتیجه همکاری نزدیک دولت و بخش خصوصی دانست و بر اهمیت تعامل مستقیم و بی‌واسطه بین فعالان اقتصادی و سیاستگذاران کشور تاکید کرد. وی با اشاره به خلأهای موجود در نظام اداری و قانونی مناطق آزاد، اعلام کرد: با همت مضاعف و تعامل مستقیم با سیاستگذاران کشور، این چالش‌ها در حال رفع است. برگزاری جلسات تخصصی در حوزه‌های مالیاتی، گمرکی و پولی-بانکی با حضور روسای سازمان‌های مربوطه، گامی موثر برای ارائه راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت ارزیابی شده است.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با اظهار خوش‌بینی نسبت به آینده، افزود: با توجه به نگاه وزیر امور اقتصادی و دارایی و اقدامات اجرایی انجام شده، امید داریم نقایص موجود در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد رفع شده و دستاوردهای منطقه آزاد کیش، به‌ویژه در حوزه گردشگری و سرمایه‌گذاری، حفظ و توسعه یابد.

کبیری با خوش‌بینی نسبت به آینده، از رفع ناترازی آب و برق و رشد ۳۰۰ درصدی صدور مجوزهای اقتصادی و عملیات عمرانی در کیش خبر داد. این موفقیت‌ها نشان‌دهنده ظرفیت بالای بخش خصوصی و لزوم همراهی دولت در توسعه پایدار منطقه است.

در پایان این نشست، با اهدای کارت «کیشوندی» به وزیر امور اقتصادی و دارایی، امیدواری برای اجرایی‌شدن دستورات وی در کوتاه‌ترین زمان ممکن و تحقق هرچه بیشتر دستاوردهای مثبت برای مردم و سرمایه‌گذاران منطقه ابراز شد.

صرفه‌جویی سالانه ۹۰میلیون دلاری کربن صنعت امیرکبیر اراک

محمدرضا اکبری اصل: مدیرعامل شرکت آندسازی کربن صنعت امیرکبیر با بیان اینکه طرح آندسازی این شرکت اکنون ۷۳ درصد پیشرفت دارد، گفت: بهره‌برداری از این طرح ملی موجب صرفه‌جویی سالانه ۸۰ تا ۹۰میلیون دلار می‌شود.

خسرو غفاری در بازدید خبرنگاران از روند اجرای طرح، افزود: یکی از چالش‌های اصلی پیش‌روی واحدهای صنعتی، ضعف در زیرساخت‌ها به ویژه در حوزه راه‌های دسترسی است که رفع آن نیازمند اهتمام جدی دستگاه‌های متولی است و شرکت شهرک‌های صنعتی به عنوان متولی ایجاد زیرساخت‌ها، باید پیش از واگذاری زمین نسبت به تامین امکانات لازم همچون راه، آب، برق و گاز اقدام کند، اما متاسفانه با وجود مکاتبات متعدد طی سال‌های اخیر، هنوز بخشی از مشکلات زیرساختی برطرف نشده است.

مدیرعامل شرکت آندسازی صنعت کربن امیرکبیر با اشاره به اهمیت طرح کربن صنعت، گفت: این طرح صنعتی از پروژه‌های شاخص کشور به شمار می‌رود و پس از بهره‌برداری، نقش موثری در کاهش وابستگی خارجی و تقویت زنجیره تولید صنایع آلومینیوم خواهد داشت.

رودررویی سیلیکون‌ولی و وال‌استریت؟

بزرگ‌ترین شرکت‌های سیلیکون ولی در حال حاضر قصد دارند امسال ۴۰۰میلیارد دلار را صرف تلاش‌های هوش مصنوعی کنند. همه آنها می‌گویند که این مبلغ به هیچ وجه کافی نیست.

رودررویی سیلیکون‌ولی و وال‌استریت؟

شرکت متا پلتفرمز اعلام کرد که همچنان با محدودیت‌های ظرفیت مواجه است، زیرا تلاش می‌کند مدل‌های جدید هوش مصنوعی را آموزش دهد و همزمان محصولات موجود خود را تقویت کند. به گزارش وال‌استریت ژورنال مایکروسافت اعلام کرد که تقاضای زیادی از سوی مشتریان برای خدمات مبتنی بر مرکز داده خود مشاهده می‌کند که قصد دارد در دو سال آینده، مساحت مرکز داده خود را دو برابر کند.

آمازون اعلام کرد که در حال رقابت برای ارائه ظرفیت ابری بیشتر به صورت آنلاین در اسرع وقت است. ایمی هود، مدیر ارشد مالی مایکروسافت، گفت: «ما اکنون مدت‌هاست که با کمبود [قدرت محاسباتی] مواجه بوده‌ایم. البته از پیش فکر می‌کردم که به این سطح خواهیم رسید. تقاضا در حال افزایش است. وقتی این نوع سیگنال‌های تقاضا را می‌بینید و می‌دانید که عقب هستیم، باید هزینه کنیم.»

برخی از سرمایه‌گذاران می‌خواهند غول‌های فناوری اطمینان حاصل کنند که به اندازه کافی سرمایه‌گذاری می‌کنند تا تقاضای مورد انتظار را برآورده کنند، زیرا هوش مصنوعی همچنان به تغییر نیروی کار و گسترده‌تر کردن اقتصاد ادامه می‌دهد، درحالی‌که افرادی هستند که در مورد برخی از سرمایه‌گذاری‌های کلان و چشم‌انداز حباب هوش مصنوعی، هشدار می‌دهند.

متا، آلفابت، مایکروسافت و آمازون همگی هفته گذشته به سرمایه‌گذاران اعلام کردند که در سال ۲۰۲۶ هزینه‌ها را افزایش خواهند داد. سرمایه‌گذاران از برنامه‌های گوگل و آمازون استقبال کردند، اما برخی نگران برنامه‌های متا و مایکروسافت بودند.

سهام متا روز پنج‌شنبه ۱۱ درصد کاهش یافت و سهام مایکروسافت تقریبا ۳ درصد کاهش یافت. سهام گوگل و آمازون به ترتیب ۶ درصد و ۱۰ درصد در معاملات پس از ساعات کاری افزایش یافت. روز جمعه، سهام متا ۳ درصد و سهام مایکروسافت ۱.۵ درصد دیگر کاهش یافت. سهام گوگل در روز جمعه تقریبا بدون تغییر باقی ماند و سهام آمازون ۱۰ درصد افزایش یافت.

سیگنال‌های ضد و نقیض از سوی سرمایه‌گذاران ریشه در عدم اطمینان از این دارد که این هزینه‌های گزاف در نهایت به کجا خواهد انجامید. شرکت‌ها و طیف وسیعی از حامیان هوش مصنوعی گفته‌اند که این سرمایه‌گذاری‌ها برای سیستم‌های یادگیری ماشینی جهت رسیدن به هوش مصنوعی عمومی یا AGI، وضعیتی که در آن از انسان‌ها باهوش‌تر هستند، ضروری است.

یوسف اسکوالی، تحلیلگر ارشد اینترنت در شرکت Truist Securities، گفت: «هر کسی که زودتر به هوش مصنوعی عمومی (AGI) برسد، نسبت به دیگران از یک مزیت رقابتی باورنکردنی برخوردار خواهد بود و این ترس از جا ماندن است که همه این بازیگران از آن رنج می‌برند.» او افزود: «این استراتژی درستی است. ریسک بزرگ‌تر این است که کمتر از حد لازم هزینه کنید و در موقعیت رقابتی نامناسبی قرار بگیرید.» اما افراد بدبین در مورد اینکه آیا صرف میلیاردها دلار روی مدل‌های زبان بزرگ که محبوب‌ترین سیستم‌های هوش مصنوعی هستند، تردید دارند، چرا که نمی‌دانند که به هدف مطلوب خود خواهند رسید یا نه.

آنها همچنین به تعداد کم کاربرانی که برای فناوری موجود هزینه پرداخت می‌کنند و نیاز به سال‌ها آموزش اشاره می‌کنند تا بسیاری از کارگران در سراسر جهان بتوانند به طور موثر از آن استفاده کنند. سرمایه‌گذاران به صراحت اعلام کرده‌اند که در برخی سناریوها صبر و شکیبایی نشان خواهند داد و در برخی دیگر، صبر نخواهند کرد. تحلیلگران در تماس‌های تلفنی با سرمایه‌گذاران که پس از انتشار نتایج درآمدها انجام شد، مدیران را با سوالات کنایه‌آمیزی مورد خطاب قرار دادند.

در تماس تلفنی مایکروسافت، یکی از تحلیلگران سوالی را پرسید که ظاهرا در ذهن همه بود: «آیا ما در یک حباب هستیم؟» در تماس تلفنی آلفابت، شرکت مادر گوگل، دیگری پرسید: «چه نشانه‌های اولیه‌ای می‌بینید که به شما اطمینان می‌دهد که هزینه‌ها واقعا بازده بهتری در درازمدت دارند؟» گوگل که اعلام کرده هزینه‌های سرمایه‌ای آن برای کل سال از ۸۵میلیارد دلار به بین ۹۱ تا ۹۳میلیارد دلار افزایش خواهد یافت، اعلام کرد که سرمایه‌گذاری‌ها در حال حاضر در حال بازدهی هستند. آنات اشکنازی، مدیر ارشد مالی گوگل، گفت: «ما همین حالا هم میلیاردها دلار از هوش مصنوعی در این سه‌ماهه درآمد داریم. اما در کل، ما یک چارچوب و رویکرد دقیق داریم که با آن این سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را ارزیابی می‌کنیم.»

مایکروسافت اعلام کرد که حداقل تا نیمه اول سال آینده، با ظرفیت کافی برای تامین انرژی لازم برای کسب‌وکارهای فعلی و تحقیقات هوش مصنوعی خود فعالیت نخواهد کرد و کسب‌وکار رایانش ابری آن، آزور، بار اصلی درآمد این شرکت را به دوش می‌کشد. آمازون به سرمایه‌گذاران گفته است که با تمام سرعت ممکن در حال ایجاد ظرفیت‌های جدید آنلاین است، زیرا می‌تواند بلافاصله از این سرمایه‌گذاری‌ها درآمد کسب کند. اندی جسی، مدیر اجرایی آمازون، گفت: «شما شاهد خواهید بود که ما همچنان در افزایش ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری بسیار تهاجمی عمل خواهیم کرد، زیرا تقاضا را می‌بینیم.» او ادامه داد: «به همان سرعتی که در حال حاضر ظرفیت را اضافه می‌کنیم، از آن درآمد کسب می‌کنیم.»

متا جزئیات جدیدی در مورد انتشار مدل هوش مصنوعی یا جدول زمانی محصول یا اینکه چه زمانی سرمایه‌گذاران به‌طور گسترده‌تر شاهد بازگشت سرمایه خود خواهند بود، ارائه نکرد و این باعث ترس برخی شد. در معاملات پس از ساعات کاری روز چهارشنبه، پس از اعلام گزارش درآمد، سهام متا بیش از ۷ درصد کاهش یافت.

مارک زاکربرگ، مدیرعامل متا، روز چهارشنبه در جلسه‌ی توجیهی به سرمایه‌گذاران گفت: «اگر این شرکت در مورد میزان پولی که برای دسترسی به هوش مصنوعی عمومی هزینه می‌کند اشتباه کند، به سادگی تغییر مسیر خواهد داد.» او گفت: «به نظر من، استراتژی درست این است که به طور جدی ظرفیت‌سازی را افزایش دهیم. به این ترتیب، ما برای خوش‌بینانه‌ترین حالت آماده‌ایم.

در بدترین حالت، ما فقط برای مدتی ساخت زیرساخت‌های جدید را کند می‌کنیم تا به آنچه می‌سازیم، برسیم.» زاکربرگ همچنین گفت که کسب و کار تبلیغات و پلتفرم‌های فعلی متا در «وضعیتی با کمبود محاسبات» قرار دارند، درحالی‌که این شرکت به جای تقویت عملیات موجود، منابع بیشتری را به تلاش‌های تحقیق و توسعه هوش مصنوعی اختصاص می‌دهد.

سوزان لی، مدیر ارشد مالی متا، بدون ارائه آمار دقیق گفت: «هزینه‌های سرمایه‌ای آن – که نسبت به سال گذشته تقریبا دو برابر شده و به ۷۲میلیارد دلار در سال جاری رسیده است – در سال ۲۰۲۶ «به طور قابل‌توجهی» افزایش خواهد یافت.» اپل در گزارش مالی خود اعلام کرد که سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی را نیز افزایش می‌دهد. اما کل هزینه‌های آن هنوز در مقایسه با مبلغی که سایر غول‌های فناوری اعلام کرده‌اند، ناچیز است.

موازی‌کاری ساختاری در هوش مصنوعی

پس از گذشت چندین ماه از نابسامانی‌ها و سرگردانی‌ها در نحوه حکمرانی بر هوش مصنوعی همچنان اختلاف‌ها در این خصوص ادامه دارد. با اینکه نمایندگان مجلس تشکیل و فعالیت سازمان هوش مصنوعی را تصویب کردند، اما معاون علمی ریاست‌جمهوری در تازه‌ترین اظهارات خود اعلام کرده که ستاد هوش مصنوعی با ایجاد سازمان، منحل نخواهد شد.

از طرف دیگر، طرح ملی هوش مصنوعی هم همچنان در حال بررسی است و طولانی شدن این روند با انتقادات و حتی تذکر آیین‌نامه‌ای در صحن علنی مجلس مواجه شد.

تداوم فعالیت ستاد هوش مصنوعی

هفته گذشته بود که نمایندگان مجلس مصوب کردند تا سازمان هوش مصنوعی تشکیل شود. مدت چندانی از انتشار این خبر نگذشته بود که رضا محمودی‌لموکی، معاون امور مجلس معاونت علمی ریاست جمهوری مخالفت دولت با این موضوع را اعلام کرد. او تشکیل سازمان جدید را مغایر با رویکرد چابک‌سازی دولت و برنامه هفتم توسعه دانست و یادآور شد که طبق بند «ت» ماده ۹۹ برنامه هفتم توسعه، متولی اصلی حوزه‌های فناورانه از جمله هوش مصنوعی، معاونت علمی ریاست‌جمهوری است و بر اساس همین قانون، دولت در ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ «ستاد توسعه فناوری کاربرد هوش مصنوعی» را تصویب و ابلاغ کرده است.

برخی از فعالان بخش خصوصی هر چند به روند نابسامان و رویکرد غیرمتمرکز سیاستگذاران در قانون‌گذاری برای هوش مصنوعی انتقاد دارند، اما موافقت مجلس با تاسیس سازمان هوش مصنوعی را اقدام مثبتی می‌دانند. حتی از نظر محمدباقر سجادی، نایب‌رئیس کمیسیون هوش مصنوعی نصر تهران، ساختار ستاد هوش مصنوعی کاملا دولتی است و نگرانی‌هایی برای بخش خصوصی در خصوص فعالیت برای توسعه هوش مصنوعی ایجاد می‌کند. این در حالی است که در طرح ملی هوش مصنوعی با تاسیس سازمان هوش مصنوعی این نگرانی‌ها تا حدودی از بین می‌رود. البته به اعتقاد او، آنچه اهمیت دارد تعامل دولت و مجلس در راستای اجرای دقیق و درست طرح ملی هوش مصنوعی است.

با این همه، هر چند انتقادات از رویکرد غیر منسجم و متکثر سیاستگذاران نسبت به ایجاد یک متولی واحد برای توسعه هوش مصنوعی همچنان پابرجاست، معاون علمی و فناوری ریاست‌جمهوری در تازه‌ترین اظهارات خود اعلام کرده که ستاد هوش مصنوعی با ایجاد سازمان، منحل نخواهد شد. حسین افشین در پاسخ به سوالی درباره انحلال ستاد هوش مصنوعی معاونت علمی با ایجاد سازمان ملی هوش مصنوعی گفت: «پروژه‌های ستاد هوش مصنوعی معاونت علمی ریاست‌جمهوری به قوت خود ادامه می‌یابد و ستاد هوش مصنوعی معاونت هم منحل نمی‌شود.

ساختار جدید مانع ادامه فعالیت‌های معاونت علمی نخواهد شد و باید منتظر ابلاغ رسمی تصمیم‌ها و مشخص‌شدن تقسیم کار در هیات وزیران بود.» او همچنین درباره مصوبه تشکیل مرکز پردازش هوش مصنوعی زیرمجموعه وزارت ارتباطات و احتمال موازی‌کاری گفت: «در تقسیم کار ملی که انجام دادیم، به همین صورت است.» او با تاکید بر ضرورت واگذاری امور به بخش خصوصی گفت: «الان نیازمند این هستیم که ۱۰میلیارد دلار در حوزه هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کنیم و قرار نیست دولت و معاونت و وزارتخانه‌های دیگر بخواهند این زیرساخت را مدیریت و بهره‌برداری کنند و باید دست اپراتورهای بخش خصوصی بیفتد. » معاون علمی بار دیگر تاکید کرد که نکته اصلی، سرمایه‌گذاری و سپردن بهره‌برداری به بخش خصوصی است.

از طرف دیگر، ماه پیش سند «تقسیم‌کار ملی هوش مصنوعی» ابلاغ شد و تمرکز آن بر زیرساخت، حکمرانی داده، توسعه «مدل‌های زبانی بزرگ» و مدل‌های بنیادین بومی، آموزش نیروی انسانی و همکاری‌های جهانی بود. مسوولیت برنامه‌ریزی و اجرای این اهداف برعهده وزارت ارتباطات قرار گرفت. این وزارتخانه به همین منظور مکلف شده تا طی ۶ ماه گزارش امکان‌سنجی و طراحی فنی ابر پردازش گرافیکی کشور را ارائه کند. این سند با انتقاداتی مواجه شد.

از این جهت که بر پایه رویکردی متمرکز و کنترل‌محور نوشته شده و نقش جامعه علمی مستقل، بخش خصوصی واقعی و دسترسی آزاد پژوهشگران به داده‌ها و زیرساخت‌ها را نادیده می‌گیرد. همچنین به اعتقاد منتقدین، ساختار اجرایی آن سند کاملا در دست دستگاه‌های دولتی است و اهداف بلندپروازانه سند بدون نقشه راه روشن و ابزارهای مشارکتی، تحقق‌ناپذیر به نظر می‌رسند. به این ترتیب، برای اینکه این سند به یک نقشه راه واقعی تبدیل شود، نیازمند تغییر رویکرد به سمت برنامه‌ای باز، شفاف و مشارکتی است. در غیر این صورت، همانند بسیاری از طرح‌های بزرگ فناوری در کشور، صرفا به برنامه‌ای بلندپروازانه روی کاغذ تبدیل خواهد شد.

با وجود این انتقادات، روز گذشته نمایندگان مجلس در جریان بررسی طرح ملی هوش مصنوعی در صحن علنی مجلس ماده ۷ این طرح را تصویب کردند. بر اساس این مصوبه، «مرکز توسعه و شبکه‌سازی خدمات پردازشی هوش مصنوعی» با هدف تامین، توسعه و تجمیع زیرساخت‌های پردازشی کشور، زیر نظر وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تشکیل می‌شود. همچنین، بر اساس تبصره ۱ این ماده واحده، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است ظرف مدت سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن قانون، شیوه‌نامه لازم را تدوین کند. این شیوه‌نامه باید شامل جزئیاتی در خصوص حمایت و نحوه اشتراک‌گذاری و تجمیع ظرفیت‌های پراکنده پردازشی کشور و تامین تجهیزات پردازشی مورد نیاز باشد.همچنین، نحوه اعطای یارانه خدمات پردازشی و حمایت از تشکیل اپراتورهای خدمات پردازشی هوش مصنوعی نیز باید در این شیوه‌نامه مشخص و به تصویب هیات وزیران برسد. همچنین نمایندگان با بیش از دو سوم آرا با ماده ۸ این طرح، موافقت کردند. در ماده ۸ طرح ملی هوش مصنوعی آمده است: به منظور تامین امنیت رایانیکی (سایبری) و مدیریت مخاطرات سامانه‌های هوش مصنوعی، مرکز ارزیابی و تایید امنیت سامانه‌های هوش مصنوعی مکلف است وظایفی در این راستا انجام دهد.این مجموعه وظایف شامل تعیین سطوح مخاطره سامانه‌های هوش مصنوعی و تدوین دستورالعمل‌های امنیت رایانیکی، ارزیابی دوره‌ای سامانه‌های داخلی و خارجی بر اساس میزان مخاطره و انتشار نتایج با رعایت محرمانگی، تدوین فرآیندها و دستورالعمل‌های مربوط به صدور گواهینامه برای آزمایشگاه‌های مرجع، ایجاد محیط‌های آزمون برای توسعه‌دهندگان حقیقی و حقوقی با همکاری دستگاه‌های مرتبط، و همچنین تدوین و پیگیری تصویب استانداردهای مرتبط با مالکیت، تولید، نگهداری، تبادل و امنیت داده‌ها و سامانه‌های هوش مصنوعی در سازمان ملی استاندارد ایران است.

هدررفت منابع با نبود استراتژی واحد

سازمان ملی هوش مصنوعی هم مکلف است آیین نامه اجرایی این ماده را با همکاری سازمان پدافند غیرعامل، مرکز مدیریت راهبردی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات (افتا)، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مرکز ملی تولید و تبادل اطلاعات فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز ملی فضای مجازی ظرف مدت ۶ ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون تهیه و به تصویب هیات وزیران برساند.

روزنامه مرز اقتصاد ۵
یکشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۱
www.marzeghtesad.ir

چالش اقتصادی فراوانی نفت

لیلا جلیلوند – گزارش تازه بانک جهانی در مورد چشم‌انداز بازارهای کالایی نشان می‌دهد قیمت نفت خام و به دنبال آن سایر کالاهای اساسی، در حال افت تدریجی است؛ وضعیتی که هم برای صادرکنندگان بزرگ نفت و هم برای اقتصاد ایران پیام‌های مهمی به همراه دارد.

کاهش قیمت جهانی نفت می‌تواند فرصتی برای بازنگری در سیاست‌های داخلی انرژی باشد.

این نهاد بین‌المللی در تازه‌ترین ارزیابی خود تاکید می‌کند که جهان در حال ورود به دوره‌ای از فراوانی عرضه و کاهش تدریجی تقاضا است؛ دوره‌ای که به‌ویژه در بازار نفت با وضوح بیشتری دیده می‌شود. به دنبال گسترش خودروهای برقی، افزایش بهره‌وری انرژی در صنایع بزرگ و کند شدن رشد اقتصادی چین، مصرف نفت در مسیر ثابتی قرار گرفته و رشد آن تقریبا متوقف شده است. در مقابل، تولیدکنندگان نفت، به‌ویژه در کشورهای عضو اوپک‌پلاس، همچنان در حال حفظ یا حتی افزایش سطح تولیدند؛ امری که باعث ایجاد مازاد عرضه در سطح جهانی شده است.

بر اساس برآورد بانک جهانی، مازاد نفت در سال ۲۰۲۵ حدود ۶۵ درصد بیش از آخرین نقطه اوج در سال ۲۰۲۰ خواهد بود، و همین موضوع، فشار مضاعفی بر قیمت‌ها وارد می‌کند. به این ترتیب، پیش‌بینی می‌شود متوسط قیمت نفت برنت از حدود ۶۸ دلار در سال ۲۰۲۵ به ۶۰ دلار در سال ۲۰۲۶ کاهش یابد؛ سطحی که پایین‌ترین نرخ در ۵سال گذشته محسوب می‌شود. این تغییر مسیر در بازار نفت تنها به خود بخش انرژی محدود نمی‌ماند، بلکه بر کل منظومه کالاهای جهانی اثرگذار است، چرا که نفت همچنان شاخص اصلی تعیین‌کننده هزینه تولید، حمل‌ونقل و قیمت سایر کالاها است. برای ایران نیز این تحولات، هم فرصت و هم تهدید به شمار می‌رود: از یک‌سو، افت قیمت نفت به معنای کاهش درآمدهای ارزی و فشار بر بودجه دولت است، اما از سوی دیگر می‌تواند فرصتی برای اصلاح سیاست‌های انرژی، توسعه صادرات فرآورده‌ها و کاهش وابستگی به خام‌فروشی فراهم آورد؛ فرصتی که اگر نادیده گرفته شود، ممکن است در میان‌مدت به بحرانی ساختاری بدل شود. در این میان، اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به تحولات بازار جهانی نفت حساس شده است.

با وجود افزایش نسبی صادرات نفت ایران در سال‌های اخیر، بخش عمده درآمد ارزی کشور همچنان به قیمت جهانی نفت وابسته است و هر نوسانی در این بازار مستقیما بودجه دولت را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. افت احتمالی قیمت نفت به محدوده ۶۰ دلار می‌تواند موجب کاهش محسوس درآمدهای نفتی ایران شود، به‌ویژه در شرایطی که کشور ناچار به ارائه تخفیف به خریداران آسیایی و استفاده از مسیرهای غیررسمی برای فروش نفت است. این کاهش درآمد نه‌تنها بر توان دولت برای اجرای پروژه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های انرژی فشار وارد می‌کند، بلکه در سیاست‌های مالی، از جمله تامین یارانه‌های انرژی و کنترل نرخ ارز، نیز اثرگذار خواهد بود.

فرصتی برای بازنگری

از سوی دیگر، کاهش قیمت جهانی نفت می‌تواند فرصتی برای بازنگری در سیاست‌های داخلی انرژی باشد. در شرایطی که مازاد عرضه جهانی موجب افت قیمت‌ها شده، ایران می‌تواند از این دوره برای افزایش سهم صادرات فرآورده‌های نفتی، گسترش پتروشیمی‌ها و توسعه زیرساخت‌های پالایشی استفاده کند تا به‌جای وابستگی به فروش خام، به صادرات محصولات با ارزش افزوده بالاتر روی آورد. همچنین افت جهانی قیمت انرژی ممکن است تا حدودی موجب کاهش قیمت کالاهای اساسی وارداتی، از جمله غلات و کودهای شیمیایی شود. با این حال، تجربه سال‌های گذشته نشا داده که چنین «فرصت‌های قیمتی» معمولا کوتاه‌مدت هستند.

همان‌طور که بانک جهانی هشدار داده، افت کنونی قیمت‌ها اگرچه به کاهش موقت تورم جهانی کمک می‌کند، اما نباید موجب سهل‌انگاری سیاستگذاران شود. به‌ویژه برای ایران، که در آستانه تدوین بودجه سال آینده قرار دارد؛ چرا که اتکا به پیش‌فرض قیمت بالای نفت می‌تواند به کسری بودجه و بی‌ثباتی مالی منجر شود. از این‌رو، دولت ناچار است سناریوهای محتاطانه‌تری برای قیمت نفت در نظر گیرد و در عین حال مسیر اصلاح ساختار انرژی، افزایش بهره‌وری و کاهش شدت مصرف سوخت را با جدیت بیشتری دنبال کند.

در سطح بین‌المللی، اوپک و متحدانش در ائتلاف اوپک‌پلاس نیز با چالشی تازه مواجه شده‌اند. کاهش مستمر قیمت‌ها، در حالی‌که عرضه کشورهای غیر اوپکی به‌ویژه آمریکا همچنان در حال افزایش است، کار هماهنگی درون این ائتلاف را دشوار کرده است.

شکستن سقف تولید

بسیاری از اعضا در تلاشند تا سهم خود را از بازار حفظ کنند، حتی اگر به بهای شکستن سقف تولید یا کاهش قیمت‌ها تمام شود. این وضعیت، یادآور رقابت‌های نفتی دهه ۲۰۱۰ است که با سقوط قیمت‌ها و افزایش تنش در میان تولیدکنندگان همراه بود. اگر اوپک‌پلاس نتواند در ماه‌های آینده سیاست واحدی برای مدیریت بازار اتخاذ کند، احتمال دارد قیمت‌ها حتی پایین‌تر از پیش‌بینی‌های بانک جهانی سقوط کنند. برای ایران، حضور در این شرایط متغیر می‌تواند هم فرصت دیپلماتیک و هم چالش اقتصادی باشد. از یک‌سو، افت قیمت نفت ممکن است زمینه گفت‌وگو و هماهنگی بیشتر میان اعضای اوپک را فراهم آورد و ایران بتواند نقش فعال‌تری در تعیین استراتژی تولید و قیمت‌گذاری ایفا کند؛ اما از سوی دیگر، محدودیت‌های ناشی از تحریم و ضعف سرمایه‌گذاری خارجی، توان ایران را برای بهره‌گیری از هرگونه توافق یا افزایش سهم بازار محدود می‌کند.

در چنین فضایی، ایران نیازمند بازتعریف جایگاه خود در بازار انرژی منطقه است؛ به‌ویژه با توجه به رقابت فزاینده عربستان، روسیه و حتی امارات در بازار آسیا. در نهایت، گزارش بانک جهانی هشداری روشن برای کشورهای نفت‌محور از جمله ایران است. جهان در آستانه ورود به دوره‌ای از نفت ارزان و انرژی متحول‌شونده قرار دارد؛ دورانی که در آن نه کمبود منابع، بلکه مازاد عرضه و کاهش تقاضا تعیین‌کننده مسیر بازار خواهد بود. در چنین شرایطی، تنها کشورهایی می‌توانند جایگاه خود را حفظ کنند که از درآمد نفت برای تنوع‌بخشی به اقتصاد، توسعه فناوری‌های انرژی پاک و اصلاح ساختار مصرف داخلی بهره ببرند. برای ایران، این تغییر می‌تواند آغازگر مرحله‌ای تازه باشد؛ مرحله‌ای که در آن به جای اتکا به قیمت، باید بر ارزش، بهره‌وری و آینده‌نگری تکیه کرد.

حاشیه سود پالایش جهانی به بالاترین سطح ۲۰ ماه اخیر رسید

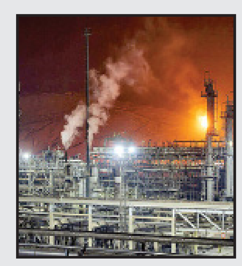

به گزارش شانا به‌نقل از رویترز، حاشیه سود پالایش نفت در بازارهای جهانی به بالاترین سطح ۲۰ ماه گذشته رسید؛ افزایشی که تا حدود زیادی ناشی از عملکرد مطلوب بازار گازوئیل و نگرانی‌ها درباره محدودیت عرضه در پی دور تازه تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌های نفتی روسنفت و لوک اویل، بزرگ‌ترین صادرکنندگان روسیه بوده است.

بر پایه داده‌های گروه مالی بورس اوراق بهادار لندن (LSEG)، حاشیه سود پالایش پیچیده در سنگاپور (شاخص سودآوری پالایش در آسیا) روز سه‌شنبه (ششم آبان ۱۴۰۴) به حدود ۹ دلار برای هر بشکه رسید که بالاترین سطح از فوریه ۲۰۲۴ و افزایشی خیره‌کننده نسبت به حدود ۲ دلار در اوایل اکتبر به‌شمار می‌آید. شکاف قیمتی گازوئیل با ۱۰ پی‌پی‌ام گوگرد هم روز سه‌شنبه از ۲۶ دلار برای هر بشکه عبور کرد و به بالاترین سطح خود در بیش از یک‌سال‌ونیم گذشته رسید.بازارهای اروپایی نیز روندی مشابه را تجربه کرده‌اند، به‌طوری که حاشیه سود معیار گازوئیل در روز دوشنبه از ۳۰ دلار برای هر بشکه فراتر رفت و به بالاترین سطح از اواسط فوریه ۲۰۲۴ رسید. در ایالات متحده آمریکا، معاملات آتی دیزل با گوگرد بسیار کم (ULSD) روز دوشنبه با اختلاف ۳۹ دلار و ۹۱۴ سنتی نسبت به معاملات آتی نفت خام آمریکا انجام شد؛ رقمی که بالاترین سطح از فوریه ۲۰۲۴ است.

مصائب جایگزینی خودروهای فرسوده

یک‌سوم ناوگان تجاری دیزلی در کشور، ۹۱درصد از اتوبوس‌ها و ۳۷درصد از خودروهای سواری کشور فرسوده است؛ اما نوسازی این ناوگان با وجود بیش از ۱۸۰ مصوبه پشتیبان طی ۱۷ سال، پیشرفت لاکپشتی دارد؛ تا جایی که سیاستگذار در میانه دهه ۹۰ ناگزیر به بازتعریف «سن فرسودگی» شد. نتایج یک پژوهش حاکی است، مدیریت نوسازی ناوگان به دلایلی چون رقابت‌ناپذیری و بی‌ثباتی فضای کسب و کار، شکست خورده است.

تجربه جهانی نشان می‌دهد نوسازی ناوگان تنها یک پروژه فنی نیست، بلکه بازتابی از کیفیت حکمرانی اقتصادی و توان هماهنگی میان دولت، بازار و بخش خصوصی است. ایران برای عبور از چرخه فرسودگی و ناکارآمدی در بخش حمل‌ونقل، بیش از هر زمان دیگر نیازمند حکمرانی اقتصادی کارآمد، شفاف و مبتنی‌بر انگیزش بازار است تا بتواند این بخش را به موتور رشد تبدیل کند. این گزارش، پنج راهکار کلیدی برای برون‌رفت از وضعیت بحرانی فرسودگی انواع ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای ارائه می‌دهد.

به گزارش «دنیای اقتصاد»، فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل عمومی و خودروهای شخصی به یکی از چالش‌های ایران در سال‌های اخیر تبدیل شده است؛ چالشی که نه‌تنها بر ایمنی جاده‌ها و کیفیت زندگی شهروندان اثر گذاشته، بلکه به‌طور مستقیم در افزایش مصرف سوخت و آلودگی هوا نقش دارد.

بر اساس آمار مرکز پژوهش‌های مجلس، از میان ۳۵میلیون خودروی سواری شخصی در کشور، حدود ۱۳میلیون دستگاه در رده فرسوده قرار دارد؛ رقمی چشم‌گیر که نشان می‌دهد بیش از یک‌سوم خودروهای در حال تردد در ایران عمری فراتر از استاندارد ایمنی و زیست‌محیطی دارند. در حوزه حمل‌ونقل عمومی نیز شرایط بهتر نیست. بنا به گفته محمود مشهدی شریف، رئیس انجمن مراکز اسقاط و بازیافت، از مجموع ۶۵ هزار و ۷۰۰دستگاه اتوبوس فعال در کشور، بیش از ۶۰هزار دستگاه فرسوده است؛ به بیان دیگر، بیش از ۹۱ درصد ناوگان اتوبوسرانی کشور با سن بالا و کارآیی پایین فعالیت می‌کنند.

در بخش حمل‌ونقل باری نیز حدود ۴۰۰هزار خودروی سنگین برون‌شهری اعم از، کامیون و کامیونت و تریلی در جاده‌های کشور تردد دارند که از این میان، بیش از ۱۲۴هزار دستگاه یعنی نزدیک به ۳۵درصد فرسوده است؛ یعنی از هر سه کامیون، یکی فرسوده است. این سطح از فرسودگی، هم هزینه‌های تعمیر و نگهداری و مصرف سوخت را بالا برده است و هم پیامدهای مستقیمی بر کیفیت هوا و تخریب محیط‌زیست به دنبال دارد.

در ایران سرانه مصرف روزانه بنزین برای هر نفر، به طور میانگین یک لیتر است؛ رقمی که تقریبا دو برابر میانگین جهانی است. کارشناسان دلیل اصلی این شکاف را در مصرف بالای خودروهای فرسوده می‌دانند که به‌دلیل فناوری قدیمی، سیستم احتراق ناکارآمد و فقدان استانداردهای روز، میزان مصرف سوخت و انتشار آلاینده‌هایشان چند برابر خودروهای جدید است. این وضعیت، علاوه بر فشار اقتصادی ناشی از اتلاف سوخت، سهم قابل‌توجهی در افزایش غلظت آلاینده‌های هوا و گازهای گلخانه‌ای دارد و یکی از چالش‌های جدی در مسیر تعهدات زیست‌محیطی ایران در حوزه اجرای معاهده آب‌وهوایی پاریس به‌شمار می‌آید.

تعهد ایران در معاهده پاریس

براساس گزارشی که با عنوان معماری مجدد و اصلاح فرآیند نوسازی ناوگان حمل‌ونقل و از رده خارج کردن، اسقاط و بازیافت خودروهای فرسوده توسط اتاق بازرگانی ایران منتشر شده است، نوسازی خودروهای فرسوده با کاهش بیش از ۱۲۵میلیون تن انتشار دی‌اکسید کربن، قابلیت تحقق بیش از سه برابر کل تعهد غیرمشروط ایران به «معاهده آب‌وهوایی پاریس» را دارد.

ایران در چارچوب معاهده پاریس متعهد شده تا در بازه‌ای مشخص، روند افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای را کنترل و به سمت فناوری‌های کم‌کربن حرکت کند. این معاهده که در سال ۲۰۱۵ تصویب شد، کشورها را ملزم می‌کند برای جلوگیری از گرم شدن کره زمین و مقابله با تغییرات اقلیمی، برنامه‌های ملی مشخصی ارائه دهند. ایران نیز با تاکید بر نقش بخش انرژی، حمل‌ونقل و صنعت، در زمره کشورهایی قرار گرفت که کاهش تدریجی آلاینده‌ها را در برنامه توسعه خود گنجانده‌اند.

با این حال، اجرای موثر این تعهدها با چالش‌های مالی و فنی همراه شد. در حوزه منابع ثابت نظیر نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و صنایع سنگین حرکت به سمت فناوری‌های پاک نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و دسترسی به تجهیزات و دانش فنی پیشرفته است؛

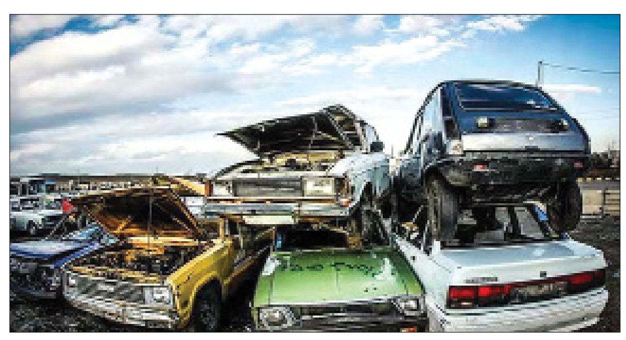

امری که در سال‌های اخیر به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و تحریم‌ها عملا تحقق نیافته است. هزینه بالای جایگزینی یا به‌روزرسانی این واحدها موجب شد بخش عمده‌ای از توجه سیاستگذاران به سمت منابع متحرک یعنی وسایل نقلیه برود؛ حوزه‌ای که تغییر در آن به‌ظاهر ساده‌تر و سریع‌تر است.

پس از آنکه سیاستگذاران برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بر منابع متحرک تمرکز کردند، «قانون هوای پاک» به عنوان جامع‌ترین و بنیادی‌ترین سند زیست‌محیطی و حمل‌ونقلی کشور تدوین و در سال ۱۳۹۶ تصویب شد. این قانون، نقطه عطفی در مدیریت آلودگی هوا و نوسازی ناوگان حمل‌ونقل به شمار می‌آید، زیرا برای نخستین‌بار تکالیف مشخص و الزام‌آوری را برای دستگاه‌های مختلف در زمینه کنترل آلاینده‌ها، معاینه فنی، تولید خودرو و خروج وسایل نقلیه فرسوده تعیین کرد.

براساس این قانون، تمام وسایل نقلیه موتوری باید در دوره‌های زمانی مشخص، تحت آزمون‌های معاینه فنی قرار گیرند تا میزان آلایندگی و ایمنی آنها سنجیده شود؛ هرچند با تصویب این قانون، معافیت خودروهای صفر از انجام معاینه فنی از دو به چهار سال تغییر کرد که مورد انتقاد کارشناسان حوزه محیط زیست قرار گرفت؛ اما به هر روی معاینه‌فنی نظام‌مند در همه شهرها، پس از تصویب قانون هوای پاک فراگیر شد.

قانون هوای پاک خودروسازان داخلی را موظف می‌کند تنها خودروهایی تولید کنند که استانداردهای روز آلایندگی و مصرف سوخت را رعایت کند. طبق این قانون، تردد خودروهای فاقد معاینه فنی معتبر در کل کشور ممنوع بوده و پلیس راهنمایی و رانندگی مکلف به جریمه و اعمال قانون در این زمینه است.

این قانون در حوزه نوسازی، بر اسقاط و جایگزینی خودروهای فرسوده تاکید دارد و دولت را مکلف می‌کند تا با ایجاد مشوق‌های مالی، تسهیلات بانکی و حتی یارانه‌های مستقیم، فرآیند خروج وسایل فرسوده از چرخه حمل‌ونقل را تسریع کند. قانون هوای پاک به‌ویژه ناوگان حمل‌ونقل عمومی که شامل اتوبوس و تاکسی است را در اولویت قرار داده و مقرر کرده است که دستگاه‌های اجرایی و شهرداری‌ها برای نوسازی این ناوگان، برنامه‌ریزی سالانه داشته باشند.

این قانون و مصوبه‌های پس از آن، تعاریف جدیدی از اسقاط و فرسودگی و همچنین سن فرسودگی ارائه دادند که البته این تعاریف تا به امروز چند مرتبه دچار تغییرات شده است؛ تغییراتی که نوعی عقبگرد از استانداردهای قبلی به شمار می‌آید و حاوی سهل‌گیری نسبت به تردد خودروهای فرسوده است.

در حال حاضر خودروهای شخصی سواری با سن بیش از ۱۵ سال به «سن مرز فرسودگی» می‌رسند. البته در مورد تاکسی‌ها به دلیل پیمایش مستمر، مرز فرسودگی ۱۲ سال تعیین شده است. در مورد خودروهای سنگین نیز بسته به نوع کاربری (باری یا مسافری)، مرز فرسودگی معمولا بالای ۲۰سال است. اما مقصود از مرز فرسودگی چیست و چه تفاوتی با سن فرسودگی که پیش از قانون هوای پاک پیش‌بینی شده بود، دارد؟ پیش از تصویب این قانون، خودروهای فرسوده دیگر امکان اخذ گواهی معاینه فنی نداشتند و با توجه به محدودیت تردد ناشی از نداشتن این گواهی و جرائمی که بابت آن پیش‌بینی شده است، ناگزیر به اسقاط می‌شدند.

اما اکنون با عبور از سن مرز فرسودگی، الزامی به اسقاط نیست و امکان اخذ گواهی معاینه فنی نیز فراهم است؛ با این تفاوت که تعداد دفعات مراجعه به مراکز معاینه فنی در طول سال، از یک به دو یا سه بار (بر اساس سن خودرو) افزایش یافته است.

به این ترتیب از آنجا که مرز فرسودگی برای خودروهای شخصی ۱۵ سال در نظر گرفته شده است، خودروهای ۱۵ تا ۲۰ ساله، باید سالانه دو بار و خودروهای بالای ۲۰ سال نیز باید سالانه سه بار، برای دریافت معاینه فنی اقدام کنند.

خودروهایی عمر آنها از ۲۰ سال فراتر رفته و به دلیل نقص فنی یا آلایندگی بالا دو نوبت در سال موفق به دریافت معاینه فنی نشوند، به عنوان فرسوده شناخته شده و باید اسقاط شوند، به این معنا که خودرو از چرخه حمل‌ونقل به صورت رسمی و قانونی خارج می‌شود.

با وجود این چارچوب قانونی نسبتا پیشرفته، اجرای آن با کندی و ناهماهنگی نهادی همراه بوده است. کمبود بودجه، نبود سازوکار شفاف برای تامین مالی اسقاط و ضعف نظارت بر معاینه فنی موجب شده بسیاری از مواد قانون هوای پاک در عمل اجرایی نشود.

نتیجه آن است که همچنان میلیون‌ها خودروی فرسوده در جاده‌ها و خیابان‌های کشور تردد می‌کنند و سهم قابل‌توجهی در انتشار آلاینده‌ها و ناکامی در تحقق تعهدات کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای دارند. با وجود اینکه برنامه‌های ملی کاهش آلایندگی بیش از هر بخش دیگری بر نوسازی ناوگان حمل‌ونقل، اسقاط خودروهای فرسوده و جایگزینی آنها با وسایل کم‌مصرف یا برقی متمرکز شد، اما به‌دلیل کندی روند اسقاط و کمبود ناوگان حمل‌ونقل عمومی، این مسیر نیز به اهداف مورد انتظار نرسید.

بیماری‌های اقتصاد حمل‌ونقل

به گزارش «دنیای اقتصاد»، کارشناسان معتقدند کثرت تعداد بخشنامه‌های صادره و مقررات وضع شده، یکی از شاخص‌هایی است که در تحلیل‌های توسعه پایدار، ضعف یک نظام حکمرانی در مواجهه با موضوعی خاص را نمایش می‌دهد؛ موضوعی که در مورد نوسازی خودروهای فرسوده و کاهش انتشار آلاینده‌های ناشی از منابع متحرک در ایران نیز صدق می‌کند. یک نقد کارشناسی که در مطالعه اتاق بازرگانی نیز به آن اشاره شده، این است که حکمرانی محیط‌زیست در ایران عمدتا مبتنی بر رویکردهای حکمرانی دستوری است.

ریشه سرکوب اقتصاد ایران در حوزه نوسازی ناوگان حمل‌ونقل و مدیریت خودروهای فرسوده، به پنج عامل اصلی بازمی‌گردد: ضعف در حاکمیت قانون، عدم احترام به حقوق مالکیت، تورم فزاینده، رقابت‌ناپذیری و بی‌ثباتی فضای کسب‌وکار ناشی از تغییر مکرر مقررات. این عوامل موجب شده فرآیند نوسازی ناوگان و اسقاط خودروهای فرسوده، به‌رغم وضع حدود ۱۸۰مصوبه طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱، از اثرگذاری لازم برخوردار نباشد. نهادهای اجرایی و برخی شهرداری‌ها گرچه توانسته‌اند از مسیر مصوبات گوناگون، امتیازهایی کسب کنند، اما در مقیاس کلان، این اقدامات به بهبود پایدار وضعیت و تغییر محسوس در نرخ فرسودگی انواع ناوگان نقلیه کمکی نکرده است.

تغییرات مکرر پارامترهای اسقاط، مانند سن فرسودگی و معادل‌سازی گواهی‌های اسقاط بین خودروهای سواری، تجاری دیزل و موتورسیکلت طی چند سال اخیر، گویای پراکندگی سیاست‌ها است به این معنا که در ساختار فعلی، هر خودروی فرسوده‌ای که از رده خارج می‌شود، منجر به صدور یک «گواهی اسقاط» می‌شود؛ گواهی‌ای که خودروسازان و واردکنندگان برای تولید یا واردات خودروهای اعم از سواری، اتوبوس، مینی‌بوس و... باید به تعداد مشخصی از آن در اختیار داشته باشند.

در سال‌های اخیر دولت برای تسهیل روند تولید و واردات، اقدام به معادل‌سازی گواهی‌های اسقاط میان گروه‌های مختلف وسایل نقلیه کرده است. بر اساس این سیاست، مثلا «اسقاط ۱۰ موتورسیکلت» معادل با «اسقاط یک خودروی سواری» تلقی می‌شود یا «اسقاط یک خودروی سبک» برابر با «۰.۲ خودروی سنگین دیزلی» در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب، انواع مختلف وسایل نقلیه در قالب یک جدول معادل، قابل جابه‌جایی و جایگزینی با یکدیگر شناخته می‌شوند.

کارشناسان اما این سیاست را غیرعلمی و ناهماهنگ با اهداف زیست‌محیطی و انرژی می‌دانند. از منظر فنی، میزان آلودگی، مصرف سوخت و اثرات زیست‌محیطی هر دسته از وسایل نقلیه با دیگری قابل‌مقایسه نیست؛ به‌طور نمونه، یک کامیون دیزلی فرسوده چند ۱۰ برابر یک موتورسیکلت بنزینی آلاینده تولید می‌کند. بنابراین، برابری میان این وسایل از نظر ارزش اسقاط، منطق فنی ندارد و عملا هدف اصلی طرح‌های اسقاط یعنی کاهش آلودگی و صرفه‌جویی در مصرف سوخت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

در نتیجه، این سیاست به‌جای آنکه منجر به خروج وسایل آلاینده‌تر از چرخه تردد شود، به‌صورت صوری و اداری اجرا می‌شود؛ به‌گونه‌ای که خودروسازان می‌توانند با اسقاط وسایل نقلیه کوچک و کم‌ارزش، مجوز تولید یا واردات بگیرند، درحالی‌که ناوگان سنگین و آلاینده کشور همچنان در جاده‌ها باقی می‌ماند. این وضعیت از دید بسیاری از کارشناسان، نشانه‌ای از پراکندگی و بی‌کیفیتی سیاستگذاری در نظام اسقاط کشور است.

◆ بازگشت ۹۸ درصد ارز پتروشیمی‌ها به کشور

انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی در پی انتشار فهرست بدهکاران ارزی، اعلام کرد: از ابتدا سال ۹۷ تا پایان شهریور امسال، ۹۸ درصد ارز پتروشیمی‌ها به کشور بازگشته است.

اخیرا حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی فهرستی از بدهکاران ارزی را منتشر کرد و مدعی شد این افراد حقیقی و حقوقی مجموعا ۹۵میلیارد دلار ارز صادراتی خود طی سال‌های ۱۳۹۷ لغایت پایان تیر ۱۴۰۴ را به کشور باز نگرداننده‌اند.

در پی این اتفاق، روز گذشته انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی طی بیانیه ای توضیحاتی جهت «تنویر افکار عمومی» ارائه کرد.

این بیانیه با اشاره به اینکه نام ۴۰ شرکت پتروشیمی در این فهرست قرار گرفته، عنوان کرد. « مستند به آمار سامانه بازگشت ارز بانک مرکزی (SDS)، میزان بازگشت ارز شرکت‌های پتروشیمی، از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا پایان شهریور ۱۴۰۴ معادل ۹۸ درصد بوده است. آمار تفصیلی بازگشت ارز به تفکیک شرکت‌های پتروشیمی در دوره مذکور به محض درخواست آقای دکتر صمصامی در اختیار ایشان قرار خواهد گرفت و انتظار می‌رود ایشان با مسوولیت خودشان نسبت به انتشار آن در رسانه‌های عمومی اقدام کند. بر اساس آمار سامانه مذکور از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا پایان شهریور ۱۴۰۴، تنها معادل ۱.۶میلیارد یورو (کمتر از ۲ درصد) از تعهدات صادراتی مجموعه شرکت‌های پتروشیمی رفع تعهد نشده است.»

انجمن صنفی کارفرمایی پتروشیمی در ادامه این بیانیه و در ارتباط با همین ۲ درصد نوشت. «در آمار ارائه شده توسط سامانه بازگشت ارز بانک مرکزی، تمامی صادرات شرکت‌های پتروشیمی در ۸۰ روز منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱ به‌عنوان تعهد سررسید شده لحاظ شده است. این در حالی‌است که مطابق مقررات موجود، شرکت‌های پتروشیمی از زمان صدور کوتاژ صادراتی خود ۸۰ روز فرصت دارند تا نسبت به بازگشت ارز از طرق تعریف شده در قوانین و مقررات اقدام کنند.

البته این مورد به معنای ایراد در سامانه SDS بانک مرکزی نیست، بلکه چون اطلاعات و آمار صادرات شرکت‌های پتروشیمی تا پایان شهریور ۱۴۰۴ مورد پایش قرار گرفته، ذکر این نکته ضروری بود. با احتساب میانگین ارزش صادراتی ماهانه شرکت‌های پتروشیمی که حدودا معادل ۱میلیارد دلار است و با توضیح اخیر می‌توان نتیجه گرفت که مجموعه شرکت‌های پتروشیمی به‌صورت کلان و در قالب یک صنعت واحد، معادل ۱۰۰ درصد تعهدات صادراتی سررسید شده خود را ایفا کرده اند.»

طبق این جوابیه« در حد فاصل زمانی ۰۱/۰۱/۱۴۰۰ لغایت۰۶/۰۸/۱۴۰۲ واردات مورد نیاز شرکت‌های پتروشیمی در مناطق ویژه و بر اساس مقررات موجود از طریق ثبت آماری موسوم به رویه قدیم انجام می‌شد که در آن تنها گزینه منشأ ارز برای انتخاب شرکت‌های پتروشیمی، گزینه «بدون انتقال ارز» بود. از آنجا که در گزینه «بدون انتقال ارز» سیستم بانکی حضور ندارد، لذا امکان رفع تعهدات وارداتی در حدود ۵۰۰میلیون دلار شرکت‌های پتروشیمی تاکنون میسر نشده است که بانک مرکزی کاملا در جریان موضوع بوده و اخیرا در صدد ارائه راهکاری برای رفع این مشکل است».

◆ افزایش ۱۶درصدی ذخیره‌سازی گاز

شرکت ملی گاز با شروع فصل سرما و کاهش محسوس دما خود را برای ورود به این چالش زمستانی آماده می‌کند. در کشوری که گرمایش و سوخت خانگی به‌صورت واحد و تقریبا کامل به گاز وابسته است، ورود به این فصل فشار عظیمی بر این صنعت وارد می‌کند. از همین رو این شرکت جلساتی برای برنامه ریزی و هماهنگی بین مدیران استانی و ستادی ترتیب داده که این هفته سومین دور آن برگزار شد. سعید توکلی، معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در این جلسه که با حضور مدیران ستادی و مدیران عامل شرکت‌های گاز استانی و به‌صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد، عنوان کرد: رکوردهای ذخیره‌سازی و تحویل گاز به نیروگاه‌ها نشان‌دهنده آمادگی بالای کشور برای عبور از زمستان پیش‌رو است. وی اظهار کرد: همچنین طرح گواهی صرفه‌جویی گاز و جایگزینی بخاری‌های با راندمان بالا، از مصوبات شورای اقتصاد نیز، امسال به مرحله اجرایی رسیده که این طرح‌ها نقش مهمی در بهبود بازده انرژی و کاهش مصرف گاز دارند.

مدیرعامل شرکت ملی گاز در ادامه، الگوی جدید مصرف گاز خانگی را رویکردی عدالت‌محور و چندبعدی در مدیریت مصرف عنوان کرد و گفت: عدالت در تعرفه‌گذاری گاز و مدیریت مصرف تنها با پایش دقیق مشترکین، تحلیل داده‌های مصرفی و استفاده از ظرفیت شرکت‌های کارور محقق می‌شود.

توکلی با قدردانی از تلاش‌های انجام‌شده در حوزه‌های فنی، فرهنگی و فناوری اطلاعات، افزود: بر اساس گازبهای اعلام‌شده در مهرماه، ۹۴ درصد از واحدهای مسکونی گازبهایی کمتر از ۵۰ هزار تومان پرداخت کرده‌اند که نشان‌دهنده اثربخشی تعرفه‌گذاری در پله‌های اول و دوم است.

وی درخصوص مصوبه اخیر هیات وزیران نیز، گفت: این مصوبه تنها به اصلاح تعرفه‌ها محدود نیست و ۸ بند کلیدی از جمله مدیریت مصرف در ساختمان‌های دولتی را شامل می‌شود که نشان می‌دهد، دولت با این تصمیم، اجرای بهینه‌سازی را از خود آغاز کرده و عدالت‌محوری را در عمل نشان داده است.

روزنامه مرزاقتصاد
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۱
www.marzeghtesad.ir

جلوگیری از سودجویی واردکنندگان برنج

وزیر جهاد کشاورزی در جلسه شورای معاونان و مدیران ارشد این وزارتخانه به تشریح آخرین وضعیت تامین نهاده‌های دامی، روند ثبت‌سفارش‌ها، مسائل بودجه‌ای و برنامه‌های صرفه‌جویی پرداخت و بر مقابله قاطع با رانت‌خواران و حمایت از تولیدکنندگان واقعی تاکید کرد.

به گزارش وزارت جهاد کشاورزی، غلامرضا نوری قزلجه با اشاره به بحث واردات و توزیع برنج گفت: دولت مصوب کرده توزیع برنج باید از طریق شرکت بازرگانی دولتی و با هدف رساندن محصول به دست مردم انجام شود. وی با انتقاد از سودهای کلانی که برخی واردکنندگان به دنبال آن هستند، افزود: وقتی قیمت تمام‌شده برنج در مبادی مرزی پایین است، عده‌ای آن را دو برابر یا چند برابر به فروش می‌رسانند و ما اجازه چنین سودجویی‌هایی را نخواهیم داد.

نوری‌قزلجه با هشدار نسبت به تبلیغات منفی علیه سیاست‌های وزارتخانه، از همکاران خواست محکم و استوار در میدان باشند و اضافه کرد که رئیس‌جمهور نیز شخصا از رویکرد پاکدستی و مقابله با فساد حمایت می‌کند و مطمئن باشید مسیر درستی است و با هم‌افزایی ادامه خواهیم داد. وی با اشاره به موضوع بیماری تب برفکی بیان کرد: پیگیری‌های لازم برای تولید، تامین و توزیع واکسن جهت مقابله با سویه جدید بیماری تب برفکی در برخی دامداری‌ها انجام شده است. وزیر جهاد کشاورزی درباره بودجه سال آتی توضیح داد که براساس سیاست‌های کلان، بودجه سال ۱۴۰۵ فقط به صورت جدول مطرح خواهد شد و دیگر احکام جداگانه‌ای در آن نخواهد بود.

به گفته وی، احکام دائمی که پیش‌تر در بودجه درج می‌شدند اکنون باید از طریق الحاقیه‌هایی جداگانه و یا قانون‌های مرتبط تدارک و نهایی شوند و آنچه که می‌توانست دائمی شود باید سریعا با هماهنگی معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، موارد لازم در قانون بیاید؛ چون دیگر در بودجه جایی برای آنها نخواهد بود. نوری‌قزلجه با اشاره به اینکه رئیس‌جمهور به شدت روی صرفه‌جویی تاکید دارند و دستگاه‌ها باید نشان دهند که وضعیت اقتصادی کشور را درک کرده‌اند، اظهار کرد که به معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی ماموریت داده شده تا به سرعت مکاتباتی با استان‌ها و دستگاه‌ها انجام دهد و پیشنهادهایی برای کاهش هزینه‌ها جمع‌آوری شود.

وی با بیان اینکه در برخی استان‌ها تشکیلات بزرگی وجود دارد، گفت که اگر امکان تجمیع مجموعه‌های وابسته وجود دارد باید اعلام و اقدام شود تا فضاهای آزاد شده به مولدسازی اختصاص یابد و منابع حاصل برای افزایش سرمایه و کاهش هزینه‌های جاری به بخش برگردد. وزیر جهاد کشاورزی از همه مدیران خواست نسبت به کاهش هزینه‌های آب، برق و استهلاک ساختمان‌ها اقدام کنند تا فعالیت‌ها جمع و جورتر و کارآمدتر انجام شود. وی از تمامی مدیران و کارکنان این وزارتخانه خواست که با اهتمام و دقت، فرایندها را اصلاح کنند و در عرصه‌های حساس مثل تامین نهاده‌ها، کنترل بازار و توزیع کالاها، نهایت کوشش را کنند.

وی با ارائه گزارشی درباره وضعیت واردات و ثبت‌سفارش نهاده‌های دامی، گفت: این وزارتخانه برای رفع مشکلات تولیدکنندگان در تامین نهاده‌ها، ثبت‌سفارش نهاده‌های دامی را بیش از سهم فصلی و حتی بیشتر از سهم سالانه انجام داده است به طوری که ۱.۳ برابر نیاز کشور مجوز ثبت‌سفارش گرفته‌ایم و در نیمه اول سال نیز تقریبا بالای ۹۰ درصد نیاز کشور را ثبت‌سفارش کردیم. ثبت‌سفارش‌ها به موقع بوده و نسبت به سال گذشته نزدیک ۵ درصد نهاده دامی بیشتری وارد و توزیع شده است.

دوگانه ناممکن ارز ترجیحی

از سوی دیگر برای این مبانی نظری، داده‌های تجربی و سیاستی متعدد در جهان و در کشورهای مختلف وجود دارد که به‌صورت قطعی و در عمل، پرداخت هرگونه ارز ترجیحی و نرخ‌های چندگانه ارز در کشورهایی با وضعیت مشابه کشور ما را مردود و شکست خورده می‌داند. مطالعات در ساختار ارزی کره‌جنوبی نشان می‌دهد که عملا از دهه ۱۹۷۰ به بعد ناکارآیی سیاست پرداخت ارز ترجیحی و نظام ارزی چندنرخی در آن اثبات شده و این کشور به سمت تعدیل نرخ ارز برای توازن تراز پرداخت‌های خود رفته است.

از سوی دیگر مطالعات مختلف در خصوص چین، هند و آفریقای جنوبی و بسیاری از کشورهای دیگر نیز همین یافته‌ها را تایید می‌کنند؛ به‌نحوی که پس از ۱۹۹۰ در غالب کشورهای جهان سیاست ارز چند نرخی و ارز ترجیحی کنار گذاشته شد. از سوی دیگر این سیاست در دو دهه اخیر در کشورهایی نظیر آرژانتین، ونزوئلا، ایران و سودان اجرایی شده که نتیجه فاجعه بار آن در نظام ارزی و تراز پرداخت‌های این کشورها آشکار است.

ابزار ناکارآمد ارزان‌سازی

عرشیا حسن پور - درحالی‌که نرخ تورم در کشور از مرز ۳۵ درصد گذشته و رشد مداوم هزینه‌های تولید فعالان اقتصادی را دچار چالش کرده، دولت همچنان مسیر تکراری برخورد با گران‌فروشان را دنبال می‌کند.

سیاستی که طی سال‌های گذشته در قالب طرح‌های متعدد تعزیراتی اجرا شده، اما نه تنها موجب مهار قیمت‌ها نشده بلکه در بسیاری از موارد، به کاهش عرضه و شکل‌گیری بازارهای غیررسمی منجر شده است.

ابزار ناکارآمد ارزان‌سازی

مردادماه سال جاری بود که سازمان تعزیرات اعلام کرد هر کالایی، اعم از کالاهای اساسی یا غیراساسی که مشمول دریافت ارز ترجیحی یا ضوابط قیمت گذاری است، در صورت عرضه خارج از قیمت مصوب مشمول برخورد خواهد شد. این در حالی است که بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، قیمت کالاهای اساسی در یک سال اخیر افزایشی بالغ بر ۵۳ درصد داشته است. فعالان اقتصادی بر این باورند که اصلی‌ترین مساله در رویکرد تعزیراتی آن است که تعیین قیمت دستوری بدون توجه به هزینه تولید، تسهیلات تامین نهاده، نرخ ارز و فضای کسب‌وکار انجام می‌شود. به عبارت دیگر، قیمت‌گذاری بدون توجه به واقعیت‌هایی مانند هزینه نیروی کار، نهاده‌ها و نرخ ارز صورت می‌گیرد و تولیدکننده‌ای که هزینه‌های او از نرخ تورم عقب مانده است، انگیزه‌ای برای ماندن در بازار داخلی نمی‌یابد و در این شرایط خطر خروج به سوی بازار صادراتی غیررسمی بالا می‌رود.

انتقال مسوولیت به سطح خرد

باید به این نکته توجه کرد که اثرات سیاست‌های قهری زمانی که تورم بالا و انتظارات افزایش قیمت قوی است، محدود خواهد بود، چراکه انگیزه‌های اقتصادی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان بر اساس وضعیت واقعی بازار تنظیم می‌شود، نه صرفا بر اساس قیمت دستوری. بنابراین، برخورد با گران‌فروشان بدون رفع علت‌ها (هزینه‌های تولید بالا، ارز کم، مقررات دست‌وپاگیر) تنها عاملی برای انتقال فشار به حلقه‌های عرضه یا ایجاد بازارهای زیرزمینی خواهد بود.

در این میان، به وضعیت چند کالای اساسی نیز باید توجه کرد؛ افزایش شدید قیمت‌ها، مانند افزایش ۲۰۰ درصدی در گروه حبوبات طی یک‌سال اخیر، نشان می‌دهد که سیاست قیمت‌گذاری کنترلی به تنهایی نتوانسته جلوی رشد سریع قیمت‌ها را بگیرد. از سوی دیگر، تلاش دولت برای تشدید نظارت به صورت بازرسی میدانی و مقابله با تخلفات صنفی بر کالاهایی مانند برنج، روغن و شکر نیز حکایت از آن دارد که ابزار انتظامی همچنان یکی از محورهای اصلی سیاست تنظیم بازار است. این روش کنترل قیمت گرچه می‌تواند در کوتاه‌مدت برخی تخلفات را کاهش دهد، اما تا زمانی که تولیدکننده، توزیع‌کننده و واردکننده با واقعیت‌های اقتصادی مواجه نشوند، این مشکل همچنان پابرجا خواهد ماند. بنابراین، راهکار به بن‌بست نرسیدن در سیاست‌های کنترل قیمت آن است که سیاستگذار بجای تمرکز صرف بر قیمت‌گذاری و تعزیرات، به فراهم کردن تسهیلات تامین نهاده، بهبود نظام ارزی، کاهش مقررات دست‌وپاگیر، تشویق تولیدکننده داخلی و بهبود تولید متمایل شود.

کمبود ارز و ناتوانی دولت در تامین به‌موقع منابع وارداتی، عامل دیگری است که بر فشار تورمی کالاهای اساسی افزوده است. با وجود این، دولت همچنان از کنترل بازار و برخورد با گران‌فروشان به عنوان راه‌حل سخن می‌گوید. در واقع تمرکز صرف بر برخورد با فروشندگان، نوعی انتقال مسوولیت از سطح سیاستگذاری کلان به سطح خرد بازار است. درحالی‌که عوامل اصلی تورم در بخش بودجه، نظام بانکی و نرخ ارز ریشه دارند، برخورد تعزیراتی تنها می‌تواند نشانه‌ها را مهار کند نه علت‌ها را.

در چنین فضایی فعالان اقتصادی از دولت انتظار دارند به جای تمرکز بر مجازات تولیدکننده و فروشنده، به سمت اصلاحات ساختاری همچون کاهش کسری بودجه، مهار نقدینگی، حذف مقررات دست‌وپاگیر و ثبات در سیاست ارزی حرکت کند. تنها در این صورت می‌توان انتظار داشت که قیمت کالاهای اساسی در مدار ثبات قرار گیرد و پدیده‌هایی مانند قاچاق معکوس و صادرات پنهان کاهش یابد.

افزایش قیمت یک کالا در شرایط سیر صعودی تورم، طبیعی است. در یک اقتصاد آزاد و آرام، فعالان اقتصادی در رقابت با یکدیگر عمل می‌کنند

ناکارآمدی در برخوردهای تعزیراتی

فعالان بخش خصوصی با انتقاد از سیاست‌های تعزیراتی و قیمت‌گذاری دستوری دولت تاکید می‌کنند که ریشه تورم باید شناسایی و کنترل شود و نباید صرفا با برخوردهای قهری به بازار پاسخ داد. آنها می‌گویند که تا زمانی که متغیرهای بنیادین اقتصاد اصلاح نشود، نه کنترل قیمت‌ها ممکن است و نه ثبات بازار. به گفته آنها، کمبود ارز ناشی از تحریم‌ها و سیاست‌های غلط داخلی، مانع واردات و تامین کالاهای اساسی شده و دولت نیز توان کنترل پایه پولی را ندارد. در واقع چالش‌های حکمرانی، مقررات دست‌وپاگیر و فضای ناامن اقتصادی زمینه‌ساز افزایش قیمت‌ها است و نباید هر گرانی را به گران‌فروشی تعبیر کرد، چراکه مسوول اصلی این وضعیت، سیاستگذار است نه فروشنده.

در این رابطه مرتضی حاجی‌آقامیری، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت: در درجه اول باید بررسی کرد که عامل تورم چیست. هنگامی که عامل تورم کنترل شود، آن‌گاه می‌توان قیمت‌ها و در نتیجه بازار را هم کنترل کرد. ابزارهای تعزیراتی و قیمت‌گذاری‌های دستوری، سال‌ها است که در این کشور به کار گرفته می‌شود و هیچ‌گاه نتیجه‌بخش نبوده است. با این حال، دولت همچنان اصرار دارد در همان مسیر گذشته حرکت کند، درحالی‌که به‌جای این رویکرد باید متغیرهای اصلی اقتصاد را اصلاح کند و مانع از رشد تورم شود. درحال حاضر کشور با تورم بالای ۳۵ درصد روبه‌رو است و دولت به جای تمرکز بر ریشه‌ها، باز هم به ابزارهای تعزیراتی و قیمت‌گذاری دستوری متوسل می‌شود.

او در ادامه توضیح داد: البته نمی‌توان انکار کرد که ممکن است برخی افراد از فضای مشوش اقتصادی حاکم بر کشور سوءاستفاده کنند و قیمت‌ها را فراتر از نرخ تورم افزایش دهند، اما همین رفتار نیز محصول همان سیاستگذاری‌های غلط و فضای ناپایدار اقتصادی است. اگر سیاستگذاری‌ها درست و فضای کسب‌وکار آرام باشد، چنین فرصت‌هایی به وجود نمی‌آید. راه‌حل این موضوع برخورد تعزیراتی نیست، بلکه اصلاح نظام اقتصادی کشور است که متاسفانه از این مسیر دور شده‌ایم و حرکتی در جهت اصلاح هم دیده نمی‌شود.

حاجی‌آقامیری درباره راهکارهای صحیح کنترل قیمت‌ها گفت: در این میان برخی راهکار افزایش واردات را مطرح می‌کنند، اما واقعیت آن است که ما توان افزایش واردات را نداریم، چون ارز کافی در دسترس نیست، بنابراین این مسیر پاسخ‌گو نخواهد بود. موضوع کمبود ارز نیز به شرایط تحریمی کشور و سیاست‌های نادرست داخلی بازمی‌گردد؛ سیاست‌هایی که جلوی صادرات را گرفته و مانع ارزآوری شده است. مجموعه این عوامل موجب شده که نتوانیم ارز مورد نیاز برای واردات را تامین کنیم. حتی وارداتی که در حال انجام است، با تلاش بسیار و دشواری‌های فراوان صورت می‌گیرد. در تخصیص ارز تاخیرهای طولانی وجود دارد، حتی در زمینه کالاهای اساسی مثل غذا و دارو. برای تامین ارز باید سیاست‌های تجاری، ارزی و حتی بین‌المللی خود را بازبینی کنیم تا بدانیم چرا در این زمینه دچار مشکل شده‌ایم و چگونه می‌توانیم منابع ارزی لازم برای واردات کالاهای اساسی را فراهم کنیم.

او ادامه داد: کنترل پایه پولی قطعا در این زمینه موثر است، اما دولت توان انجام این کار را ندارد. بخشی از مشکلات موجود در اقتصاد کشور ناشی از همین ناتوانی است. نوع حکمرانی اقتصادی به گونه‌ای است که نه تنها در دولت، بلکه در سطح کلان هم امکان کنترل پایه پولی وجود ندارد. تاکنون هم چنین اتفاقی نیفتاده و تحول خاصی در این زمینه مشاهده نمی‌شود، و با شرایط فعلی نیز بعید است تغییری رخ دهد. این عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران در ادامه توضیح داد: البته نباید چالش‌های داخلی را در وضعیت فعلی اقتصاد بی‌تاثیر دانست؛ «نوع حکمرانی اقتصادی»، «نحوه سیاستگذاری» و «وضع قوانین و مقررات مخل فضای کسب‌وکار» در حوزه کالاهای اساسی نیز وجود دارد. بخشنامه‌ها و قوانین دست‌وپاگیر در این بخش نیز اثرگذار هستند و مانع عملکرد مطلوب می‌شوند. اگر کشور به همین مسیر ادامه دهد، در آینده با شبکه سخت و پیچیده‌تری از مشکلات روبه‌رو خواهیم بود.

حاجی‌آقامیری با طرح سوال گران‌فروشی به چه معناست، گفت: افزایش قیمت یک کالا در شرایط سیر صعودی تورم، طبیعی است. در یک اقتصاد آزاد و آرام، فعالان اقتصادی در رقابت با یکدیگر عمل می‌کنند و حتی ممکن است برای جلب مشتری قیمت‌ها را پایین بیاورند. در چنین شرایطی پدیده گران‌فروشی رخ نمی‌دهد، اما در این فضای مشوش و تورم لجام‌گسیخته‌ای که اکنون در کشور حاکم است، ممکن است عده‌ای کالاهای خود را گران‌تر از حد واقعی عرضه کنند. با این حال، نمی‌توان هر افزایش قیمتی را گران‌فروشی نامید. سیاست‌های نادرست اقتصادی عامل اصلی این وضعیت هستند و نمی‌توان بار مسوولیت را بر دوش فروشندگان انداخت. سیاستگذار باید مسوولیت خود را بپذیرد و بداند که برخوردهای قهری در این حوزه نتیجه‌ای ندارد؛ همان‌طور که تاکنون نیز نتیجه‌ای نداشته است. در پایان باید به این نکته اشاره کرد که سیاست‌های نظارت صرف و قیمت‌گذاری دستوری، بدون همزمانی با اصلاحات اساسی در ساختار تولید، واردات، ارز و تجارت، نه تنها قادر به مهار تورم کالاهای اساسی نیستند، بلکه ممکن است تولیدکننده را به محدود شدن در بازار داخلی و گرایش به صادرات غیررسمی سوق دهند؛ سیاستی که در بلندمدت نه به منافع مصرف‌کننده ختم می‌شود و نه تولیدکننده را توانمند می‌سازد.

کشاورزی در بن‌بست انرژی

نایب‌رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق ایران، تاکید کرد: خاموشی‌های گسترده و بی‌برنامه، نه‌تنها به تولید محصول در مزرعه آسیب می‌زند، بلکه کل زنجیره تامین و صنایع تبدیلی کشاورزی را وارد مرحله‌ای از زیان جدی کرده است؛ این قطعی‌ها باعث پایین‌آمدن تولید، افزایش هزینه‌های تعمیرات و نگهداری تجهیزات آبیاری و حتی آسیب به چاه‌های آب ـ از جمله ریزش و تخریب آنها ـ می‌شود که در نهایت، زیرساخت‌های حیاتی بخش کشاورزی را فرسوده و امنیت غذایی کشور را با تهدیدی جدی مواجه می‌کند.

او با بیان اینکه موضوع «ناترازی انرژی» از یک چالش فنی صرف فراتر رفته و اکنون به یک بحران اقتصادی و اجتماعی در بخش کشاورزی بدل شده، گفت: در غیاب یک سیاست پایدار و هدفمند برای تامین برق در مناطق کشاورزی، ما با کاهش ظرفیت تولید، افزایش هزینه‌ها و ناتوانی در تامین محصولات تازه‌خوری در بازار داخلی مواجه شده‌ایم. این فقط مشکل کشاورز نیست؛ این زنگ خطر برای امنیت غذایی کشور است.

بر اساس گفته‌های هاشمی، خاموشی‌های مکرر و ناپایدار در مناطق روستایی و کشاورزی، مستقیما فعالیت‌های کلیدی مانند پمپاژ آب، مدیریت گلخانه‌ها و کارگاه‌های فرآوری را مختل می‌کند. او گفت: وقتی تامین انرژی قطع می‌شود، بسیاری از مراحل زراعی و تولیدی متوقف می‌شوند و این در حالی است که در کشاورزی، زمان و شرایط محیطی نقشی حیاتی دارد.

۱۱ نارسایی «سفر با مترو»

قائم‌مقام عملیات شرکت بهره‌برداری متروی تهران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» ضمن بیان سهم ۲میلیون سفر روزانه متروی شهر تهران از کل جابه‌جایی‌های روزانه در این شهر، به مهم‌ترین چالش‌های مسافران متروی تهران پاسخ داد.

چالش‌های متروسواران

۱۱درصد سفرهای درون‌شهری تهران از طریق شبکه مترو انجام می‌شود، این شبکه با ۱۷ ساعت کارکرد در طول شبانه‌روز و ۲هزار حرکت قطار، ۲میلیون سفر درون‌شهری را برای شهروندان میسر می‌کند. مزایای گسترده جابه‌جایی با مترو باعث شده تا این مُد حمل‌ونقلی به یکی از شیوه‌های محبوب جابه‌جایی در کلان‌شهرهای دنیا تبدیل شود؛ با وجود این، جابه‌جایی با مترو با چالش‌هایی نیز برای متروسواران همراه است. خبرنگار «دنیای اقتصاد» برای استحصال مهم‌ترین چالش‌های متروسواران تهرانی با تعدادی از شهروندانی که به شکل مداوم در ترددهای روزانه خود از مترو استفاده می‌کنند، گفت‌وگو کرد. چالش‌های ذکر شده از سوی متروسواران به تفکیک خطوط در جدول این گزارش، کامل آورده شده است. درحالی‌که مسافران دائمی مترو در خطوط مختلف بسته به خط مورد استفاده و ویژگی‌های حاکم بر آن خط نظیر قدیمی یا جدید بودن با چالش‌های متفاوتی مواجه هستند، اما مسافران اغلب خطوط در ۱۱ چالش با یکدیگر مشترک هستند.

اولین چالش مشترک متروسواران تهرانی ازدحام مسافر در واگن‌های قطار به‌خصوص در ساعات ابتدایی صبح و عصر است. این ازدحام در برخی خطوط پرمسافر در ساعات اوج ترافیک خیابان‌ها به میزانی افزایش پیدا می‌کند که بخشی از مسافران ناچار می‌شوند تا از سوار شدن به چند قطار متوالی خودداری کرده و زمان طولانی را در ایستگاه‌های شلوغ منتظر بمانند.

دومین چالش مسافران مترو، ازدحام جمعیت در ایستگاه‌ها است؛ این چالش به‌خصوص در ایستگاه‌های خطوط جدید و زمانی که قطارها در سرفاصله طولانی به ایستگاه می‌رسند، به وقوع می‌پیوندد که با افزایش تعداد قطارها به تعدادی نرمال به سادگی قابل رفع شدن است.

سومین چالش مسافران متروسوار تهرانی را باید در پوشش محله‌ای ناکافی و محدود ایستگاه‌های مترو جست وجو کرد؛ درحالی‌که استاندارد جهانی در این زمینه فاصله حداکثر ۱۵ دقیقه‌ای به شکل پیاده برای دسترسی به ایستگاه را تعریف کرده، اما پراکندگی ایستگاه مترو در بسیاری از محلات شهر تهران ضعیف بوده و مسافران برای رسیدن به ایستگاه مترو خیلی از مواقع مجبور به استفاده از تاکسی یا اتوبوس می‌شوند و در بسیاری موارد به دلیل ضعف زنجیره حمل‌ونقل عمومی از خودروی شخصی استفاده می‌کنند. در عین حال عدم تعبیه پارکینگ عمومی کافی در محدوده ایستگاه‌های مترو به‌خصوص در ابتدا و انتهای خط باعث می‌شود تا شهروندان مناطقی که مترو در نزدیکی محل سکونت آنها قرار دارد، با چالش جدی پارک خودرو در کوچه‌ها و شلوغی معابر مواجه باشند.

چالش چهارم متروسواران، خرابی دستگاه چاپ بلیت و خرابی گیت ورودی و خروجی است، این موضوع از سویی هزینه‌های اضافی به بخشی از مسافران تحمیل می‌کند و از سوی دیگر با معطلی غیرمترقبه در ایستگاه، امکان برنامه‌ریزی در زمان سفر را از شهروندان می‌گیرد.

چالش پنجم مترو سواران، تاخیر قطارها و معطلی ناشی از آن در ایستگاه است. در شرایطی که در حالت نرمال، بسیاری از قطارها در ایستگاه‌های مختلف انباشته از جمعیت هستند، هر تاخیری می‌تواند جابه‌جایی مسافر در متروی پرتراکم تهران را چالش‌زاتر کند.

ششمین چالشی که متروسواران با آن مواجهند، مشکلات ناشی از پله‌برقی است. بخشی از ایستگاه‌ها و خطوط قدیمی فاقد آسانسور و پله‌برقی هستند؛ بخشی از پله‌برقی‌های موجود در مترو به شکل قابل‌توجهی خراب شده‌اند و به دلیل تعمیرات از دسترس خارج می‌شوند. در مواردی نیز تعدد مسافر و ناکافی بودن پله‌برقی‌هایی که به شکل متوالی پشت یکدیگر قرار دارند، احتمال بروز خطرات جانی را برای مسافران افزایش می‌دهد.

هفتمین چالش خرابی سیستم تهویه در داخل قطارها و در برخی موارد عدم کارکرد تهویه در ایستگاه‌ها به‌خصوص ایستگاه‌های جدید است، این موضوع با ایجاد بوی نامطبوع در داخل واگن و ایستگاه‌ها، از کیفیت سفر و رفاه حداقلی مورد نیاز مسافران می‌کاهد.

چالش هشتم، تعدد قطارهای قدیمی به‌خصوص در خطوط قدیمی‌تر است؛ با توجه به گذشت زمان طولانی از عمر این قطارها، سیستم تهویه، گرمایش و سرمایش آنها به خوبی کار نمی‌کند و این موضوع به شدت برای مسافران مترو آزاردهنده است.

چالش نهم مطرح شده از سوی شهروندان متروسوار خرابی قطارها در میانه حرکت است؛ این موضوع باعث معطلی طولانی‌مدت چند قطار پشت هم شده و در واقع سرویس‌دهی مترو را برای ساعاتی، از دسترس شهروندان خارج می‌کند.

دهمین چالش مطرح شده از سوی برخی شهروندان متروسوار مربوط به رفتار برخی دستفروشان حاضر در واگن‌های قطار بود؛ این افراد از شیوه‌های غیرمتعارف برخی دستفروشان در فروش محصول به‌خصوص در ساعات شلوغی و ازدحام جمعیت گلایه داشتند.

چالش یازدهم نیز که مسافران مترو با آن مواجه و از آن گلایه دارند، مربوط به رفتار غیرمتعارف برخی دیگر از متروسواران است که شامل تماشای فیلم با گوشی با صدای بلند، حضور برخی گروه‌های نوازنده که بدون در نظر گرفتن تراکم مسافر در قطار نسبت به تولید صدای بلند اقدام می‌کنند و مواردی از این دست می‌شود.

«انتظار» در ایستگاه مترو چند دقیقه است؟

رضا حشمتی قائم‌مقام عملیات شرکت بهره‌برداری متروی تهران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» به برخی چالش‌های متروسواران پاسخ داد، وی در خصوص گلایه شهروندان در خصوص سرفاصله‌های طولانی و تاثیر منفی آن بر ازدحام جمعیت در قطارها گفت: سرفاصله حرکت قطارها یا فاصله زمانی بین حرکت دو قطار متوالی، از اصلی‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده ظرفیت جابه‌جایی در خطوط مترو است.

در حال حاضر و مطابق برنامه بهره‌برداری، سرفاصله در بیشتر خطوط شهری متروی تهران در ساعات اوج سفر حدود ۵ دقیقه است و تنها در خطوط ۶ و ۷ به‌دلیل ویژگی‌های فنی راه‌اندازی و کمبود ناوگان فعال، این عدد در حدود ۱۰ دقیقه قرار دارد. بدیهی است با ورود ناوگان جدید، تکمیل پایانه‌ها و توسعه تجهیزات کنترلی، این سرفاصله نیز کاهش خواهد یافت. به‌صورت فنی، افزایش سرفاصله از ۵ به ۱۰ دقیقه به معنای کاهش تقریبی ۵۰ درصدی ظرفیت حمل‌ونقل در آن خط است؛ موضوعی که مستقیما بر سهولت سفر و برنامه‌ریزی زمانی مسافران اثرگذار خواهد بود.

وی ادامه داد: در تجارب جهانی، یکی از موثرترین راهکارها برای افزایش ظرفیت خطوط، استفاده از سامانه‌های مدرن سیگنالینگ مانند CBTC/ATO است. این فناوری‌ها امکان کاهش سرفاصله تا حدود ۱.۵ تا ۲ دقیقه را فراهم می‌آورند. با این حال، بهره‌گیری از چنین ظرفیتی باید متناسب با میزان تقاضای سفر باشد؛ چرا که در صورت نبود تراکم مسافر، افزایش بیش از حد تردد قطارها سبب استهلاک ناوگان و مصرف بی‌رویه انرژی خواهد شد. توسعه این سامانه در برنامه میان‌مدت شرکت بهره‌برداری متروی تهران قرار دارد.

قائم‌مقام عملیات شرکت بهره‌برداری متروی تهران در پاسخ به چالش کیفیت هوا و بوی نامطبوع در برخی ایستگاه‌ها گفت: گلایه‌های محدودی از بوی نامطبوع در بعضی ایستگاه‌ها نظیر بوی رطوبت یا بوی گاز گاهی گزارش می‌شود که این گزارش‌ها عمدتا مقطعی بوده و معمولا ناشی از عواملی همچون رطوبت، تجمع آب‌های زیرسطحی یا اختلال موقت در تهویه است. با این حال، بوی پایدار یا شدید می‌تواند نشانه وجود نواقص فنی نظیر نشت فاضلاب یا کاهش راندمان سیستم تهویه باشد.

حشمتی تاکید کرد: شرکت بهره‌برداری متروی تهران با اجرای برنامه‌های مستمر پایش کیفیت هوا، بازرسی دوره‌ای تجهیزات تهویه و اقدامات اصلاحی در ایستگاه‌های مشخص، ارتقای شرایط زیست‌محیطی فضاهای زیرزمینی را در اولویت خود قرار داده است. تمامی ایستگاه‌ها و تونل‌ها دارای سامانه تهویه مطبوع هستند و کیفیت هوای مترو در حد استانداردهای محیط شهری ارزیابی می‌شود. حشمتی در پاسخ به تعدد غرف در ایستگاه‌های مترو و چالش‌زایی برای شهروندان با هدف درآمدزایی گفت: درآمدزایی از فضاهای مترو از طریق ایجاد غرفه‌های تجاری، رویه‌ای رایج و پذیرفته‌شده در سیستم‌های حمل‌ونقل زیرزمینی دنیاست. با وجود این، شرکت بهره‌برداری بر این باور است که صدور مجوز برای فعالیت صنوف باید با رعایت دقیق ضوابط بهداشتی، ایمنی، تهویه‌ای و قراردادی انجام شود تا سلامت و آرامش مسافران حفظ شود. بدیهی است عرضه مواد غذایی گرم و دارای بو تنها در فضاهایی با تهویه مناسب و استاندارد مجاز خواهد بود.

وی در خصوص عدم دسترسی بخشی از ایستگاه‌ها به پله‌برقی و آسانسور به‌خصوص در ایستگاه‌های خطوط قدیمی گفت: در شبکه متروی تهران، سطح دسترسی ایستگاه‌ها به‌صورت کلی در دو بخش از سطح خیابان تا سالن فروش بلیت و از سالن فروش بلیت تا سکوهای سوار و پیاده شدن تعریف می‌شود. در بخش دوم یعنی انتقال مسافر از سالن بلیت تا سکوها تقریبا در تمامی ایستگاه‌ها امکان جابه‌جایی مکانیزه از طریق پله‌برقی و آسانسور فراهم است و تنها در تعداد محدودی از ایستگاه‌ها، این دسترسی به‌صورت غیرمکانیزه طراحی شده است.

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۱
www.marzeghtesad.ir

شروع حدادی با فرار از مدیریت درویشی

عرفان حمیدی – خبر کوتاه بود و مهم. صبح دیروز رسانه باشگاه پرسپولیس اعلام کرد بعد از برگزاری جلسه هیأت مدیره که قبل از این معمولاً دوشنبه‌ها برگزار می‌شد، با رأی تمام اعضای هیأت مدیره پیمان حدادی مدیرعامل باشگاه پرسپولیس شد.

گزینه‌های نام آشنا به راحتی کنار رفتند

مدیرعاملی حدادی در باشگاه پرسپولیس بعد از استعفای رضا درویش با توجه به اینکه او هم مورد حمایت کنسرسیوم بانکی بود هم هیأت مدیره قریب‌الوقوع به نظر می‌رسید و تنها شاید خیلی زودتر از حد انتظار اتفاق افتاد. حدادی درست فردای باخت به خیبر و در پی استعفای درویش به عنوان سرپرست مدیرعاملی معرفی شد و در فاصله دو هفته به عنوان مدیرعاملی رسید.

این اتفاق در شرایطی رخ داد که تصور می‌شد بعد از پایان مهلت یکماهه سرپرستی او در رأس باشگاه و البته برگزاری مجمع سالیانه این مهم رسمی شود اما هیأت مدیره احتمالاً برای سرعت در سامان بخشیدن به امور و جلوگیری از حواشی ناشی از نداشتن مدیرعامل، دست جنباند و حدادی را به عنوان مدیرعامل معرفی کرد.

این انتخاب در حالی صورت گرفت که برخی از مدیران سابق باشگاه پرسپولیس یا آنهایی که زمانی در این باشگاه سمت داشتند طی دو هفته گذشته تلاش بسیاری کردند تا راهی برای نشستن روی صندلی مدیرعاملی این باشگاه باز کنند و با در نظر گرفتن اینکه با پول کنسرسیوم بانکی، بهتر و راحت‌تر می‌شود مدیریت کرد تکاپوی بسیاری خرج دادند که نظر هواداران به آنها جلب شود اما در نهایت موفق نبودند چرا که مشخص بود کنسرسیوم بانکی و در رأس آن محمدمهدی احمدی به نیروی برآمده از همان سیستم اعتماد خواهد کرد. نیرویی که البته با کار در پرسپولیس و چالش‌هایش ناآشنا نباشد.

اهمیت آشنایی با چالش‌های پرسپولیس

حدادی دو سال عضو هیأت مدیره باشگاه پرسپولیس بود و طی ماه‌های اخیر در نقش رئیس هیأت مدیره نقش پررنگ‌تری در تصمیمات مهم باشگاه ایفا کرد. او همزمان در نقش معاونت اقتصادی نیز فعالیت می‌کرد و با توجه به تخصص اینکه برآمده از بورس و بانک بود تلاش کرد تا در بخش درآمدزایی و هزینه شرایط پرسپولیس را بسامان کند.

حدادی که از تمام اتفاقات مهم و عجیب باشگاه پرسپولیس در دو سال گذشته خبر داشت و از این حیث می‌توانست گزینه بهتر و مناسب‌تری نسبت به مدیران خارج از بدنه باشگاه باشد با وجود غیرفوتبالی بودنش، در همین دو سال تجربیات مفیدی اندوخت و البته با چاشنی هواداری از پرسپولیس طی سال‌های گذشته گام بلندی به سوی مدیرعاملی برداشت و در نهایت به آنچه می‌خواست، رسید.

با این وجود طی روزهای گذشته و بخصوص بعد از ماجرای کنار گذاشتن هاشمیان که نقدهای زیادی به عملکرد مدیران باشگاه وارد شد فضای هواداری پرسپولیس به سمتی رفت که حدادی ادامه دهنده راه درویش بوده و قرار نیست اوضاع مدیریت این باشگاه سر و سامان یابد اما در نقطه مقابل حدادی تلاش کرد خلاف این نظر را ثابت کند.

پرسپولیس از حدادی چه می‌خواهد

به هر حال حدادی به عنوان مدیری جوان که در برهه حساسی مسئولیت این سمت خطیر و حساس را در دست گرفته کار بسیار دشواری در پیش دارد و حتماً خودش می‌داند که به عرصه بسیار خطرناکی گام گذاشته اما همین که با علم به این موضوع، چنین سمت دشواری را پذیرفته یعنی حداقل جسارت ورود به این منطقه پرخطر را داشته و مسئولیت آن هم از نوع بسیار سنگین‌ترش را پس نزده است.

واقعیت اینکه حدادی کار بسیار سختی در پرسپولیس دارد چرا که در وهله اول باید ثابت کند اشتباهات درویش را تکرار نخواهد کرد و قرار است مدل مدیریت پرسپولیس را از آنچه در چهار سال اخیر دیده بودیم عوض کند. تغییر ذهنیت هواداران مأموریت بسیار مهمی است که حدادی در همین شروع کار باید به صورت جدی به آن فکر کند اما این اتفاق نیازمند طی پروسه‌ای است برای جلب اعتماد یک طیف گسترده چندمیلیونی که نه با حرف، شعار و مصاحبه‌های تلویزیونی بلکه با عمل مشخص خواهد شد. در واقع راندمان و کارنامه حدادی است که مشخص خواهد کرد او در مدیریت باشگاه پرسپولیس بهتر و منطقی‌تر از درویش عمل خواهد کرد و واقعاً با او تفاوت دارد یا نه.

در این میان او باید به خیلی از مسائل ورود کرده و بعضاً در برخی موارد حیطه کاری خود تغییراتی بزرگ ایجاد کند. غیر از لایه‌های درونی سیستم مدیریتی باشگاه که باید از قید و بند رفیق‌بازی و مرام و معرفتی خارج شده و نظام‌مند شود او باید در بخش آکادمی، تیم بانوان و تیم اول باشگاه دنبال تغییراتی در جهت بهبود شرایط باشد و ضمن عملکرد شفاف و صداقت تمام و کمال با هواداران، از مشاوران ورزشی و رسانه‌ای باتجربه، سالم و کارآزموده‌ای استفاده کند تا بعداً در چاه نیفتد.

در نگاه اول حتماً غالب هواداران از او می‌خواهند که در نقل و انتقالات زمستانی عملکرد مناسبی داشته باشد و از حالا بسیاری منتظر خواهند ماند تا بعد از بسته شدن پنجره نقل و انتقالات زمستانی، حدادی را در پوزیشن جدید قضاوت کنند اما واقعیت اینکه برای سنجش عملکرد او باید نکات بسیاری را کنار هم قرار داد و به نتیجه مشخصی رسید.

هوادار، نقطه عطف کلام مدیر جدید

ساعتی بعد از اعلام این خبر نیز نقل قولی از حدادی منتشر شد که از هیأت مدیره و کنسرسیوم بانکی تشکر کرد: «قبل از هر چیز باید از اعتماد و محبت اعضای کنسرسیوم بانکی، آقای احمدی، مدیرعامل بانک شهر که نماینده کنسرسیوم هستند و همکاران محترم هیأت مدیره تشکر و قدردانی کنم. در کنار تمام اعضای هیأت مدیره نهایت تلاش خود را خواهیم کرد تا با انجام امور به بهترین شکل ممکن در نهایت تعالی پرسپولیس و رضایت خاطر هواداران رقم بخورد، چون در نهایت آن چه برای همه این تشکیلات در درجه نخست اهمیت قرار دارد، جلب اعتماد هواداران است. این مهم‌ترین استراتژی باشگاه است.»

حدادی ادامه داد: «در این شرایط فکر می‌کنم مهم‌ترین مسأله اتحاد و انسجام بین هواداران است. مجموعه پرسپولیس، بویژه تیم بشدت نیاز به حمایت و انرژی هواداران دارند. مهم است همه احساس کنند پرسپولیس به طور همه‌جانبه تحت حمایت هواداران است و این در پیشرفت کار و رشد تیم بسیار تأثیرگذار است.»

۲۴ سال انتظار باری روی دوش همه ماست

کارلو آنچلوتی، سرمربی تیم ملی فوتبال برزیل، با لحنی صریح از هدف بزرگ خود برای پایان دادن به انتظار طولانی «سلسائو» حرف زد. او تأکید کرد: «رؤیای من این است که فینال جام جهانی بین برزیل و ایتالیا باشد. این از نظر احساسی برای من فوق‌العاده خواهد بود.»

آنچلوتی که پس از جدایی از رئال مادرید هدایت برزیل را برعهده گرفته، تجربه کار در تیمی ملی را چالشی تازه و متفاوت توصیف کرد: «در تجربه جدید، چیزهای زیادی یاد می‌گیرم. با موضوعاتی سروکار دارم که قبلاً لازم نبود به آنها فکر کنم. استعدادیاب‌های زیادی در برزیل فعالیت می‌کنند و این برایم کمک بزرگی است. کمتر به اروپا سفر می‌کنم چون تمرکزم بر لیگ داخلی و شناسایی استعدادهاست.»

سرمربی پرافتخار دنیای فوتبال هدف خود را روشن بیان کرد: «رؤیای ما این است که برزیل ششمین جام جهانی خود را ببرد. از سال ۲۰۰۲ این جام را نبرده‌ایم و این ۲۴ سال انتظار، باری روی دوش همه ماست. امیدوارم این انتظار به ۲۸ سال نرسد. ما می‌خواهیم قهرمان شویم و این را پنهان نمی‌کنیم.»

افزایش قرارداد الحدادی و آسانی از دو به سه سال

باشگاه استقلال پیش از شروع فصل جدید با جذب چند بازیکن خارجی مطرح توانست ترکیب خود را تقویت کند و از نظر فنی تیم را متحول سازد.

در این میان دو بازیکن یعنی منیر الحدادی، مهاجم مراکشی که سابقه بازی در تیم‌های بزرگی چون بارسلونا، سویا و ختافه را در کارنامه دارد و یاسر آسانی، وینگر تکنیکی و سرعتی تیم ملی آلبانی، بیش از سایرین توانستند در ترکیب استقلال بدرخشند و نگاه‌ها را به خود جلب کنند.

قرارداد این دو بازیکن با استقلال به مدت دو سال منعقد شده است و بندی در قرارداد آنها وجود دارد که به باشگاه اجازه می‌دهد در صورت رضایت از عملکردشان، قرارداد را برای یک فصل دیگر تمدید کند.

حالا با گذشت چند ماه از حضور این دو بازیکن در جمع آبی‌پوشان، عملکرد قابل توجه آنها باعث شده تا مسئولان باشگاه استقلال تصمیم بگیرند پیش از پایان نیم‌فصل، مذاکراتی را برای تمدید قرارداد با آنها آغاز کنند.

هدف از این تصمیم، حفظ بازیکنان کلیدی و جلوگیری از ورود تیم‌های خارجی به روند مذاکرات است، چرا که منیر الحدادی و یاسر آسانی به دلیل سوابق بین‌المللی و بازی در سطح اول فوتبال اروپا، همواره در معرض توجه باشگاه‌های خارجی قرار دارند.

مسئولان استقلال به خوبی می‌دانند که ادامه حضور این دو بازیکن می‌تواند تضمین‌کننده موفقیت‌های بیشتر تیم در سال‌های آینده باشد، به‌ویژه با توجه به هماهنگی‌ای که میان آنها و سایر نفرات شکل گرفته است.

به همین دلیل، باشگاه قصد دارد در نیم‌فصل پیشنهاد رسمی تمدید یکساله قرارداد را به هر دو بازیکن ارائه دهد تا خیال ساپینتو نه تنها برای فصل بعد بلکه برای دو فصل بعد نیز آسوده شود.

البته شنیده می‌شود مسئولان باشگاه به فکر تمدید قرارداد سایر بازیکنان نیز هستند؛ بازیکنانی که از نظر فنی و رفتاری تأثیر مثبتی در تیم داشته‌اند. بر اساس برنامه‌ریزی صورت گرفته، ساپینتو به همراه مدیران فنی باشگاه در آینده لیستی از بازیکنانی که می‌توانند برای آینده استقلال مفید باشند، تهیه کرده و قرار است با آنها نیز درباره تمدید قرارداد مذاکره شود.

هدف اصلی از این اقدام ایجاد ثبات در ترکیب و جلوگیری از جدایی ناگهانی بازیکنان کلیدی در پایان جاری و حتی فصل بعد است. از سوی دیگر، بخشی از این برنامه‌ریزی ناشی از نگرانی نسبت به احتمال دریافت پیشنهادات خارجی برای برخی از بازیکنان مطرح تیم است. با توجه به عملکرد درخشان استقلال در لیگ و لیگ قهرمانان آسیا، احتمال دارد چند بازیکن از جمله الحدادی و آسانی که فصل بعد هم با استقلال قرارداد دارند مورد توجه تیم‌های خارجی قرار بگیرند.

گل بود به سبزه نیز آراسته شد!

بی‌تردید در کویر این روزهای شمشیربازی خصوصاً در اسلحه سابر، آسیب‌دیدگی ستاره‌های ملی‌پوش و مدال‌دار این رشته ورزشی می‌تواند تاوان سنگینی روی دست تصمیم‌سازان این رشته ورزشی بگذارد. درست مثل اتفاق تلخی که برای چهره نامدار شمشیربازی قبل از اعزام به رقابت‌های جام جهانی الجزایر رخ داده و دست او و کادرفنی را قبل از اعزام به این رویداد در حنا گذاشته است.

کاپیتان پر؟

رقابت‌های جام جهانی شمشیربازی در اسلحه سابر قرار است اواسط آبان‌ماه جاری به میزبانی کشور الجزایر برگزار شود. بر همین اساس، تیم ملی شمشیربازی کشورمان نیز طبق برنامه‌ریزی انجام شده در اردوی تهران حاضر شده تا برای حضور در این رویداد مهیا و هماهنگ شوند. در این شرایط حساس که تیم ملی سابر مهیای اعزام به جام جهانی است، شنیده‌ها حاکی از آن است که علی پاکدامن کاپیتان تیم ملی شمشیربازی سابر ایران دچار مصدومیت بدموقعی شده است. تا حدی که در آستانه اعزام به جام جهانی مشخص نیست به الجزایر می‌رسد یا نه؟ این خبر حقیقتاً در این شرایط که ملی‌پوشان شمشیربازی سابر امروز قرار است تهران را به مقصد الجزایر ترک کنند شوک بدی به کاروان شمشیربازی است. زیرا پاکدامن قطعاً یکی از ستون‌های تیم ملی سابر در این تورنمنت به‌شمار می‌رود و مطمئناً خلأ حضور او می‌تواند تبعات منفی برای تیم داشته باشد.

خونریزی جدی در مفصل زانوی پاکدامن!

جام جهانی الجزایر اولین مسابقه فصل جدید شمشیربازی سابر است و تیم ایران امروز دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴ راهی این مسابقات می‌شود. علی پاکدامن کاپیتان تیم ایران اما طبق آنچه که گفته می‌شود، در آخرین تمرین قبل از اعزام تیم به الجزایر دچار مصدومیت سنگینی شده است. تاحدی که این آسیب‌دیدگی اعزام پاکدامن به جام جهانی الجزایر را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است!

طبق اعلام پزشک فدراسیون شمشیربازی، در تمرین عصرگاهی قبل از اعزام سابریست‌ها درتهران، گویا کپسول مفصلی زانوی علی پاکدامن دچار پارگی و خونریزی شده است و او فعلاً تحت درمان است. طبق گفته خود پاکدامن وضعیت او برای اعزام به الجزایر اصلاً مشخص نیست و نمی‌داند که نظر قطعی متخصصان درخصوص او چیست.

کاپیتان تیم سابر امروز همراه تیم ملی به الجزایر نمی‌رود و اگر شرایط او بهبود پیدا کند، دیرتر عازم مسابقات می‌شود در غیر این صورت جام جهانی الجزایر را از دست می‌دهد. پاکدامن در حال حاضر در رنکینگ ۲۱ جهان است و چون تعدادی از شمشیربازان که که رنکینگ پایین‌تری نسبت به پاکدامن دارند، در این مسابقات نیستند، پاکدامن جزو ۱۶ بازیکن اول است و نیاز نیست در مرحله گروهی به رقابت بپردازد.

زندی و حاجی موسایی نگذاشتند آبروی تکواندو برود

تکواندوی ایران در دقیقه نود با آتش‌بازی ابوالفضل زندی به زندگی برگشت. در شرایطی که تیم‌های ملی با ۱۵ نفر عازم این مسابقات شده بودند، با یک طلا، یک نقره و یک برنز شیاپ‌چانگ ووشی را با نایب‌قهرمانی ترک کردند. در چنین شرایطی بیژن مقانلو سرمربی سابق تیم ملی معتقد است اگر حاجی‌موسایی و زندی نبودند الان مسئولان فدراسیون در باد این نایب‌قهرمانی نمی‌خوابیدند. او در گفت‌وگوی اختصاصی با ایران ورزشی از بی‌مهری‌ها، واقعیت‌های پشت پرده و آینده‌ای سخن می‌گوید که باید به دور از هرگونه عوامفریبی باشد.

ارزیابی‌تان از عملکرد تکواندو در ووشی چیست، این نایب‌قهرمانی راضی‌کننده بود؟

قبل از هر چیز به تمام بازیکنان خداقوت می‌گویم. همه ملی‌پوشان سعی خود را کردند و جا دارد از تک‌تک آنها تشکر کنم. از لحاظ کارشناسی تیم ایران تیمی جوان اما با کوله‌باری از مدال‌های گرندپری، گرنداسلم، قهرمانی آسیا و جهان و همچنین المپیک بود. باتوجه به این سابقه، کمترین انتظار سکونشینی بود و این نایب‌قهرمانی دور از ذهن نبود چراکه همه بازیکنان بجز ملی‌پوشان وزن اول و پنجم همه با تجربه بودند.

بسیاری از نفرات این تیم محصول همان تیمی است که شما ساخته بودید.

این تیم همان تیم سال۲۰۲۲ بود که در ۱۵ماه توسط بنده ساخته شد و با ۷۸مدال شامل ۳۲طلا، ۲۵نقره و ۲۱برنز. البته به‌دلیل بداخلاقی آقایان و به این خاطر که زحمات خودم و ملی‌پوشان ضایع نشود، تحویل آنها دادم. در زمان جدایی تأکید کردم که قدر این تیم جوان را بدانید چراکه این عزیزان می‌توانند سالیان سال برای ایران مدال‌آوری کرده و باعث افتخار کشور شوند. ۶نفر از ترکیب اصلی تیم فعلی از همان تیم می‌باشند و این تیم میوه همان باغی است که من پرورش دادم و حالا آقایان نوش جان می‌کنند، اما دریغ از یک تشکر.

می‌توان گفت زندی و حاجی‌موسایی یک تنه ناجی اعتبار تکواندوی ایران در ووشی شدند؟

اگر مهدی حاجی‌موسایی و ابوالفضل زندی که در مسابقات گرندپری سال ۲۰۲۳ مدال‌های ارزشمندی کسب کردند، در ووشی حضور نداشتند شاید الان آقایان در باد این نایب‌قهرمانی نبودند. در حال حاضر موضوع مورد توجه این است که با توجه به اعلام فدراسیون جهانی از سال ۲۰۲۶ امتیازهای بازیکنان صفر می‌شود. اگر این اتفاق بیفتد می‌توانند این بازیکنان را حفظ کنند یا ارتقا بدهند؟ همچنین می‌توانند بازیکنانی را پرورش داده تا در مسابقات گرندپری به‌عنوان مدعی در کنار این قهرمانان هنرنمایی کنند؟ یا اینکه بعد از اتمام دوره قهرمانی این نسل، دوباره مثل گذشته به چه کنم چه کنم افتاده و اعلام خواهند کرد که تیم ایران همین است و نمی‌توان از آن انتظار داشت؟

درباره فینال حاجی‌موسایی حرف و حدیث‌های زیادی وجود دارد. با توجه به فیلم‌های موجود چنین تمارضی در شأن تکواندوی ایران بود؟

مطمئناً اگر مهدی حاجی‌موسایی به بازی ادامه می‌داد طلای مسابقات را کسب می‌کرد ولی صد افسوس که این اتفاق نیفتاد. فیلم‌ها خود گویای همه چیز است و جای توضیحی باقی نمی‌گذارد.

فکر می‌کنید اصلی‌ترین عامل سقوط ستارگان المپیکی در مسابقات جهانی چه بود؟

بهتر است این موضوع را از خود این ستارگان، مربیان پایه و سرمربی تیم و کادرفنی جویا شوید.

نتایج تیم ملی تکواندوی بانوان در این مسابقات فاجعه بود. عامل اصلی این ناکامی به کنار گذاشتن مینو مداح و انتصاب مهروز ساعی برمی‌گردد؟

من فقط این را می‌گویم که اگر مربی رفت نباید باغ پرمحصولی که تحویل گرفته شده را با بی‌تدبیری ویران کرده و تحویل نفر بعدی بدهند. این نتایج خود گویای همه چیز است. بنده چندین بار این شرایط را دیده و تجربه کردم. پرورش یک تیم و باغ پرمحصول زمانبر بوده و کار هرکسی نیست.

نه‌تنها در ووشی بلکه نتایج تکواندو در بازی‌های آسیایی جوانان هم نگران‌کننده بود.

با نیم‌نگاهی به تیم نوجوانان و بازی‌های آسیایی جوانان که از نوجوانان استفاده شد متوجه می‌شویم که رده پایه با بی‌تدبیری در حال افت است. اگر همین نوجوانان به بلوغ فکری لازم نرسیده و برنامه‌ریزی درستی روی آنها صورت نگیرد نمی‌توانند پشتوانه مناسبی بوده و به پیکره تیم ملی اضافه شوند. قطعاً همین مسأله هم در آینده به تیم ملی ضربه وحشتناکی خواهد زد.

با این فرمان تکواندوی ایران می‌تواند در ناگویا و المپیک لس‌آنجلس، مثل پاریس درخشان ظاهر شود؟

برای موفقیت درآینده و تکرار نتایج پاریس باید واقعگرا بود و نباید عوامفریبی کرد. حفظ روند موفقیت‌آمیز تکواندو در آینده و تغییر شرایط فعلی نیاز به صداقت، شفاف‌سازی، سیستم‌سازی و استراتژی دارد و در غیر این صورت کار بسیار سختی خواهد بود.

مهدی روی دور خوشبختی

در آتن، جایی که ورزشگاه «کارایسکاکیس» هر هفته با شور قرمز هواداران می‌لرزد، حالا نامی تازه روی لب‌هاست؛ مهدی طارمی. شنبه‌شب در دیداری که المپیاکوس برای حفظ جایگاهش در صدر جدول به چیزی جز برد نمی‌اندیشید، ستاره ایرانی تیم با درخشش خود آتش حمله‌های سرخ‌پوشان را شعله‌ور کرد. دقیقه ۶۰، طارمی از میان مدافعان آریس عبور کرد و با ضربه‌ای دقیق دروازه حریف را گشود؛ گلی که نه‌تنها سه امتیاز حیاتی برای تیم مندیلیبار به همراه داشت، بلکه موجب شد دوران تازه‌ای در خط حمله المپیاکوس برای مهدی آغاز شود.

اما درخشش مقابل آریس، تنها یک گل ساده نبود. آمار طارمی نشان می‌دهد که او به مرز آمادگی کامل رسیده است: ۸۹ درصد پاس سالم (۱۷ از ۱۹)، ۸۳ درصد دقت پاس در زمین حریف، یک شوت در چهارچوب، دو دوئل زمینی و یک پیروزی در نبرد هوایی. طارمی با نمره ۷.۲ در جمع بهترین بازیکنان میدان قرار گرفت و پس از پودنسه، کاشتینیا و نزولاکیس چهارمین بازیکن برتر دیدار بود.

این دومین هفته متوالی است که طارمی در ترکیب اصلی المپیاکوس قرار می‌گیرد و دومین هفته‌ای که نام او در فهرست گلزنان می‌درخشد. در واقع، از زمانی که خوزه لوئیس مندیلیبار تصمیم گرفت نقشی متفاوت به مهاجم ایرانی بدهد، مسیر فنی تیم یونانی دستخوش تغییر مثبت شده است. مندیلیبار سرمربی باتجربه اسپانیایی، در ابتدا طارمی را به عنوان بازیکنی مکمل برای ایوب الکعبی جذب کرده بود؛ مهاجمی مراکشی که در سال‌های اخیر به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های المپیاکوس تبدیل شده است. الکعبی با سابقه‌ای پربار در گلزنی، چنان جایگاهی بین هواداران دارد که نیمکت‌نشینی‌اش تقریباً غیرقابل تصور است. از همین رو، مأموریت اولیه طارمی دشوار به نظر می‌رسید: درخشش در تیمی که یک ستاره باثبات در نوک حمله دارد.

اما مندیلیبار خیلی زود متوجه شد که راهکارش برای بهره‌برداری از توانایی‌های طارمی، تغییر در نقش اوست نه تغییر در سیستم تیم. او بدون دست‌زدن به ساختار همیشگی ۱-۳-۲-۴ المپیاکوس، طارمی را از نوک حمله به پست هافبک نفوذی منتقل کرد؛ جایی درست پشت سر ایوب الکعبی. این تغییر، نتیجه‌ای فوق‌العاده داشت. در دیدار سنتی برابر آ.ا.ک آتن، طارمی نخستین‌بار در این پست جدید به میدان رفت و بلافاصله درخشید. او با یک گل تماشایی و نمایش هوشمندانه، نمره عالی ۸.۳ را از کارشناسان گرفت و عنوان بهترین بازیکن زمین را از آن خود کرد. همین عملکرد کافی بود تا مندیلیبار در بازی بعدی مقابل آریس نیز دوباره به ترکیب مشابه اعتماد کند. طارمی باز هم پاسخ اعتماد سرمربی‌اش را با گل و دوندگی مثال‌زدنی داد. نکته جالب اینجاست که در فاصله کوتاهی، طارمی از بازیکنی ذخیره به یکی از عناصر اصلی ترکیب المپیاکوس تبدیل شده است. آمارش گویای همه چیز است؛ در شش حضور در سوپرلیگ یونان، که تنها دو بازی آن فیکس بوده، او موفق شده ۴ گل بزند و یک پاس گل بدهد. یعنی به طور میانگین، هر ۳۸ دقیقه یک تأثیر مستقیم روی گل‌های تیمش دارد؛ آماری در سطح مهاجمان تراز اول اروپا.

در سوی دیگر، ایوب الکعبی با ۹ بازی، ۶ گل و یک پاس گل عملکردی ثابت و قابل‌اتکا دارد. اما تفاوت میان دو مهاجم، نه در تعداد گل‌ها، بلکه در نحوه اثرگذاری بر تیم است. الکعبی همچنان تمام‌کننده اول تیم به شمار می‌رود، اما طارمی در نقش جدید خود تبدیل به مغز متفکر خط حمله شده است؛ بازیکنی که هم فضا می‌سازد، هم پاس می‌دهد و هم در موقعیت‌های کلیدی، با هوش بالا گل می‌زند. این روزها در آتن، صحبت از یک زوج تازه است؛ زوجی ایرانی ـ مراکشی که درک متقابلی در زمین دارند. الکعبی در نقش تمام‌کننده و طارمی در نقش بازیساز هجومی، ترکیبی ساخته‌اند که مدافعان یونانی به سختی می‌توانند متوقفش کنند. هواداران المپیاکوس حالا دیگر طارمی را نه به عنوان «جانشین الکعبی»، بلکه به عنوان مکملی ارزشمند و ستاره‌ای تازه در قلب تیم‌شان می‌شناسند. اگر این روند ادامه پیدا کند، شاید خیلی زود نام مهدی طارمی همان‌قدر که در پورتو بر سر زبان‌ها بود، در آتن هم با شور و افتخار فریاد زده شود.

ستارگان کلبا روی نوار ناکامی

برای نخستین‌بار در تاریخ فوتبال، یک باشگاه خارج از ایران پنج بازیکن ایرانی را همزمان در ترکیب خود دارد، اما نتیجه آن، چیزی جز ناکامی و سرخوردگی نبوده است. الاتحاد کلبا که در ابتدای فصل با هزینه‌ای سنگین سراغ ستاره‌های لیگ برتر ایران رفت و جمعی از ملی‌پوشان را به امارات آورد، حالا پس از گذشت ده هفته از لیگ ادنوک، در میانه‌های جدول سرگردان است و نشانی از تیمی مدعی ندارد. روز شنبه در ورزشگاه شیخ حمدان بن‌زاید، تیم الظفره با نمایشی برتر، میزبان خود الاتحاد کلبا را با نتیجه ۳ بر صفر شکست داد؛ شکستی سنگین و ناامیدکننده برای تیمی که با حضور بازیکنانی چون احمد نوراللهی، سامان قدوس و شهریار مغانلو امید زیادی به تغییر سرنوشتش داشت. در این مسابقه که با حضور بیش از ۱۴۰۰ تماشاگر برگزار شد، قدوس مثل همیشه در ترکیب اصلی حضور داشت اما در دقیقه ۷۰ تعویض شد؛

روزنامه مرز اقتصاد
اقتصادی، اجتماعی
www.marzeghtesad.ir
۸
یکشنبه ۲۴ اسفندماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۱
www.marzeghtesad.ir

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین
مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی
چاپ: جام جم
آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰
گستره توزیع : سراسری
شرکت توزیع : نشر گستر

راند جدید حاشیه‌های «پیرپسر»

حدود یک هفته بعد از این ماجرا «پیر پسر» در شبکه خانگی هم توقیف شد تا کلکسیون چالش‌هایی که پشت سر گذاشته کامل شود. این در حالی است که روابط عمومی فیلم‌نت اعلام کرده تا لحظه توقف اکران آنلاین «پیرپسر» بیش از ۶۰هزار بلیت فروخته شده ولی با وجود این استقبال و حمایت از انتشار قانونی فیلم‌های سینمایی ایرانی متاسفانه روند اکران آنلاین با چالش‌هایی همراه شده است.بر اساس گزارش‌ها به نظر می‌رسد این فیلم حالا درگیر جدال سازمان سینمایی و ساتراست. از یک سو ساترا خود را مرجع نظارت بر پلتفرم‌های نمایش خانگی می‌داند و از سوی دیگر، سازمان سینمایی تاکید دارد که پروانه نمایش عمومی کفایت می‌کند.

سیکل معیوب تزریق نقدینگی

مرتضی اکبری -طبق اعلام وزیر صمت، بانک مرکزی با پرداخت ۴۰همت تسهیلات به دو خودروساز بزرگ کشور برای تسویه بدهی آنها به قطعه‌سازان موافقت کرده است.

طبق اعلام وزیر صمت، بانک مرکزی با پرداخت ۴۰همت تسهیلات به دو خودروساز بزرگ کشور برای تسویه بدهی آنها به قطعه‌سازان موافقت کرده است. اما این تصمیم به‌گفته کارشناسان، تکرار چرخه‌ای قدیمی در سیاستگذاری صنعتی است؛ چرخه‌ای که به جای اصلاح ساختاری، تنها با «پول‌درمانی» آن هم به‌طور موقت، بحران را برای مدتی به تعویق می‌اندازد. در صنعتی که با مدیریت دولتی، قیمت‌گذاری دستوری، زیان انباشته سنگین و بدهی‌های معوق دست‌وپنجه نرم می‌کند، چنین تسهیلاتی کارکردی جز «مُسکن درمانی» ندارد.

طبق رایزنی‌های اخیر میان مقامات صنعتی و بانکی کشور مقرر شده تا ۴۰ همت تسهیلات وارد خزانه خودروسازان شود تا به صورت مستقیم به صنعت قطعه و زنجیره تامین تزریق شود. تخصیص تسهیلات ۴۰ همتی برای دو خودروساز بزرگ کشور در شرایطی است که تحلیلگران اقتصادی و مقامات صنفی با نیم‌نگاهی به تجربیات گذشته این تصمیم را نه نشانه‌ای از درمان، بلکه صرفا تجدید نسخه‌ای قدیمی برای بیماری مزمن صنعت خودرو می‌دانند. از ابتدای امسال درخواست تزریق اعتبار به صنعت قطعه با توجه به بدهی هنگفت خودروسازان به این بخش بارها از تریبون‌های رسمی شنیده شد تا رساندن این پول به جریان حیاتی این صنعت آن را از مرگ حتمی نجات دهد.

به گفته وزیر صمت با تزریق ۲۰ همت به دو خودروساز بزرگ کشور موافقت شده، اما به باور برخی از تحلیلگران، اشتباه سیاستگذار که به کرات در سالیان متمادی تکرار شده، این است که ریشه ناکامی را در کمبود پول در این صنعت می‌داند و از واقعیات خودرو غافل مانده است. به تعبیری تزریق منابع مالی هنگامی می‌تواند اثرگذار باشد که مانع اصلی تولید، کمبود نقدینگی باشد. اما در صنعتی که ریشه مشکلات آن به ساختار معیوب مدیریتی، قیمت‌گذاری دستوری و زیان انباشته برمی‌گردد، چنین تزریق‌هایی صرفا نقش مسکن را ایفا می‌کند. تحلیل موشکافانه تحلیلگران نشان می‌دهد که در خودروسازی ایران، ناترازی مالی و زیان انباشته به مرحله‌ای رسیده که هرگونه تزریق مالی فقط به جبران گذشته اختصاص می‌یابد این در شرایطی است که در دیگر کشورها تزریق نقدینگی برای اهداف توسعه‌ای و ارتقای فناوری صورت می‌گیرد.

اما در ایران تزریق پول باعث افزایش وابستگی خودروسازان به منابع بانکی می‌شود و چرخه‌ای شکل می‌گیرد که در آن بنگاه‌های زیان‌ده همواره چشم‌انتظار «پول تازه» می‌مانند. همچنین از منظر اقتصاد کلان نیز این تصمیم می‌تواند تبعات تورمی به‌دنبال داشته باشد. در صورتی که بانک‌ها برای تامین این تسهیلات به منابع بانک مرکزی متوسل شوند، پایه پولی بالا می‌رود و اثر دومینویی افزایش نقدینگی بر سطح عمومی قیمت‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بنابراین تجویز نهایی کارشناسان شروع اصلاحات بنیادی از قبیل واقعی‌سازی قیمت خودرو، خروج دولت از مالکیت و مدیریت خودروسازان، شفاف‌سازی صورت‌های مالی و حذف رانت از زنجیره تامین است وگرنه هیچ تسهیلاتی نمی‌تواند این صنعت را اصلاح کند.

بدین ترتیب در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که صنعت خودرو نه به پول، بلکه به جراحی ساختاری نیاز دارد. در غیر این صورت، منابع جدید تنها «زمان ورشکستگی» را به تعویق می‌اندازد و زیان آن در نهایت به کل اقتصاد منتقل می‌شود. در یک جمع‌بندی اقتصادی، می‌توان گفت تسهیلات بانکی به خودروسازان در شرایط کنونی، نه سرمایه‌گذاری مولد بلکه هزینه‌ای تورم‌زاست که درمانی برای بیماری مزمن صنعت خودرو و قطعه نخواهد بود.

وام‌های تکراری برای صنعتی بیمار

اما تصویب وام و تسهیلات سنگین برای دو خودروساز بزرگ کشور، پدیده تازه‌ای نیست. بررسی تصمیمات دو دهه گذشته نشان می‌دهد هرگاه این صنعت در تنگنای مالی یا بحران تقاضا قرار گرفته، دولت، شورای پول و اعتبار با هدف حفظ تولید و جلوگیری از تعطیلی خطوط، تسهیلات کلان بانکی را در اختیار خودروسازان قرار داده‌اند. با این حال، کارشناسان معتقدند این تزریق‌ها نه‌تنها به اصلاح ساختار صنعت خودرو منجر نشده بلکه وابستگی آن را به منابع بانکی و حمایت‌های دولتی تشدید کرده است. یکی از نمونه‌های شاخص این مداخله به سال ۱۳۹۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که موج اجتماعی «کمپین نخریدن خودروی داخلی» بازار را به رکود کشاند و انبارهای خودروسازان از محصولات فروش‌نرفته پر شد. در آن مقطع، دولت با هدف تحریک تقاضا و حمایت از خودروسازان، بسته ۲۵۰۰میلیارد تومانی تسهیلات را تصویب کرد تا مردم بتوانند با وام ۲۵میلیون تومانی خودروهای تولید داخل را خریداری کنند. این تصمیم هرچند در کوتاه‌مدت بازار را از رکود خارج کرد، اما عملا هزینه بحران فروش را از دوش خودروسازان برداشته و به شبکه بانکی منتقل کرد.بدین ترتیب در همان سال، بانک مرکزی نیز شیوه‌نامه‌ای برای افزایش تسهیلات خرید خودرو و کالاهای بادوام داخلی ابلاغ کرد تا تقاضا در بازار تحریک شود.

در اسفند ۱۳۹۸ نیز شورای پول و اعتبار با هدف جبران زیان و تامین نقدینگی، با پرداخت ۵هزار میلیارد تومان تسهیلات به ایران‌خودرو و سایپا موافقت کرد. چند سال بعد، در بهمن ۱۴۰۲، همین شورا سقف اعتبارات دو خودروساز را تا ۱۵ هزار میلیارد تومان افزایش داد تا خطوط تولید در برابر فشارهای مالی و تحریمی حفظ شود. با وجود تکرار این سیاست‌ها، بخش عمده تسهیلات در عمل صرف پرداخت بدهی‌ها و هزینه‌های جاری شده و اثر قابل‌توجهی در تولید محصول جدید، ارتقای فناوری یا افزایش بهره‌وری نداشته است. اکنون نیز در حالی مصوبه جدید تزریق ۲۰ هزار میلیارد تومان به هر خودروساز تصویب شده که تحلیلگران اقتصادی هشدار می‌دهند این تصمیم، ادامه همان مسیر گذشته است: تداوم تزریق پول به صنعتی که به جای اصلاح ساختار، به تسهیلات بانکی تکیه دارد.

تزریق پول نجات‌بخش است؟

محمد اتابک، وزیر صمت روز پنج‌شنبه هفته گذشته در نشستی که با حضور فعالان اقتصادی و صاحبان صنایع استان البرز برگزار شد، توضیحاتی را در مورد اعطای تسهیلات به خودروسازان ارائه داد که البته با شرط و شروطی همراه بود. وزیر صمت در این باره توضیح داد: «بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی با وزارت صمت همکاری کردند تا به هر یک از دو خودروساز بزرگ کشور ۲۰ همت تسهیلات پرداخت شود، به شرطی که این پرداخت به طور مستقیم به قطعه‌سازان باشد.» در شرایطی سیاستگذار از اعطای اعتبار به خودروسازی کشور برای تزریق به صنعت قطعه خبر داده که سوال اساسی که به ذهن خطور می‌کند این است که آیا تزریق پول به صنعتی که از ساختار نامطلوبی برخوردار است، نجات‌بخش خواهد بود؟ این پرسش را با دو اقتصاددان و استاد دانشگاه در میان گذاشتیم.

مرتضی افقه، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل اقتصادی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «همواره یکی از اشتباهات سیاستگذار این بوده که ریشه ناکامی در اقتصاد و صنایع را در کمبود پول جست‌وجو می‌کند، اما واقعیت امر چیز دیگری است.» وی ادامه داد: «ریشه ناکامی را می‌توان در به‌کارگیری و استخدام افرادی جست‌وجو کرد که بدون شایستگی و توان مدیریتی کافی سمتی را در یک شرکت یا اداره بر عهده می‌گیرند، بنابراین بهره‌وری لازم را ندارند.» افقه با اشاره به چرخه باطل در صنعت خودرو و قطعه، گفت: «در شرایطی که انتظار می‌رود مدیران لایقی مسوولیت امور را بر عهده بگیرند تا بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی را بالا ببرند و هزینه‌ها را تقلیل ببخشند، در مقابل سیاستگذار با هدف حل و فصل مشکلات اقدام به تزریق پول می‌کند.»

وی افزود: «این پول وقتی وارد چرخه صنایع می‌شود، در نهایت هدر می‌رود و زیان‌دهی آغاز می‌شود. نتیجه این امر تعطیلی صنایع و کارخانجات و موج جدید بیکاری خواهد بود. در ادامه مسوولان باز هم ناچار خواهند شد که برای کاهش زیان‌دهی پول تزریق کنند و این چرخه بار دیگر تکرار خواهد شد.» این استاد دانشگاه در پایان، تزریق پول را تنها یک مسکن دانسته و راهکار نجات صنعت را افزایش بهره‌وری با به‌کارگیری متخصصان عنوان کرد.

سهراب دل‌انگیزان، دیگر استاد دانشگاه هم با اشاره به اینکه تزریق اعتبار اثر مثبتی به دنبال نخواهد داشت، به دنیای اقتصاد گفت: «این پول باید به خودروساز داده شود تا ظرفیت تولید و کیفیت محصولات خود را ارتقا دهد تا سر آخر منافع ملی تامین شود.» به گفته وی، «این خودروساز است که باید تصمیم بگیرد چه نیازی دارد و آن را چگونه پوشش دهد.» این استاد دانشگاه تاکید کرد: «ما نیازمند اصلاح ساختاری در چارچوب سهامداری خودروساز هستیم. » برای آگاهی از این مساله که در نشست اخیر با فعالان اقتصادی چه گذشت و چه تصمیماتی اتخاذ شد، نظر دو فعال صنعت قطعه را نیز جویا شدیم.

آرش محبی‌نژاد، دبیر انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودروی کشور نیز با اشاره به برگزاری جلسه فعالان اقتصادی با وزیر صمت، به دنیای اقتصاد گفت: «وزیر صمت در این جلسه اذعان داشتند که در پی مذاکرات با رئیس بانک مرکزی، اعطای تسهیلات به خودروسازان و تزریق آن به صنعت قطعه تصویب شده است.»وی ادامه داد: «درباره اعطای تسهیلات و تزریق اعتبار توافق شده اما به صورت شکلی ممکن است بانک مرکزی تصمیم بگیرد مصوبه‌ای در قالب هیات عالی ارائه کند.»

دبیر انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودروی کشور در ادامه در پاسخ به این پرسش که آیا تزریق اعتبار می‌تواند پاسخگوی مشکلات عدیده صنعت قطعه باشد، به دنیای اقتصاد گفت: «با تزریق اعتبار مشکل خودروسازان و قطعه‌سازان حل نخواهد شد؛ منتهی اگر این تسهیلات داده نشود، این صنعت از بین می‌رود.»

وی ادامه داد: «تزریق اعتبار ۴۰ همتی جلوی مرگ صنعت را می‌گیرد، اگر این اعتبار تزریق شود، در مرحله بعدی می‌توان روی اصلاح شیوه قیمت‌گذاری و اصلاح ساختار سیاستگذاری خودرو و بازطراحی نحوه اداره خودروسازان کشور و سیاستگذاری حاکمیت به‌جای دخالت مدیریتی و بنگاه‌داری و نظارت راهبردی به‌جای تصدی‌گری حساب کرد.» این فعال صنعت قطعه در پایان ابراز امیدواری کرد که «آینده صنعت خودرو را می‌توان با تدوین سند چشم‌انداز بلندمدت که در گذر زمان با تغییر دولت‌ها و مجلس‌ها کنار گذاشته نشود، متحول کرد. این امر زنجیره تامین خودروسازی را احیا می‌کند و راه‌حل نهایی نیست، بلکه درمانی موقت است تا این صنعت به حیات خود ادامه دهد.»

محمدرضا نجفی‌منش، رئیس انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودروی کشور نیز در پاسخ به این پرسش که آیا تزریق اعتبار ۴۰ همتی به دو خودروساز بزرگ کشور می‌تواند پاسخگوی مشکلات فراوان صنعت قطعه باشد یا خیر؛ به دنیای اقتصاد گفت: «وضعیت صنعت قطعه را می‌توان به بیماری تشبیه کرد که دچار ایست قلبی شده است، این تنفس کوتاه می‌تواند آن را از مرگ حتمی نجات دهد.» وی در ادامه خواستار اعطای فوری تسهیلات به صنعت قطعه شد و در این باره گفت: «این امر نباید در کش‌وقوس تشریفات اداری گرفتار آید، چراکه الان بسیاری از واحدهای تولیدی که سابقه فعالیت ۲۰ تا ۳۰ ساله دارند، ناچار به تعدیل نیرو شده‌اند.» نجفی‌منش با اشاره به تعدیل نیرو در صنعت قطعه گفت: «تنها از ابتدای امسال، ۸۰ هزار نفر در کل کشور کار خود را از دست داده‌اند.»

وی با اشاره به اینکه اعطای تسهیلات در هیات دولت مطرح شده و در صورت عملیاتی‌شدن جلوی توقف تولید را خواهد گرفت، ادامه داد: «البته این تنها یک روش موقتی است، در ادامه ضروری است که سیاست قیمت‌گذاری اصلاح شود، واگذاری خودروسازان به سرانجام برسد و سازمان حمایت تنها نقش نظارتی را بر عهده بگیرد.»

رئیس انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودروی کشور با اشاره به اینکه از آنجایی‌که سود تسهیلات اعطایی باید پرداخت شود، نیازمند سازوکار حمایتی دیگری هستیم، اظهار کرد: «آنچه که اهمیت دارد این است که وضعیت سهام‌های تودلی خودروسازان تعیین تکلیف شود و مدیریت به دست بخش خصوصی واقعی بیفتد.» وی با تاکید بر اختصاص ارز به ساخت تولید داخل، ادامه داد: «وزیر صمت نیز وعده داده که اولویت ارز تخصیصی را به بخش تولید بدهد که به نظر می‌رسد به‌زودی عملیاتی خواهد شد.» نجفی‌منش در پاسخ به این پرسش که با توجه به تحولات سیاسی رخ داده در کشور زیر سایه فعال‌شدن مکانیسم ماشه، آیا نگرانی از بابت محدودیت‌های ارزی دارید یا خیر؛ گفت: «مهم‌تر از تحریم خارجی، تحریم داخلی است که باید حل و فصل شود و در ادامه قادر خواهیم بود تحریم‌های بین‌المللی را مدیریت کنیم.»

این پول وقتی وارد چرخه صنایع می‌شود، در نهایت هدر می‌رود و زیان‌دهی آغاز می‌شود. نتیجه این امر تعطیلی صنایع و کارخانجات و موج جدید بیکاری خواهد بود.

ایران؛ چهارمین کشور استخراج‌کننده رمزارز

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان تهران با بیان اینکه ارزان بودن قیمت برق در ایران، موجب شده کشور به بهشت ماینرهای غیرمجاز تبدیل شود، گفت: ایران چهارمین کشور استخراج‌کننده رمزارز در جهان است و حدود ۱۳میلیون ایرانی در این بازار فعالیت دارند.

به گزارش ایرنا، افزایش شدید قیمت ارزهای دیجیتال از یک سمت و ارزان بودن قیمت برق در کشورمان از جمله دلایل اصلی برای افزایش استخراج‌کنندگان غیرمجاز رمزارز شده و همین امر سبب افزایش میزان مصرف برق شده است. در این رابطه اکبر حسن بکلو، مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان تهران، در زمینه رشد ماینرهای غیر مجاز در استان تهران با اشاره به آمارهای رسمی اعلام کرد: ایران چهارمین کشور استخراج‌کننده رمزارز در جهان است و حدود ۱۳میلیون ایرانی در این بازار فعالیت دارند.وی ادامه داد: تخمین زده می‌شود در کشور حدود ۴۲۷ هزار دستگاه ماینر فعال است که بیش از ۱۴۰۰ مگاوات برق را به‌صورت شبانه‌روزی مصرف می‌کنند.

مدیرعامل توزیع نیروی برق استان تهران افزود: در این استان از ابتدای طرح مقابله با رمزارزهای غیرمجاز تاکنون حدود ۱۰۴ مزرعه غیرمجاز استخراج رمزارز کشف شده و بیش از ۱۴۶۵ دستگاه ضبط شده با توان مصرفی معادل ۳,۳۵۹ کیلووات که معادل مصرف حدود ۱۰ هزار واحد مسکونی است و فشار سنگینی بر شبکه وارد کرده و موجب ناترازی و کاهش پایداری تامین برق برای مشترکان خانگی و صنعتی شده است. رئیس هیات‌مدیره شرکت توزیع نیروی برق استان تهران با تاکید بر اینکه بیش از ۹۵ درصد این دستگاه‌ها از برق غیرمجاز استفاده می‌کنند، گفت: فعالیت مزارع استخراج رمزارز به‌ویژه در قالب واحدهای صنعتی، مصرف غیرمجاز برق را به شدت افزایش داده و ضمن تحمیل فشار به شبکه، باعث اتلاف منابع یارانه‌ای و کاهش توان تولید صنایع شده است.

حسن بکلو افزود: در استان تهران، شهرستان‌های مختلفی درگیر فعالیت‌های غیرمجاز استخراج رمزارز هستند. شهرستان‌هایی مانند پاکدشت، فیروزکوه، ملارد، شهرقدس، کهریزک و مناطق صنعتی در جنوب غرب تهران بیشترین میزان کشف ماینرهای غیرمجاز را داشته‌اند. برای نمونه در ۶ ماهه نخست سال جاری ۸۰ مزرعه غیرمجاز با ۱۳۰۰ دستگاه ماینر کشف شد که مصرف برق آنها معادل ۸ هزار مشترک خانگی بود.

وی درباره روش‌های پنهان‌کاری متخلفان ادامه داد: سارقان برق از روش‌هایی مانند حفر تونل، دفن دستگاه‌ها در زیر زمین و استفاده از انشعاب‌های صنعتی یارانه‌ای بهره می‌برند که شناسایی آنها را دشوار می‌کند. با این حال، تیم‌های تخصصی شرکت توزیع و گشت‌های نظارتی، همراه با دستگاه‌های امنیتی و انتظامی، به‌صورت مستمر این مراکز را رصد و با متخلفان برخورد می‌کنند. حسن بکلو افزود: در برخی موارد، افراد متخلف تلاش کرده‌اند با نفوذ در برخی مراجع مسیر قانونی را تغییر دهند که این اقدام تضییع حقوق بیت‌المال است و دستگاه قضایی با جدیت در حال رسیدگی است. مدیرعامل شرکت ضمن قدردانی از همکاری مردم گفت: همکاری مردم در گزارش موارد مشکوک نقش مهمی در کشف مزارع غیرمجاز داشته و نشان می‌دهد که مردم شبکه برق را «ثروت ملی» خود می‌دانند.

شرایط سخت آبی در تهران

همزمان با کاهش شدید بارش‌ها در کشور و به‌خصوص تهران سخنگوی صنعت آب از اتخاذ تصمیم‌های ویژه برای مدیریت بحران آب شرب تهران خبرداد. به گزارش «ایرنا» کاهش شدید بارش‌ها در کشور پائیزی خشک را برای امسال رقم زده است؛ همین امر سبب شده منابع آب سطحی کشور که تامین‌کننده بخشی از آب مورد نیاز است با کمبود شدید روبه‌رو شوند.

روزهای آخر شهریور ماه امسال بود که محمدرضا کاویان‌پور، رئیس موسسه تحقیقات آب، گفت: میزان بارش‌های فصل پاییز کمتر از وضعیت نرمال خواهد بود، این میزان در بخشی از مناطق مهم کشور مانند نواحی شمالی با کاهش بیشتری همراه می‌شود.اکنون و در تازه ترین اقدام عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب کشور، از برگزاری نشست ویژه مدیریت بحران آب شرب تهران با حضور وزیر نیرو و استاندار تهران خبر داد.

در این نشست ضمن مرور آخرین وضعیت سدهای پنج‌گانه و نحوه آب‌رسانی، میزان کاهش مصرف به دست آمده در سطح استان برای گذار از پاییز فراخشک کنونی ناکافی ارزیابی شد. در نشست مذکور با توجه به مدت زمان تاب آوری بسیار کم سدهای لتیان، ماملو، لار و امیرکبیر و لزوم کاهش برداشت از این سدها، تصمیمات ویژه‌ای برای کاهش مصرف آب شهروندان تهرانی، به میزان حداقل ۱۰ درصد بیشتر از مقدار کنونی اتخاذ شد. بزرگ‌زاده افزود: مقدار کاهش برنامه‌ریزی شده باید از طریق مدیریت توأمان وزارت نیرو و شهروندان به دست آید.

در پی کاهش شدید بارندگی‌ها و افت ورودی آب به سدهای استان تهران، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران اعلام کرد که ذخیره فعلی ۱۴میلیون مترمکعبی در سد امیرکبیر تنها برای تامین آب شرب تهران به مدت کمتر از ۲ هفته کفایت می‌کند.

اینفوگرافیک

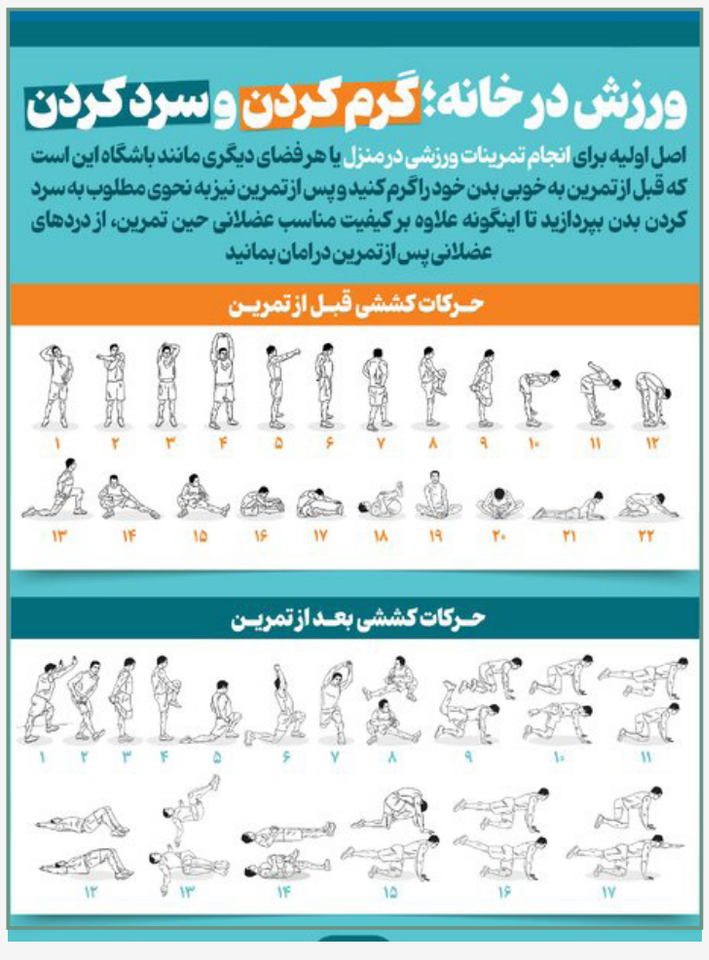

اصل اولیه برای انجام تمرینات ورزشی در منزل یا هر فضای دیگری مانند باشگاه این است که قبل از تمرین به خوبی بدن خود را گرم کنید و پس از تمرین نیز به نحوی مطلوب به سرد کردن بدن بپردازید تا علاوه بر کیفیت مناسب عضلانی حین تمرین، از دردهای عضلانی پس از تمرین نیز در امان بمانید.

عکس نوشت

مراسم روز جهانی قدس در استان‌ها

کارتون

خسارات ناشی از تجاوز هوایی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران – قم